



نمایش تکراری و مبتذل انتخابات از دست‌های آلوده تا پول‌های کثیف

● ده‌ها کانال تلگرامی با خیز انتخاباتی، توسط لشکر سایبری جمهوری اسلامی آغاز به فعالیت کرده‌اند تا دست‌های مردم شهر و روستا را نیز به پول‌های کثیف گروه‌های مافیایی نظام آلوده کنند
 ● «انتخابات» در جمهوری اسلامی هرگز چیزی جز منبع تقسیم رانت و فساد برای غارت و سرکوب جامعه نبوده است



محفل علنی مجلس شورای اسلامی پس از کشته شدن قاسم سلیمانی در حمله پهبادی آمریکا در عراق
 تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

همه در برابر هیچ!

۴۱ سال پیش، آن لحظاتی که صادق قطب‌زاده در هواپیمای فرانسوی کنار خمینی نشسته بود سعی می‌کرد تا «هیچ» او را درباره احساساتش در پاسخ به یک خبرنگار خارجی ماستمالی کند، نمی‌دانست سه چهار سال بعد خودش به فرمان همین فرد به جرم «براندازی» تیرباران خواهد شد. نکته‌ی بسیار شاخص قطب‌زاده عقاید و سخنان ضدشوروی و ضدکمونیستی وی بود. کمتر پیش می‌آمد که ارگان حزب توده منتشر شود و مطلبی علیه قطب‌زاده نداشته باشد. و کمتر پیش می‌آمد که قطب‌زاده به عنوان عضو شورای انقلاب و وزیر خارجه و مدیرعامل رادیو تلویزیون دولتی ایران حرفی بزند و به پر و پای شوروی و کمونیست‌ها نیچد. عنوان «مثلت بیق» که به ابوالحسن بنی‌صدر و ابراهیم یزدی و صادق قطب‌زاده داده شده بود، گذشته از اینکه شوخ‌طبعی ایرانیان را حتا در بدترین شرایط و رویدادها نشان می‌دهد، در عین حال بیانگر این واقعیت است که دست‌کم بخش مؤثری از جامعه نسبت به خمینی و افراد مورد تأییدش زاویه داشت و می‌توانست «مثلت بیق» را آنهم در شرایطی که هیچکدام از امکانات ارتباطی امروز وجود نداشت، به ورد زبان‌ها تبدیل کند. با اینهمه انقلاب ۵۷ از پشتیبانی توده‌ای برخوردار بود همانگونه که رژیم هیتلری بسیار بیشتر از جمهوری اسلامی حمایت مردم آلمان را داشت. اما پشتیبانی مردم هیچ حکومت سرکوبگری را برحق نمی‌کند! فراندوم کذابی جمهوری اسلامی (فروردین ۵۸) در شرایطی که جامعه در نشنگی انقلابی و اعدام و تیرباران پسر می‌برد و خیلی زود با اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری (آبان ۵۸) و جنگ (شهریور ۵۹) روبرو شد، نخستین خشت کج ترفندی به اسم «انتخابات» و «رای» را در رژیم بنا گذاشت که رهبر و بنیانگذارش پس از تبعید ۱۵ ساله و هنگام بازگشت به ایران «هیچ» احساسی نداشت.

پس از فراز و نشیب جنبش‌های اجتماعی چهل سال گذشته، اعم از جنبش زنان و دانشجویان و بطور کلی طبقه متوسط که در جنبش ۸۸ به اوج خود رسید و به دلیل خصلت محافظه‌کارانه و فرصت‌طلبانه‌ی خود و رهبرانش ناکام و سترون ماند، نسل مردمی از دی‌ماه ۹۶ به اینسو به میدان آمده است که بند نافش به تدریج از انقلاب ۵۷ و نظام جمهوری اسلامی کنده شده است.

شعارهای مردم در سه سال اخیر درباره شناخت دشمن و اهداف خود، جزو شاهکارهای سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود. امروز بحران‌های جمهوری اسلامی یک فرصت بی‌همتای تاریخی برای مردم و همه کسانی به وجود آورده که در پی جبران و پشت سر نهادن آن «هیچ» تاریخی و شوم هستند. یادآوری قطب‌زاده در این نوشته، به این دلیل بود که به نسل‌های جدید یادآوری شود که جمهوری اسلامی همواره از همان آغاز نه تنها از سوی جامعه بلکه از درون خویش نیز با کابوس «براندازی» روبرو بوده و امروز نیز جز آن نیست منتها در شرایطی به مراتب آماده‌تر هم از نظر آگاهی جامعه و هم شرایط جهانی و هم ناتوانی زمامدارانی که به التماس از مخالفان نظام برای رأی دادن افتاده‌اند!

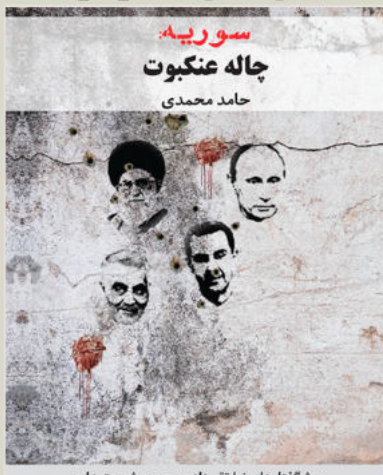
کرونا در ایران خطای انسانی و غیر عمدی!؟



ویروس کرونا تا کنون جان دست‌کم ۴۹۰ تن را در چین گرفته و در خارج از مرزهای این کشور نزدیک به ۲۰۰۰۰ تن به این ویروس مبتلا شده‌اند. رقم مبتلایان در خود چین تا ۲۵ هزار تن می‌رسد. پس از آنکه سازمان جهانی بهداشت شامگاه ۱۰ بهمن ۹۸ برای «جلوگیری از شیوع ویروس در سایر کشورهای جهان» وضعیت اضطراری اعلام کرد بیشتر کشورهای جهان در حالت آماده‌باش قرار گرفتند اما در ایران نه تنها پروازهای مستقیم به چین لغو نشد بلکه بر اساس گزارش‌های رسانه‌های داخلی، روزانه ۱۰۰۰ مسافر مستعد کرونا به ایران می‌آیند و به حال خود رها می‌شوند.

در صفحه ۲

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خلیان) برای نخستین بار ایجاد کرده «صور نظامی و ناگفته‌های دخالته رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
 Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
 Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
 Ibx Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
 Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
 UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
 Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

درگذشت

با کمال اندوه و تأسف درگذشت برادر عزیزم
دریادار ناصر جهانبانی



را بعلت بیماری سرطان در شهر واشنگتن به اطلاع می‌رسانم. به همسرشان سرکار مینو جهانبانی و فرزندانشان رضا و رویا جهانبانی تسلیت می‌گویم. روانش شاد.

منیره پهلوی

● کیهان درگذشت دریادار ناصر جهانبانی را به همه بازماندگان به ویژه همسر و فرزندان آن روانشاد تسلیت می‌گوید.

کیهان منتشر کرد:

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده

کتاب سقوط بهشت را از تاریخ ۲۳ فوریه تنها از کیهان لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۳۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست



نمایش تکراری و مبتذل انتخابات از دست‌های آلوده تا پول‌های کثیف

- ده‌ها کانال تلگرامی با خیز انتخاباتی، توسط لشکر سایبری جمهوری اسلامی آغاز به فعالیت کرده‌اند تا دست‌های مردم شهر و روستا را نیز به پول‌های کثیف گروه‌های مافیایی نظام آلوده کنند**
- «انتخابات» در جمهوری اسلامی هرگز چیزی جز منبع تقسیم‌رانت و فساد برای غارت‌وسرکوب جامعه نبوده‌است**

در مجلس اسلامی بسیار خشمگین هستند با اینهمه باز هم با خفت تمام برای جلب توجه افکار عمومی تلاش می‌کنند. شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در چند شهر اعلام کرده که به دلیل رد صلاحیت گسترده نمی‌تواند لیست انتخاباتی ارائه کند

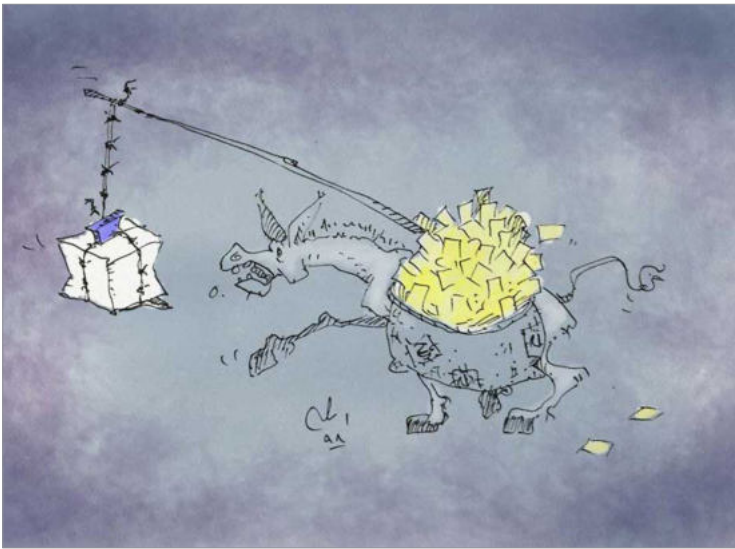
حزب اصلاح‌طلب «اتحاد ملت ایران اسلامی» با دبیرکلی علی شکوری راد و با رهبری محمد خاتمی دست به دامان روحانی شده که در مقابل نظارت استصوابی موضع بگیرد.

حسن روحانی پیشتر نیز مانند رهبرش پشت نام «ایران» پنهان شده و دوباره از «فراندوم» سخن گفته است. هرچند برخی معتقدند او این دفعه به درخواست اصلاح‌طلبان از «فراندوم» حرف زده اما باز هم روشن نکرده «فراندوم» برای چه و با چه هدفی!

حسن روحانی پیشتر نیز چند بار در میان سخنرانی‌های خود واژه «فراندوم» را به شکلی مبهم و گذرا به زبان آورده بود بدون آنکه مشخص باشد دقیقا از چه سخن می‌گوید. به نظر می‌رسد او با توجه به اختلاف سلیقه‌هایی که گاه با علی خامنه‌ای به ویژه در مورد روابط با ایالات متحده و گستردگی امتیازهای داده شده از سوی ایران پیدا می‌کند، از واژه «فراندوم» به عنوان تهدید استفاده می‌کند تا به او شوک وارد کند!

با این حال، هرچند مجموعه‌ی اصلاح‌طلبان خود را ناراضی و منتقد روند برگزاری انتخابات نشان می‌دهند اما حاضر نیستند از نظام فاصله گرفته و بطور گسترده دست به تحریم انتخابات مجلس شورای اسلامی بزنند.

آنها همه این انتقادات را نه برای نفی روند انتخابات در جمهوری اسلامی بلکه برای ایجاد موجی با هدف ریخته شدن رای بیشتر در صندوق نامزدهای خود و یا مورد حمایت‌شان مطرح می‌کنند چرا که خود آنها همواره بر اساس همین «روند» تأیید شده‌اند و از تأیید نشدن نامزدهای خود در همین «روند» دلخور هستند! آنها با یکی زدن به میخ «شورای نگهبان» و یکی به نعل «انتخابات» تلاش می‌کنند «شورانتخاباتی» و «مشارکت فعال» دست و پا کنند!



در همین رابطه سهیلا جلودارزاده فعال اصلاح‌طلب و نماینده کنونی مجلس شورای اسلامی از مردم خواسته به نامزدهایی که «دردمند» هستند رای بدهند! او اگرچه گویا اصل را بر شرکت مردم در انتخابات گذاشته اما معلوم نیست از یکسو افراد «دردمند» در مافیای جناحین نظام چه می‌کنند، و از سوی دیگر «دردمند» بودن نامزدها، به فرض ورود به مجلس استصوابی، چه مشکلی از مردم را حل می‌کند!

تطمیع قشرهای نیازمند

نظام یکپارچه ایستاده است تا مردم را به هر شکل و ترفندی پای صندوق رای بیاورد. هر چند در صورت عدم شرکت مردم نیز امکانات رژیم در حدی هست که با استفاده از وابستگان خود نمایش‌هایی از «صوف طولاتی» و «مشارکت حداکثری» اجرا کند. با اینهمه شواهد عینی از «عدم شرکت»، هراس بزرگی در دل مقامات ایجاد کرده است.

کانال تلگرامی منتسب به صداوسیما با بیش از ۶۷۳هزار عضو در روزهای گذشته یک نظرسنجی برگزار کرد با این پرسش که در

ویروس کرونا تا کنون جان دست‌کم ۴۹۰ تن را در چین گرفته و در خارج از مرزهای این کشور نزدیک به ۲۰۰۰۰ تن به این ویروس مبتلا شده‌اند. رقم مبتلایان در خود چین تا ۲۵هزار تن می‌رسد.

پس از آنکه سازمان جهانی بهداشت شامگاه ۱۰ بهمن ۹۸ برای «جلوگیری از شیوع ویروس در سایر کشورهای جهان» وضعیت اضطراری اعلام کرد بیشتر کشورهای جهان در حالت آمادهباش قرار گرفتند اما در ایران نه تنها پروازهای مستقیم به چین لغو نشد بلکه بر اساس گزارش‌های رسانه‌های داخلی، روزانه ۱۰۰۰ مسافر مستعد کرونا به ایران می‌آیند و به حال خود رها می‌شوند.

معنای وضعیت اضطراری!

روزنامه شرق ۱۴ بهمن با انتشار گزارشی با عنوان «ورود روزانه ۱۰۰۰ مسافر مستعد کرونا به ایران» نوشت: «بررسی‌های شرق نشان می‌دهد که مسافران ورودی از چین فقط از یک دوربین حرارتی گذر می‌کنند و در صورتی که دمای بدن آنها عادی باشد به حال خود رها می‌شوند.»

در ادامه این گزارش آمده است: «این موضوع زمانی نگران‌کننده است که بدانیم دوره نهفتگی ویروس کرونا بین ۳ تا ۱۴ روز است و ممکن است تعدادی از حدود هزار مسافر ورودی روزانه در لحظه ورود به ایران به این ویروس مبتلا ولی در مرحله نهفتگی باشند اگرچه وزارت بهداشت این احتمال را رد نمی‌کند اما از اجرا کردن پروتکل‌های جهانی می‌گوید.»

روزنامه شرق همچنین با یک دانشجو از سه هزار دانشجوی ایرانی ساکن چین گفتگو کرده که به تازگی از شهر نانجینگ، محل اقامت خود، مستقیم از فرودگاه شانگهای به تهران وارد شده است.

به گفته این دانشجو «در فرودگاه امام خمینی فقط دوربین حرارتی گذاشته بودند، دو خانم در ورودی بودند که فقط ماسک گذاشته بودند و کامل خود را نپوشانده بودند، این ویروس بیشتر از راه تماس انسان با سطح آلوده منتقل می‌شود در نتیجه پوشیدن چشم مهم است ولی این دو خانم چشم‌هایشان را نپوشانده بودند.» سیاشو به دوره نهفتگی این بیماری اشاره می‌کند که با این روش قابل تشخیص نیستند: «می‌گویند کسانی که سیستم ایمنی بدنی قوی داشته باشند ممکن است نهایتا دو هفته دوره نهفتگی داشته باشند، ما از فرودگاه شانگهای آمدیم که یکی از خطرناک‌ترین فرودگاه‌های کنونی دنیاست ولی بعد از گذر از دوربین حرارتی به حال خود رها شدیم.»

پیش از این نیز ویدئوی گزارشی از صداوسیمای جمهوری اسلامی با عنوان استقرار تیم پزشکی در فرودگاه «خمینی» برای غربالگری ویروس کرونا در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شد. در این ویدئو دو زن در حال اندازه‌گیری دمای بدن مسافران هستند در حالی که هیچکدام از آنها لباس مخصوص محافظت بر تن ندارند. معاون وزیر بهداشت در واکنش به انتقادها این فیلم را جعلی دانست و گفت در این فرودگاه «اصلا پرسنل چادری نداریم و کارمندان ما یونیفورم به تن دارند.»

بنابر گزارش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در خوشبینانه‌ترین حالت، اگر شماری از سه هزار دانشجوی ایرانی ساکن چین، طی روزهای آینده به ایران بیایند مانند مسافران دیگر پروازهای بین‌المللی در فرودگاه تنها دمای بدن آنها کنترل می‌شود و چنانچه درجه دمای آنها طبیعی باشد بدون اینکه تحت مراقبت‌های لازم قرار بگیرند به شهر و محل زندگی خود می‌روند در حالی که ممکن است ویروس در آنها نهفته باشد و بعد از دو یا سه هفته علائم آن ظاهر شود.

پروازها ادامه یافته است

درست یک هفته پس از هشدار سازمان بهداشت جهانی و اعلام وضعیت اضطراری در رابطه با ویروس کرونا، بامداد روز چهارشنبه ۱۶ بهمن هواپیمای حامل ۵۷ دانشجوی ایرانی همراه با شماری از شهروندان عراقی، سوری و لبنانی ساکن شهر ووهان چین که کانون شیوع ویروس کروناست، در تهران نشست. قرار شد آنها به مدت دو هفته در یک هتل قرنطینه شوند آنهم در حالی که در مورد محل قرنطینه‌ی آنها اطلاعات دقیقی در دست نیست و برخلاف ادعای مقامات مسئول، گویا در

یک تالار عروسی نگهداری شده یا هنوز (تا زمان تهیه این گزارش) می‌شوند!

پوپا جگروند فعال مدنی در توییتهی نوشته است، قرنطینه این دانشجویان نه در یک «هتل» بلکه در یک تالار عروسی در شهریار، غرب استان تهران درحال انجام است. وی افزود: «فاجعه برای کشوری که به تنهایی ۹ درصد منابع دنیا را دارد این هست که ۷۰ دانشجویی که از چین آوردند را در یک تالار عروسی در شهریار قرنطینه کردند. شهریار یکی از متراکم‌ترین جمعیت‌های شهری را دارا می‌باشد و کمترین امکانات بیمارستانی را در کل کشور دارد.»

بی توجهی به غربالگری موارد مشکوک در فرودگاه‌های ایران از یکسو و تعلیق و لغو نشدن پروازها از چین و تناقض گویی مسئولان، بر نگرانی شهروندان در مورد انتقال این ویروس به ایران افزوده است.

در حالی که به دلیل شیوع ویروس کرونا در مناطق مختلف چین، بیشتر کشورهای جهان پروازهای خود را به این کشور از دوم فوریه ۲۰۲۰ تا اطلاع ثانوی متوقف کرده‌اند، شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» در روزهای گذشته همچنان به نقل و انتقال مسافر بین ایران و چین و حتی از ترکیه به ایران و سپس به چین مشغول بوده است!

در روزهای اخیر، ویدئوهایی از فرودگاه استانبول در

کرونا در ایران خطای انسانی و غیر عمدی؟!

شبکه‌های مجازی منتشر شده که نشان می‌دهد شرکت هواپیمایی ماهان، یک تنه جور شرکت‌هایی را که حاضر به انتقال مسافران چینی نشده اند می‌کشد.

حدس و گمان‌ها در مورد برقرار بودن پرواز بین ایران و چین با مشارکت شرکت هواپیمایی ماهان ایر زمانی به یقین تبدیل شد که چانگ هوا سفیر چین در ایران روز ۱۳ بهمن آن را تأیید کرد و در توییتهی به زبان فارسی از همکاری شرکت هواپیمایی ماهان با دولت چین قدردانی کرد!

با اینهمه حسین عبداللهی مدیر روابط عمومی شرکت ماهان در ادعایی عجیب گفت که «هیچ کشوری اعلام نکرده که پروازهایش را ممنوع کرده و ایرلاین‌ها هستند که محدود می‌کنند ما هم براساس تصمیم سازمان هواپیمایی قرار است که یکسری پرواز داشته باشیم که مسافرهای مانده بروند و بیایند و دیگر فروش جدیدی نیست.» البته وی در مورد زمان توقف پرواز مستقیم به چین توضیح بیشتری نداد و مشخص نیست تا چه زمانی این پروازها بین دو کشور برقرار است.

همه چیز آرام است؟!

نکته قابل توجه اینجاست که با وجود اعلام وضعیت اضطراری از سوی سازمان بهداشت جهانی با تمرکز بر روی کشورهایی که سیستم بهداشت و درمان ضعیف دارند، که جمهوری اسلامی نمی‌تواند مدعی خلاف آن باشد، مسئولان با وجود اینهمه نقل و انتقال مسافر در رابطه با چین و سطح بسیار نازل کنترل و مراقبت، هیچ مورد ابتلا به این ویروس را در ایران گزارش نکردند تا اینکه پس از رد و تکذیب خبرهایی که بین شهروندان رد و بدل می‌شود، سرانجام در ۱۷ بهمن محمدرضا صائینی معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی استان زنجان از بستری شدن یک مورد مشکوک ابتلا به ویروس کرونا در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان «موسوی» زنجان خبر داد. آنهم در حالی که با توجه به شواهد موجود، از جمله بازگشت بیماری‌های ریشه‌کن شده تا شیوع ایدز، ایران آشکارا جزو کشورهای ضعیف از نظر سیستم بهداشت و درمان است که سازمان بهداشت جهانی درباره آنها هشدار داده است.

پنهانکاری و دروغ‌گویی مسئولان هنگام بروز بحران‌های مختلف باعث شده که افکار عمومی در ایران اینبار هم بی‌اعتنا به ضد و نقیض‌های آنها، به اخباری درباره ویروس کرونا اعتماد کنند که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود.

ماسک، کمیاب و گران

باوجود اینکه مسئولان جمهوری اسلامی از کنترل این بیماری در ایران خبر می‌دهند ولی هر روز نگرانی از ابتلا به ویروس کرونا میان مردم بیشتر می‌شود. در این میان، خبرهایی از کمیابی و گران شدن ماسک در مراکز فروش و وسایط‌های فروش این محصول در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده است.

روزنامه جام جم در مورد افزایش قیمت ماسک می‌نویسد: «ماسک‌های فیلتردار، حالا در سایت‌های فروش وسایل بهداشتی، به چند برابر قیمت فروخته می‌شود. اگر سه‌چهار روز پیش، سه ماسک MSK حدود ۱۵هزار تومان به فروش می‌رسید، حالا همین ماسک



حدود ۳۶ هزار تومان فروخته می‌شود. یک ماسک N۹۵ که ۱۰هزار تومان در داروخانه‌ها قیمت دارد، در فروشگاه‌های اینترنتی، حدود ۳۵ هزار تومان است.» دراین میان، درصد تقلب ماسک‌ها هم بالا رفته است. به نوشته این روزنامه «تقلب در ماسک‌های فیلتردار آنقدر زیاد شده که سازمان غذا و دارو هم به آن واکنش نشان داده است.»

کرونا در شرایطی به نگرانی مردم ایران دامن می‌زند که آنها در بدترین شرایط، پیگیر کشتار آبان ۹۸ و ساقط کردن هواپیمای مسافربری اوکراینی با ۱۷۶ سرنشین توسط موشک‌پرانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. دروغ‌گویی مقامات نظام درباره رویدادهای بحرانی چیزی نیست که برای جامعه ایران تازگی داشته باشد. اما ناکارآمدی و بی‌لیاقتی رژیم‌ی که درباره مرگ و زندگی مردم، از اعتراضات و پرواز و ویروس گرفته تا تحمیل مشکلات اقتصادی تصمیم می‌گیرد، در کنار مراسم فرمایشی سالگرد انقلاب اسلامی و تبلیغات انتخابات مجلس شورای اسلامی چنان تصویری از بی‌اعتمادی مردم به حکومت را به نمایش می‌گذارد که نه غیرعمدی بودن شلیک به هواپیما را باور می‌کنند و نه باور دارند که اقدامی برای جلوگیری از ابتلای آنها به ویروس کرونا صورت گیرد.

فیروزه رمضان‌زاده

گزارش سالانه دونالد ترامپ در کنگره آمریکا:

قاسم سلیمانی بی رحم ترین قصاب رژیم ایران بود؛ مردم سرافراز ایران صدای خود را در برابر حاکمان سرکوبگر بلند کرده اند

«در ماه های گذشته ما شاهد ایرانیان سرافرازی بودیم که صدای خود را در برابر حاکمان سرکوبگر بلند کرده اند. رژیم ایران باید دنبال کردن سلاح اتمی را رها کند، گسترش ترور، مرگ و نابودی را متوقف کند و برای زندگی بهتر مردم خودش شروع به کار کند.» وی افزود: «به خاطر تحریم های قدرتمند ما، اقتصاد ایران در شرایط بسیار بدی است. ما می توانیم کمک کنیم تا در زمانی خیلی کوتاه این وضعیت بهتر شود. این کار به سرعت میسر خواهد بود، اگر ایرانی ها بخواهند. ببینیم کدام راه را انتخاب می کنند، انتخاب کاملاً به عهده آنهاست.»



دونالد ترامپ در کنگره: از وقتی رئیس جمهور شدم قوانین دست و پاگیر را کنار گذاشتم و اقتصاد را آزاد کردم. روش ما حفظ اقتصاد آمریکایی و نیروی کار آمریکاست و بیش از هفت میلیون فرصت کاری فراهم شده که رقمی بی سابقه است

او درباره رهبران رژیم گفت: «آنها شاید یا غرور بیش از حد دارند یا مرتکب حماقت می شوند ولی تصمیم با آنهاست... ما همینطور که در حال دفاع از زندگی آمریکایی ها هستیم، مشغول پایان دادن به جنگ های آمریکا در خاورمیانه نیز هستیم.» هنگامی که ناسی پلوسی برای گرفتن متن سخنرانی دست خود را به سمت ترامپ برد رئیس جمهوری ایالات متحده بدون اعتنا از دست دادن با او امتناع کرد و از وی رو گرداند.

ناسی پلوسی هم در تلاقی به دست ندادن ترامپ، در پایان متن سخنرانی وی را در نمایشی عصبی که بازتاب جهانی یافت پاره کرد و در پاسخ به این پرسش که چرا چنین کرده است، گفت: «چون با در نظر گرفتن دیگر گزینه ها، این مودبانه ترین کار بود!»

تد کروزر سناتور جمهوریخواه آمریکا در واکنش به برخورد پلوسی گفت: «کار پلوسی نشان داد که دموکرات ها خواهان تحقیر و توهین به آمریکا هستند.»

ترامپ با این مقدمه به دفاع از سیاست ها و اقدامات آمریکا در خاورمیانه پرداخت و گفت: «سلیمانی بی رحم ترین قصاب رژیم ایران بود. هیولایی که هزاران نظامی آمریکایی را در عراق کشت و معلول کرد. به عنوان بزرگترین تروریست در جهان، سلیمانی مرگ مردان، زنان و کودکان بی شماری را سازماندهی کرد. او حمله ماه دسامبر علیه نیروهای آمریکایی را در عراق هدایت کرده بود و همچنان مشغول برنامه ریزی بود.»

ترامپ در ادامه عنوان کرد: «ارتش آمریکا یک حمله دقیق و بی نقص را اجرا کرد که سلیمانی را کشت و برای همیشه به سلطه شیطان ترور او پایان داد. پیام ما این است که هیچکس، هرگز نمی تواند از عدالت آمریکا فرار کند. اگر به شهروندان ما حمله کنید، جانتان را خواهید باخت.»

اشاره به اعتراضات مردم ایران
رئیس جمهوری آمریکا در بخش دیگری از سخنانش به اعتراضات مردم در ایران اشاره کرد و گفت:

چهارشنبه ۱۶ بهمن به وقت تهران)، انجام شد ترامپ به پسری که پدرش را در جریان بمب های کنار جاده ای در عراق از دست داد، اشاره کرد و گفت: «کریستوفر هیک در دومین ماموریت خود به عراق در سال ۲۰۰۸ نامه ای به فرزند یک ساله خود- گیج- نوشت و گفت: من بار دیگر در کنار تو خواهم بود، یادت می دهم چطور دوچرخه سواری کنی و چطور خانه شنی سازی و در رقابت های ورزشی شرکت کنی و زمانی خودت هم صاحب فرزندان خودت شوی. دوست دارم و از مادرت مراقبت کن.»

او افزود: «در روز عید پاک سال ۲۰۰۸، کریس در بیرون از بغداد در حال ماموریت بود که زره پوش آنها با بمب های کنار جاده ای هدف قرار گرفت و او کشته شد. پرسش الان ۱۳ ساله است و در کنار ماست. تروریستی که مسئول کشته شدن کریس هیک است، نامش قاسم سلیمانی است که بمب های کنار جاده ای مرگبار را تامین می کرد.»

● «سلیمانی بی رحم ترین قصاب رژیم ایران بود. هیولایی که هزاران نظامی آمریکایی را در عراق کشت و معلول کرد.»

● «در ماه های گذشته ما شاهد ایرانیان سرافرازی بودیم که صدای خود را در برابر حاکمان سرکوبگر بلند کرده اند.»

● «رژیم ایران باید دنبال کردن سلاح اتمی را رها کند، گسترش ترور، مرگ و نابودی را متوقف کند و برای زندگی بهتر مردم خودش شروع به کار کند.»

● «به خاطر تحریم های قدرتمند ما، اقتصاد ایران در شرایط بسیار بدی است. ما می توانیم کمک کنیم تا در زمانی خیلی کوتاه این وضعیت بهتر شود. اگر ایرانی ها بخواهند. رهبران ایران شاید یا غرور بیش از حد دارند یا مرتکب حماقت می شوند ولی تصمیم با آنهاست.»

رئیس جمهوری آمریکا، بامداد چهارشنبه ۱۶ بهمن (به وقت ایران)، سومین گزارش سالانه عملکرد دولت خود را در کنگره ارائه داد، نطقی که بیشتر دفاع از عملکرد اقتصادی دولت، افزایش درآمدهای عمومی و اشتغالزایی بود.

در این سخنرانی که، سه شنبه شب ۱۵ بهمن به وقت واشنگتن (بامداد

در خواست وزارت خارجه آمریکا از مردم ایران برای شناسایی عوامل سرکوب



حضور چند لایه نیروهای امنیتی در شهرها تداعی کننده «حکومت نظامی» است. عکس: آریاشهر تهران پنجم دی ماه ۱۳۹۸

دست به یک افشاگری، خواسته یا ناخواسته، زده و خیر داد که نیروهای سپاه قدس که سابقه جنگ در سوریه را دارند برای سرکوب اعتراضات آبان ماه به کار گرفته شدند.

در این گزارش با اشاره به پیشینه حضور شبه نظامیان در سوریه آمده «در شرایطی که فسادها و سوء مدیریت ها، باعث به قهقرا رفتن اقتصاد کشور شده، و این امر به اعتراض های گسترده انجامیده، می بینیم که دولتی ها باز هم مدافعان حرم را به صف اول مبارزه با مردم کشور خود می فرستند و خود هیچ مسئولیتی نمی پذیرند. همانطور که در آبان ماه شاهد بودیم، اعتراض های معیشتی به خشونت کشیده شد و بسیاری از بچه های مدافع حرم مجبور به ورود کردن به جریان شدند. در این میان متأسفانه برخی از این عزیزان مانند مرتضی ابراهیمی به شهادت رسیدند. در این جریان شاهد بودیم که باز هم مدافعان قربانی شدند و دولتی ها هیچ مسئولیتی نپذیرفتند.»

در بخشی از این گزارش آمده، نباید اجازه داد که مسئولین با فرافکنی، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و سربازان خط مقدم اسلام را قربانی نمایند. این موضوع را در جریان نآرایی های آبان ماه و شهادت عزیزانی همچون مرتضی ابراهیمی شاهد بودیم و نباید بگذاریم که این روش، در جریان تحقیق و تفحص سقوط هواپیمای اوکراینی تکرار شود. مدافعان حرم و سربازان مخلص سپاه بدون هیچ چشم داشتی وارد خط مقدم جهاد و مبارزه حق علیه باطل شده اند ولی نباید از این اخلاص و نجابت سوء استفاده شود و سوء مدیریت ها و بی تدبیری ها ادامه یابد.»

بسیاری از نیروهای اعزامی به سوریه سابقه سرکوب اعتراضات سال ۸۸ را داشتند اما این گزارش نشان می دهد در بدنه نیروهای نظامی و حتی در میان آندسته نیروهایی که برای سرکوب اعتراضات مدنی مردم اعزام می شوند کسانی هستند که به نظام، از زاویه عقاید و منافع خود، انتقاد دارند و حق خود را پایمال شده می بینند و نمی خواهند قربانی سیاست های جمهوری اسلامی شوند. بنابراین این احتمال که بخشی از اطلاعات مربوط به فرماندهان بلند پایه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج که در قتل عام مردم نقش دارند توسط خودی ها، اعم از اصولگرا و اصلاح طلب، به بیرون درز کند بسیار زیاد است. در اواسط شهریور ۹۸ وزارت خارجه آمریکا برای کسانی که اطلاعاتشان به متوقف کردن عملیات مالی سپاه پاسداران و نیروی قدس کمک کند پاداش ۱۵ میلیون دلاری تعیین کرد. گرچه جزئیات عملیات شکار فرماندهان بلند پایه سپاه قدس در عراق و سوریه و یمن در ماه های اخیر مشخص نیست و شاید هیچ زمانی عمومی نشود اما این سناریو که افرادی درون نظام اطلاعات آنها را به نهادهای امنیتی و نظامی آمریکا و اسرائیل درز داده باشند دور از ذهن نیست. چنانکه پس از کشته شدن قاسم سلیمانی در حوالی فرودگاه بغداد گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و فرماندهان سپاه پاسداران «نفوذ» و «خینت» را مطرح کردند.

● وزارت خارجه آمریکا در اطلاعیه ای از مردم پرسیده علاوه بر حسن شاهوارپور عامل سرکوب مردم ماهشهر ۵ مقام استانی یا محلی رژیم را که در سکوبها نقش داشتند بیشترین مسئولیت در خشونت علیه ایرانیان را دارند شناسایی کنند.

● یک وبسایت وابسته به نیروهای «مدافع حرم» در گزارشی انتقادی نوشته در شرایطی که فسادها و سوء مدیریت ها، باعث به قهقرا رفتن اقتصاد کشور شده و به اعتراضات منجر شد دولتی ها باز هم «مدافعان حرم» را به صف اول مبارزه با مردم کشور خود می فرستند و خود هیچ مسئولیتی نمی پذیرند.

وزارت خارجه آمریکا، سه شنبه ۱۵ بهمن، در اطلاعیه ای از مردم ایران خواسته عوامل سرکوب از سوی رژیم ایران را شناسایی و معرفی کنند. در این اطلاعیه آمده: «به لطف منابع مختلف از جمله اطلاعاتی که فرستادید، دولت آمریکا، مسئولان رژیم را به دلیل سوء رفتار آنها با ایرانیان بیش از پیش پاسخگو می داند، و بنابراین ما توانستیم فرمانده سپاه، حسن شاهوارپور را که مسئول قتل عام در ماهشهر و نقش داشتن در نقض فاحش حقوق بشر است، شناسایی و تحریم کنیم. علاوه بر شاهوارپور، کدام ۵ مقام استانی یا محلی رژیم و چگونه بیشترین مسئولیت خشونت علیه ایرانیان را دارند؟»

وزارت خارجه آمریکا از ایرانیان خواسته پیام شان را از طریق تلگرام با شروع واژه ی کلیدی «بنفشه» به آدرس @RFJ_Farsi_Bot ارسال کنند. ۱۷ ژانویه (۲۷ دی ماه)، سردار حسن شاهوارپور فرمانده سپاه خوزستان به دلیل نقض حقوق بشر و کشتار مردم ماهشهر در جریان اعتراضات آبان ماه تحریم شد.

خبرگزاری رویترز بر اساس منابع داخل حکومت اعلام کرد که در جریان تظاهرات آبان ماه در ایران که پس از افزایش قیمت بنزین آغاز شد ۱۵۰۰ نفر کشته شدند. سازمان عفو بین الملل آمار کشته شدگان را بیش از ۳۰۴ تن اعلام کرد. با این حال قتل عام مردم در ماهشهر با مسلسل در میان نیزارها که ده ها تن طی آن کشته شدند بسیار فجیع بود و بازتاب جهانی یافت.

لیلا واثقی فرماندار شهر «قدس» (قلعه حسن خان)، یکشنبه ۱۰ آذرماه، در مصاحبه با روزنامه «ایران» اعتراف کرد که در جریان اعتراضات پس از افزایش قیمت بنزین خود وی دستور شلیک به معترضان را صادر کرده است.

پیش از این پایگاه خبری «صدای مدافعان» که اخبار نیروهای سپاه قدس تحت عنوان «مدافع حرم» را پوشش می دهد در خونخواهی آنها

تیر دموکرات ها در تبلیغات سیاسی برای استیضاح ترامپ به سنگ خورد

شکست دموکرات ها در استیضاح ترامپ و همینطور پاره کردن متن نطق ترامپ توسط ناسی پلوسی در کنگره به فاکس نیوز گفت: «مشکل واقعی دموکرات ها و ناسی [پلوسی] اینه که چنان از کینه و نفرت دونالد ترامپ کور شده اند که حتی نمی توانند عملکردی داشته باشند. آنها به معنای واقعی کلمه نمی توانند کاری انجام دهند.»

سناتور میچ مک کانل رهبر اکثریت جمهوریخواه سنا پس از پایان رای گیری استضاح و اعلام تیره ترامپ گفت که دموکرات ها خطای بزرگی مرتکب شدند و او پیش از این به ناسی پلوسی گفته بود تا وقتی حمایت اکثریت هر دو حزب را ندارد، موارد اتهامی استیضاح را به سنا نفرستد.

مک کانل همچنین گفت «روندی که دموکرات های مجلس نمایندگان شروع کرده بودند، استفاده سیاسی از روند استیضاح بود و دموکرات ها بجای تکمیل پرونده اتهامی، برعکس، به سنا آمدند تا سنا به آنها مدارک و شواهد بدهد!»



دونالد ترامپ

تیره در سنا یک ویدئوی کوتاه بود با این پیام که «ترامپ ماندگار است.» وی اعلام کرد که در مورد تیره کامل خود از موارد استیضاح، پنجشنبه ۱۷ بهمن در ساعت ۱۲ ظهر به وقت واشنگتن، پیام می دهد. دونالد ترامپ جونیور (فرزند ارشد ترامپ از همسر نخست وی) در مورد

سرخنگوی کاخ سفید در این بیانیه که شامگاه چهارشنبه ۱۶ بهمن منتشر شد افزود: «همانگونه که ما از اول گفته بودیم، او گناهکار نیست. سنا به رد موارد بی پایه استیضاح رای داد و فقط مخالفان سیاسی پرزیدنت- تمامی دموکرات ها و یک جمهوریخواه ناکام در رقابت های ریاست جمهوری- به این موارد استیضاح ساختگی رای دادند.»

در ادامه بیانیه ی گریشام آمده است: «اینهم یک اقدام ساختگی دیگر برای محروم کردن پرزیدنت ترامپ از حقوق قانونی خود فقط بر اساس یکسری دروغ در راستای همان چیزی بود که اکنون به سنت مستمر دموکرات ها تبدیل شده است.»

سرخنگوی کاخ سفید افزود: «در جریان این روند فاسد، پرزیدنت ترامپ با موفقیت منافع ایالات متحده را پیش برد و روی آنچه برای مردم آمریکا اهمیت دارد، متمرکز ماند. او زمانش را به کسب پیروزی های واقعی برای مردم این کشور اختصاص داد و دموکرات ها یک بار دیگر نشان دادند در نقشه های فریبکارانه خود هیچ چیزی برای ارائه ندارند.»

اولین واکنش تویتری ترامپ به

● **سرخنگوی کاخ سفید: همانگونه که ما از اول گفته بودیم ترامپ گناهکار نیست و استیضاح او یک اقدام ساختگی بر اساس یکسری دروغ بود.**

● **فرزند ارشد دونالد ترامپ: مشکل واقعی دموکرات ها و ناسی پلوسی اینست که چنان از کینه و نفرت دونالد ترامپ کور شده اند که حتی نمی توانند عملکردی داشته باشند.**

● **سناتور میچ مک کانل رهبر اکثریت جمهوریخواه سنا: روندی که دموکرات های مجلس نمایندگان شروع کرده بودند، استفاده سیاسی از روند استیضاح بود و دموکرات ها بجای تکمیل پرونده اتهامی، برعکس، به سنا آمده بودند تا سنا به آنها مدارک و شواهد بدهد!**

تلاش دموکرات های آمریکا برای استیضاح دونالد ترامپ ناکام ماند و سنا، چهارشنبه شب ۵ فوریه، با رای دو سوم سناتورها او را از دو اتهام «سوء استفاده از قدرت» و «جلوگیری از فعالیت کنگره» تیره کرد.

اتهام «سوء استفاده از قدرت» با ۵۲ رای در مقابل ۴۸ رای و اتهام «جلوگیری از فعالیت کنگره» با ۵۲ در مقابل ۴۷ رای سناتورها رد شد. به گزارش صدای آمریکا، استنفانی گریشام سرخنگوی کاخ سفید پس از اعلام نتایج نهایی بررسی موارد اتهامی استیضاح در بیانیه ای اعلام کرد: «امروز، تلاش برای استیضاح تقلبی با همونایی دموکرات ها، با تیره کامل پرزیدنت دونالد جی. ترامپ به پایان رسید.»

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

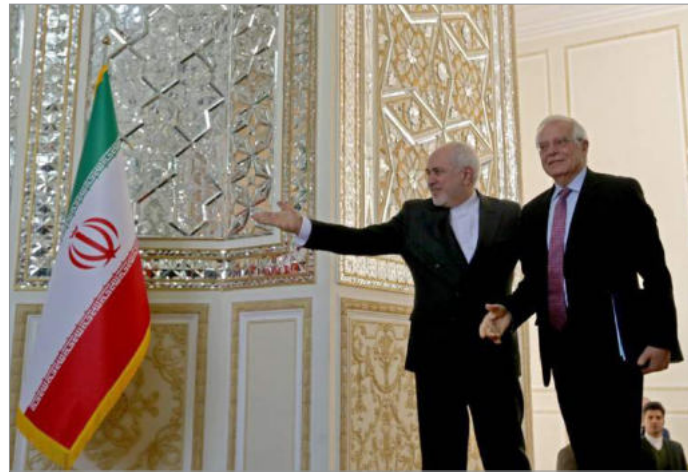
تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

شرط جوزپ بورل برای کمک به جمهوری اسلامی:

توقف موشک پرانی و حمایت از شبه نظامیان و به رسمیت شناختن اسرائیل!



جوزپ بورل در وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در کنار محمدجواد ظریف

روحانی در حالیکه «ماشه» روی شقیقه جمهوری اسلامی قرار گرفته معلوم نیست بر اساس کدام شواهد می گوید: «به نظر می رسد، مکانیسم ماشه عملیاتی نخواهد شد.»

روزنامه «آرمان ملی» در گزارشی می نویسد «سفر بورل به تهران در شرایطی انجام شد که ایران یکی از بحرانی ترین دوران خود را در سیاست خارجی و روابط بین المللی طی می کند و جمهوری اسلامی ابتدای دی ماه برای دومین بار پس از هفت ماه تنش مداوم با آمریکا در منطقه تا آستانه یک جنگ تمام عیار با ایالات متحده پیش رفت و به خاطر کاهش تعهدات برجامی با اروپا به مشکل خورد.»

به اسم کمک به جمهوری اسلامی برای رسیدن به برجام موشکی

علی بیگدلی استاد علوم سیاسی دانشگاه در تهران در یک مقاله نوشته است: «به نظر می رسد سفر بورل در راستای مذاکره با ایران برای تغییر جزئی در سیاست های منطقه ای باشد تا بتواند امتیازهایی در مقابل برای ایران اخذ کند. بورل به دنبال بهانه است تا راهی برای کمک به ایران پیدا کند... اتحادیه اروپا بیشتر بر سر همان سه مسئله اتوان موشکی، قدرت منطقه ای، به رسمیت شناختن اسرائیل مانور می دهد که در نشست امنیتی مونیخ نیز مورد بحث قرار گرفت و قرار بر این شد ظرفیت گفتگوهای در این رابطه با اروپا داشته باشد اما گویا در آن برهه زمانی به سرانجام نرسید. اروپا با این سه خواسته قصد دارد تا به نحوی آمریکا را نیز قانع کند تا به برجام بازگردد. به همین علت است که من معتقد هستم باید در سیاست های خود تغییری ایجاد کنیم تا فشارها بر کشور و مردم در این مقطع زمانی افزایش نیابد.»

این استاد علوم سیاسی در ادامه نوشته است: «در این برهه زمانی که

دانشگاه در تهران: اگر سیاست های ما همچون گذشته و بدون تغییر در قبال اروپا و منطقه باقی بماند عرصه بر ما تنگ تر خواهد شد.

جوزپ بورل پس از سفر به تهران گفته ما توافق کردیم که مستقیماً به یک محدوده زمانی سختگیرانه که ما را ملزم به رفتن به شورای امنیت کند نرویم.

در ایران حزب اللهی ها و گروه های نزدیک به جریان اصلی قدرت، در یک کژفهمی آشکار، مواضع اروپا و بورل را عقب نشینی و ناشی از تهدید به خروج از NPT و توقف همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی و آغاز پروژه موشکی «شهاب ۴» دانسته اند.

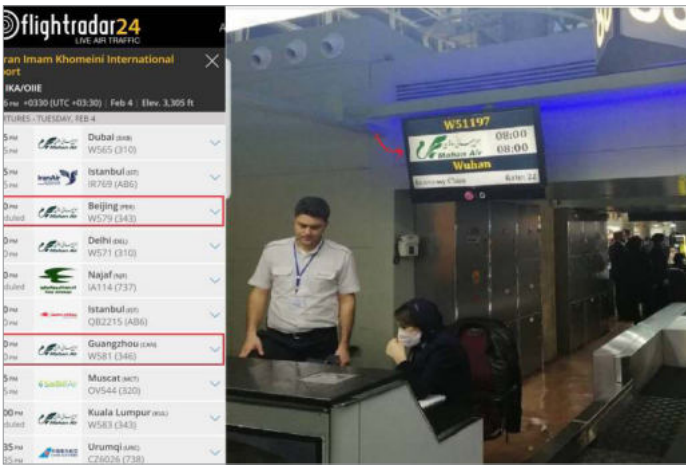
جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که، دوشنبه ۱۴ بهمن ماه، به تهران سفر کرده بود پس از دیدار با محمدجواد ظریف و حسن روحانی اعلام کرد، «اتحادیه اروپا بطور نامحدود مکانیسم ماشه را تمدید می کند تا از رایج به شورای امنیت و اعمال تحریم های جدید علیه ایران جلوگیری کند.» این مقام اروپایی که جانشین مقام فدریکا موگرینی در اتحادیه اروپا شده است، گفت، «ما توافق کردیم که مستقیماً به یک محدوده زمانی سختگیرانه که ما را ملزم به رفتن به شورای امنیت کند نرویم و تمایل بر این نیست که روندی را شروع کنیم که به پایان برجام منتهی شود بلکه اتمایل بر آن ماندن در برجام است.»

او همچنین در دیدار با حسن روحانی از مقامات ایرانی خواست به همکاری با نظام بازرسی کنونی فعالیت های هسته ای ادامه دهند.

در ایران حزب اللهی ها و گروه های نزدیک به جریان اصلی قدرت مواضع اروپا و جوزپ بورل را در یک کژفهمی آشکار، عقب نشینی و ناشی از تهدید به خروج از NPT و توقف همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی و آغاز پروژه موشکی «شهاب ۴» دانسته اند! مقام های دولتی و اصلاح طلبان نیز طبق معمول آن را «کشایشی در دیپلماسی» خوانده و از آن استقبال کرده اند. حتی محمود واعظی رئیس دفتر حسن

هوایمی ماهان در خدمت راهبردهای جمهوری اسلامی:

از گسترش تروریسم تا تجارت کرونا!



روز سه شنبه ۴ فوریه؛ کانتر ماهان: بررسی اطلاعات وبسایت فلیت رادار ۲۴ نشان می دهد ماهان دو پرواز به مقصد پکن و گوانجو دارد در حالی که دانشجویان ایرانی در شهر ووهان قرنطینه هستند

کنترل آنفلوآنزای H1N1 سال ۲۰۰۹ مسئولیت پذیر و موفق تر است. بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند، چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوا را مانند قرار!» وی در پایان با اشاره به یک ضرب المثل چینی، آورده است: «ایران در کنار چین ایستاده است.»

دولت همچنین ادعا کرده است که برای مقابله با شیوع بیماری کرونا در ایران پروازها به مقصد چین و برعکس را لغو می کند اما گزارش های مستند نشان می دهد که ماهان از فرودگاه استانبول چینی ها را به تهران منتقل کرده و از آنجا به چین باز می گرداند. آنهم در شرایطی که امکانات کافی در فرودگاهها برای مقابله با شیوع کرونا مستقر نشده است.

با توجه به ادامه شیوع ویروس کرونا در مناطق مختلف چین بیش از ۵۰ شرکت هوایمی مطرح دنیا پروازهای خود به این کشور را تا اطلاع ثانوی متوقف کرده اند اما مدیران هوایمی ماهان ایر تصمیم گرفته اند این پروازها را همچنان ادامه بدهند! این اقدام غیرمستولانه با واکنش های مختلف از جمله در شبکه های اجتماعی روبرو شده است. علی حسین قاضی زاده تحلیلگر سیاسی در توییتر نوشت «هوایمی ماهان که این روزها مشغول تجارت کرونا هست یکی از ستون های گسترش تروریسم در خاورمیانه هست. این شرکت سالها برای گروه های تروریستی در سوریه تجهیزات برده...»

در روزهای اخیر ویروس کرونا در نوسانات بازار نفت و طلا و بورس نیز تاثیر داشت. بسیاری از ورزشکاران چینی از حضور در مسابقات بین المللی انصراف دادند و بسیاری از مسابقات ورزشی در چین لغو شد. همایش ها و نشست های بین المللی که قرار بود در چین برگزار شود یکی پس از دیگری لغو شده و شیوع کرونا اثرات فلج کننده ای بر فعالیت های مختلف در این کشور داشته است. شمار قربانیان ویروس کرونا تا کنون به ۴۲۵ نفر رسیده و تعداد مبتلایان به این ویروس از مرز ۲۰ هزار نفر گذشته است.

پروازهای ماهان به چین قطع نشد!

یک مقام مسئول در وزارت راه: به ماهان اجازه داده شد در چند پرواز محدود و کنترل شده، نسبت به بازگرداندن شهروندان ایرانی از کشور چین اقدام کند و برخی اتباع چینی نیز قصد بازگشت به این کشور را داشتند که در این پروازها مسافران چینی نیز به چین منتقل می شوند!

دو وزیر راه و شهرسازی و بهداشت از انجام یک پرواز اختصاصی برای بازگرداندن ۷۰ دانشجوی ایرانی قرنطینه در ووهان خبر داده بودند.

دولت ادعا کرد برای مقابله با شیوع بیماری کرونا در ایران پروازها به مقصد چین و برعکس را لغو می کند اما پرواز تهران به پکن و گوانجو همچنان برقرار است.

شهرام آدم نژاد معاون حمل و نقل وزیر راه و شهرسازی، دوشنبه ۱۴ بهمن، با ادعای تعلیق پروازها به چین از رفع خطر و شرایط اضطراری ناشی از شیوع ویروس کرونا گفت، «یک فروند هوایمی روز سه شنبه عازم ووهان می شود تا دانشجویان ایرانی را به کشور بازگرداند.»

او توضیح داد، «در روزهای گذشته به شرکت هوایمی ماهان اجازه داده شد در چند پرواز محدود و کنترل شده، نسبت به بازگرداندن شهروندان ایرانی از کشور چین اقدام کند و با توجه به اینکه برخی اتباع چینی نیز قصد بازگشت به این کشور را داشتند، در این پروازها مسافران چینی را نیز به چین منتقل نمایند.» آدم نژاد افزود، «با توجه به اینکه تعدادی از اتباع و به خصوص دانشجویان ایرانی در شهر قرنطینه شده ووهان، مرکز شیوع این بیماری حضور دارند با هماهنگی وزارت خارجه و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و همراهی تیمی کامل از پزشکان، یک فروند هوایمی شرکت ماهان روز سه شنبه عازم چین می شود تا دانشجویان ایرانی را به کشور بازگرداند.»

شرکت ماهان نیز در اطلاعیه ای با اشاره به اینکه فروش بلیت رفت و برگشت ایران - چین تا پایان ماه فوریه متوقف شده اعلام کرد «در این مدت هر گونه پرواز رفت و برگشت به چین به منظور انتقال مسافران ایرانی از چین به ایران و مسافران چینی به چین در چارچوب مجوزهای سازمان هوایمی کشور ایران و چین بر اساس توافقات جاری انجام خواهد شد.»

پی نوشت: «برادرا» جمع تر بشینن بقیه «برادرا» هم سوار بشن!



در اینجا اهمیت پی نوشت بیش از متن است

همچنان اهمیت پی نوشت بیش از متن است! پی نوشت یا همان پ.ن. که معرف حضورتان هست، گزارش های کوتاه و ویدئویی کیهان لندن است که زوایای دیگری از متن و رویدادها را به نمایش می گذارد. این بار: «برادرا» جمع تر بشینن بقیه «برادرا» هم سوار بشن!

خروج هوایمی بوئینگ «پگاسوس» از باند فرودگاه «صبیحا» ترکیه



شدت ضربه به حدی بود که هوایمی سه تکه شد و قسمت سر کاملاً از بدنه جدا شد

را در فرودگاه صبیحا تعلیق کرد. تعداد زیادی تیم های آتش نشانی و امدادی به محل این حادثه اعزام شدند. آتش سوزی در این هوایمی مهار شد و مصدومان که حال چند نفرشان وخیم است به بیمارستان منتقل شدند.

۵۲ سرنشین هوایمی پگاسوس مجروح شده اند. حال خلبان خوب نیست و به شدت آسیب دیده است. ترکیش ایرلاین پروازهای خود را در فرودگاه صبیحا تعلیق کرد.

یک فروند هوایمی مسافربری متعلق به شرکت خطوط هوایی «پگاسوس» ترکیه، عصر چهارشنبه ۵ فوریه (۱۶ آبان)، پس از نشستن روی باند فرودگاه «صبیحا گوکچن» استانبول از باند خارج شد و در حاشیه فرودگاه به شدت آسیب دید.

این هوایمی از نوع بوئینگ ۷۳۷ بود و ۱۸۳ مسافر و خدمه داشت و از زمیر به استانبول پرواز می کرد. ۵۲ سرنشین هوایمی پگاسوس مجروح شده اند. حال خلبان خوب نیست و به شدت آسیب دیده است. ترکیش ایرلاین پروازهای خود

چند دهه سینمای جنگ تا فیلم «۱۹۱۷»



رابرت دووال در نقش فرمانده در فیلم «و اینک آخر زمان»

● آثار هنری که تجربه‌ی انسان‌هایی را که با جان و زندگی خود بهای آن را پرداخته‌اند، به دیگران منتقل می‌کنند، بسیار با ارزش است و بی‌تردید به دیدنشان می‌ارزد.

پیوند سماواتی - از پایان جنگ جهانی دوم تا اواسط دهه هفتاد میلادی اغلب فیلم‌های جنگی هالیوود رویکردی غیرواقعه‌گرا به جنگ داشتند. اغلب اینها، فیلم‌هایی هیجان‌انگیز و پُر ماجرا در تجلیل از قهرمانی‌های و شجاعت‌های نظامی متفقین بودند که برای سرگرم ساختن تماشاگر ساخته شده‌اند. در این فیلم‌ها، به سادگی و با سطحی‌نگری از کنار واقعیت‌های دهشتناک جنگ، یعنی خونریزی‌ها و کشتار در آن، به ویژه در مورد سربازان دشمن، می‌گذشتند. از زمره این فیلم‌های می‌توان از «فرار بزرگ»، «توپ‌های ناواران»، «قلعه عقاب‌ها» و «پلی در دوردست» نام برد که در وصف شجاعت‌ها سربازان متفقین تصویر می‌شوند که از مرگ هراسی به دل راه نمی‌دهند و همواره با اراده‌ی پولادین پیش می‌روند.

البته استثناهایی هم وجود داشته است. فیلم تأثیر گذار «راه‌های افتخار» اثر استانی کوبریک، محصول ۱۹۵۷ یکی از آنهاست که محتوای آن در تضاد با عنوان فیلم قرار دارد. داستان فیلم در جریان جنگ جهانی اول روی می‌دهد و درباره حمله انتحاری لشکر فرانسوی است که طبق دستور از بالا، و تحت فرماندهی ژنرال جاه‌طلب، باید قرار گاه مستحکم آلمانی‌ها را فتح کنند. فرمانده این عملیات، که نقش وی را کرک داگلاس بازی می‌کند، در میانه حمله با مشاهده‌ی شدت و گستردگی تلفات خودی فرمان عقب‌نشینی می‌دهد. در پایان فیلم سه سرباز ساده، تاوان این عقب‌نشینی و شکست را می‌دهند و به جرم ترسو بودن در جنگ، با وجود دفاع جانانه کرک داگلاس از آنها در دادگاه نظامی، محکوم به اعدام می‌شوند و به دست همسنگران خود کشته می‌شوند.

این فیلم تفاوت بین وضعیت سربازان در جبهه‌های جنگ و فرماندهان بلندپایه ارتشی را در مراکز فرماندهی عیان می‌کند. در محافل بلندپایگان ارتشی، جنگ مانند یک بازی است که در محاسبات و نقشه‌های آن، جان سربازان ساده سبزی ارزش ندارد. فیلم تأکیدی تامل‌برانگیز بر وضعیت روحی سربازان در سنگرها دارد. دوربین در مسیری طولانی در خندق، فرمانده عملیات را از روبرو و از پشت - یعنی از زاویه دید خود او - دنبال می‌کند و بیننده در برابر خود سربازان زخمی، افسرده و درهم شکسته جنگ را می‌بیند. ما شاهد ترس و وحشت در چهره‌ی سربازانی می‌شویم که در چند قدمی مرگ قرار گرفته‌اند زیرا باید به زودی از سنگرهای خود بیرون آمده و به سوی خط مقدم آلمانی‌ها پیشروی کنند. راهی که در آن بسیاری از آنان جان خود را از دست خواهند داد.

باید گفت که سینمای بعد از جنگ با اتحاد شوروی رویکردی متفاوت از سینمای هالیوود به جنگ داشته است. شماری از فیلم‌های جنگی شوروی، هرچند آینه‌ی واقع‌گرایانه‌ی خشونت‌ها و جهنم جنگ نیستند ولی فضایی به شدت اندوهگین و بدبینانه دارند. گویی مرثیه‌ای هستند برای سربازان بی‌شماری که جان خود را در جبهه‌های جنگ از دست داده‌اند. انسان‌های عادی که با هزار امید و آرزو می‌خواستند زندگی کنند ولی با شروع جنگ به اجبار راهی جبهه‌هایی شده‌اند که دیگران برای آنها گوشه‌اند تا هرگز به خانه و کاشانه‌ی خود باز نگردند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این نوع سینما، فیلم معروف «وقتی لک‌لک‌ها پرواز

مریم مهاجر جایزه «بفتا»ی خود را به مردم ایران تقدیم کرد



برندگان جوایز بفتا ۲۰۲۰

● «۱۹۱۷» با مجموع ۹ جایزه، بیشترین جوایز این مراسم را از آن خود کرد.

مریم مهاجر انیماتور ایرانی برنده جایزه «بفتا» برای ساخت انیمیشن «بابابزرگ عاشق پیشه بود»، این جایزه را به مردم ایران تقدیم کرد و گفت که مردم ایران استحقاق بهترین‌ها را دارند. شامگاه دیروز جوایز هفتاد و سومین دوره آکادمی هنرهای فیلم و تلویزیون بریتانیا «بفتا» با حضور پرنس ویلیام و کیت میدلتون همسرش در البرت‌هال لندن برگزار شد.

آنگونه که پیش‌بینی میشد، جایزه بهترین فیلم بریتانیایی به «۱۹۱۷» و بهترین کارگردانی به سم مندس برای کارگردانی این فیلم اهدا شد. پس از مراسم گلدن گلوب، این دومین بار است که کوئین تاراتینو و مارتین اسکورسیزی دست خالی می‌روند و جایزه بهترین کارگردانی به مندس اعطای می‌شود.

این همه فیلم در سینمای آمریکا که از اواسط دهه ۷۰ تا اواخر دهه هشتاد تولید شدند حکایت از آن دارد که جامعه آمریکا در آن برهه تاریخی نیاز داشت و در تلاش بود که تکلیف‌اش را با جنگ ویتنام و آسیب‌های وارده را باز یابد.

می‌توان گفت این دوره با فیلم ارزنده «متولد چهارم ژوئیه» با شرکت تام کروز یا کارگردانی اولیور استون در ۱۹۸۹ یکی از آخرین فیلم‌های جنگی این دوره است. این فیلم داستان تلاش‌های خستگی‌ناپذیر کهنه سربازان و جانبازان از جنگ ویتنام برگشته است که از تلاش و مبارزه برای باز یافتن کرامت انسانی خود دست بر نمی‌دارند.

به این ترتیب ما باید چشم به راه فیلم‌های جدی در مورد جنگ‌های افغانستان و عراق نیز باشیم. تا حال سینمای هالیوود با نگاهی غرب‌محور و از بالا به مردم این کشورها، فیلم‌هایی پُرماجرا و سرگرم کننده و عاری از ارزش‌هایی هنری و فرهنگی درباره این جنگ‌ها روانه بازار کرده است. اما نباید فراموش کرد که پیشرفت تکنولوژی دیجیتال، چه در مرحله تصویربرداری و چه در مرحله تدوین یعنی بیشتر به واسطه‌ی جلوه‌های ویژه بسیار پیشرفته کمک کرده است که صحنه‌های جنگ در این فیلم‌ها به صورت بسیار واقع‌گرایانه تصویر شوند هرچند که هدف صرفاً ایجاد هیجان و اکشن در تماشاگر بوده است.

پیشرفت تکنولوژی در فیلم‌های جدی مانند «نجات سرباز ساده رایان» ساخته ۱۹۹۸ اثر استیون اسپیلبرگ نیز در بازسازی واقعی جهنم جنگ سهم بسزایی دارد. صحنه‌های جنگی در این فیلم بسیار تأثیرگذار هستند. فیلم از نزدیک تماشاگر را در حال و هوای سربازان آمریکایی و بریتانیایی قرار می‌دهد که در جنگ جهانی دوم طی عملیات معروف نژماندی از دریا وارد سواحل فرانسه می‌شوند و زیر شلیک ممتد آلمانی‌ها و تلفات بی‌شمار قرار می‌گیرند. در این فیلم تماشاگر با سربازان همدان‌پنداری نزدیک کرده و ترس و وحشت آنها را از نزدیک لمس می‌کند.

در سال‌های اخیر، فیلم معروف «دانکرک» کریستوفر نولان و فیلم «دشمن پشت دروازه» ژان ژاک آنو (سازنده فیلم معروف «نام گل سرخ») نیز به عفریت جنگ و جهنم کشتار متقابل انسان‌ها توسط یکدیگر می‌پردازند.

حال با این زمینه برسیم به فیلم «۱۹۱۷» ساخته سام مندس. مندس دو فیلم جیمزباندی و فیلم مشهور «زیبای آمریکایی» را در کارنامه سینمایی خود دارد. اما ۱۹۱۷ فیلمی شخصی و نزدیک به قلب اوست زیرا بر اساس روایتی از پدربزرگش که در جنگ جهانی اول شرکت داشته خلق شده است. این فیلم در سال ۱۹۵۷ از مهمترین آثار ضد جنگ

نقاشی تحصیل کرد و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد انیمیشن از کالج سلطنتی هنر لندن است. از نکات جالب توجه در مراسم دیشب پیام برد پیت بازیگر فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» برای دریافت جایزه بهترین بازیگر مکمل بود که توسط مارگو رابی همبازی‌اش در فیلم خوانده شد. در این پیام، برد پیت به خروج انگلستان از اتحادیه اروپا اشاره کرد و نوشت: «بریتانیا شنیده‌ام که

بیشترین جوایز این مراسم را از آن خود کرد. «انگل» از کشور کره‌ی جنوبی جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان و بهترین فیلمنامه‌ی غیراقتباسی را دریافت کرد.

همچنین، رنی زلوگر برای «جودی» جایزه بهترین بازیگر نقش اصلی زن، واکین فینیکس برای «جوکر» و بهترین بازیگر نقش اصلی مرد را دریافت کردند.

پس از دریافت جایزه‌ی خود، از تداوم تبعیض نژادی در اهدای جوایز به هنرمندان سینما انتقاد کرد.

لورا درن برای «داستان ازدواج» بهترین بازیگر نقش مکمل زن و لورا درن برای «روزی روزگاری در هالیوود» بهترین نقش اصلی زن: رنی زلوگر برای «جودی» بهترین نقش اصلی مرد: واکین فینیکس برای «جوکر» بهترین نقش مکمل زن: لورا درن برای «داستان ازدواج» بهترین نقش مکمل مرد: برد پیت برای «روزی روزگاری در هالیوود» بهترین موسیقی متن: «جوکر» بهترین فیلمبرداری: راجر دیکینز برای «۱۹۱۷»

بهترین تدوین: «فورد علیه فراری» بهترین طراحی لباس: «زنان کوچک» بهترین طراحی صحنه: «۱۹۱۷» بهترین چهره‌پرداز: «بمب خبری» بهترین صدا: «۱۹۱۷»

بهترین جلوه‌های ویژه‌بصری: «۱۹۱۷» بهترین گروه بازیگری: «جوکر» بهترین بازیگر نوظهور: مایکل وارد بهترین کار اول یک نویسنده، کارگردان یا تهیه‌کننده بریتانیایی: مارک جنکین (نویسنده و کارگردان)، کیت بایز و لین وایت (تهیه‌کنندگان) «طعمه»

بهترین فیلم کوتاه بریتانیایی: «یادگیری اسکیت‌بازی در یک منطقه جنگی (اگر شما یک دختر هستید)» بهترین انیمیشن کوتاه بریتانیایی: «بابابزرگ عاشق پیشه بود» ساخته مریم مهاجر جایزه مشارکت برجسته بریتانیایی‌ها در سینما: اندی سرکیس جایزه فلوشیپ بفتا: کاتلین کندی



مریم مهاجر

مجرد شده‌ای، به کلاب خوش آمدی! او در انتهای پیام خود با توجه به اینکه پرنس هری نیز از خانواده سلطنتی جدا شده و قصد مهاجرت به آمریکا را دارد، گفت که اسم مجسمه‌ی بفتا را هری می‌گذارند و به خاطر بازگرداندن آن به آمریکا بسیار هیجان‌زده است!

این پیام برد پیت در حضور پرنس ویلیام، علاوه بر اینکه باعث خنده حضار شد، در فضای مجازی نیز واکنش‌های گسترده‌ای داشت و کاربران انگلیسی‌زبان از شوخی این بازیگر هالیوود با خانواده سلطنتی استقبال کرده‌اند.

پرنس ویلیام در انتهای مراسم جایزه تقدیر از سال‌ها فعالیت در عرصه‌ی سینما را به کتلین کندی تهیه‌کننده هالیوود اهدا کرد. آل پاچینو اسطوره‌ی بازیگری سینما نیز که با تازه‌ترین فیلم مارتین اسکورسیزی در «مرد ایرلندی» در این مراسم شرکت کرده بود، بر روی پله‌های آلبرت هال زمین خورد. این اتفاق برای پاچینوی ۷۹ ساله که حدود ۴۰ سال پیش در «بفتا» شرکت کرده بود، در شبکه‌های

کرک داگلاس آخرین بازمانده عصر طلایی هالیوود در گذشت



کرک داگلاس

کرک داگلاس پدر مایکل داگلاس بازیگر شناخته‌شده هالیوود است. مایکل از معدود فرزندان هنرمندان مشهور است که توانسته جایگاه ویژه‌ی خود را فارغ از سنگینی نقش پدر خود، به عنوان یکی از گرانترین هنرپیشگان سینمای جهان باز کند.

تاریخ سینما اولین همکاری داگلاس با استودیو کوربیک جوان بود که در دوران خود به اثری مناقشه برانگیز بدل شد.

«اسپارتاکوس» بر اساس رمان تاریخی نوشته هوراد فاست (۱۹۵۱) توسط استودیو کوربیک در سال ۱۹۶۰ کارگردانی شد و با کسب ۴ جایزه اسکار به یکی از ماندگارترین آثار حماسی سینما بدل گشت.

داگلاس سه بار نامزد دریافت اسکار شد - فیلم «قهرمان» از سال ۱۹۴۹، «بد و زیبا» از سال ۱۹۵۲ و «شور زندگی» تولید ۱۹۵۶ که روایت زندگی و نسان ون گوگ نقاش نامدار هلندی بود. او بالاخره در سال ۱۹۹۶ به پاس نیم قرن فعالیت هنری برنده اسکار افتخاری شد که توسط استیون اسپیلبرگ به وی تقدیم شد.

«باغ وحش شیشه‌ای»، «رودخانه‌ی برفی»، «تکخال در حفرة» و «قهرمان» از جمله مشهورترین فیلم‌های کرک داگلاس هستند.

کرک داگلاس اسطوره سینمای آمریکا و آخرین بازمانده از دهه چهل قرن بیستم سینمای جهان، روز چهارشنبه پنجم فوریه ۲۰۲۰ در سن ۱۰۳ سالگی درگذشت.

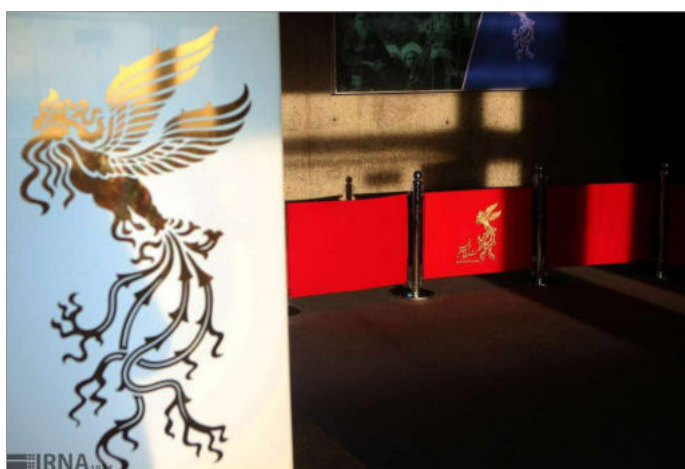
کرک داگلاس هنریشه قدیمی سینمایی هالیوود و برنده جایزه اسکار در سن ۱۰۳ سالگی در گذشت. او آخرین بازمانده از دهه چهل قرن بیستم سینمای جهان است و با ستاره‌هایی چون برت لکنستر، آنتونی کوئین، لارنس اولیه، همبازی شد. ضمن اینکه، شاهد ظهور ستارگانی چون همفری بوگارت، گری کوپر، کری گرانت و سپس مارلون براندو، پل نیومن، جیمز دین و آل پاچینو در هالیوود بود.

کرک داگلاس با ایفای نقش قهرمانان شکست‌ناپذیر از جمله در فیلم‌های «اسپارتاکوس» و «راه‌های افتخار» به اسطوره‌ی سینما تبدیل شد.

«راه‌های افتخار» محصول سال ۱۹۵۷ از مهمترین آثار ضد جنگ

جشنواره فیلم «فجر»؛

صورتی که با سیلی هم سرخ نشد!



● روابط عمومی جشنواره فیلم «فجر» ادعا کرده که نیم‌ساعته همه بلیت‌های «فجر» را فروخته‌اند و از ظرفیت ارگان‌ها و نهادها به مردم اختصاص داده‌اند! اما همزمان نوبت صبح سالن سینماهای مربوط به این جشنواره به مدارس و دانش‌آموزان اختصاص داده شده، آنهم رایگان!

● جشنواره فیلم «فجر» بدون اسپانسر مالی و فقط با حمایت شهرداری برگزار شده و هیچ شرکت و تولیدکننده‌ای حاضر به سرمایه‌گذاری بر روی این پروژه‌ی پیشاپیش شکست خورده نشده است!

● جشنواره فیلم «فجر»، مراسم افتتاحیه، فرش قرمز و فوتوکال ندارد و منتقدان سینما را در سینماهای مختلف پخش کرده است.

● پوستر جشنواره امسال با آرم جمهوری اسلامی و ریش ملایان چنان بازی کرده است که برای پیدا کردن سیمرغ باید جایزه تعیین کرد!

● لوح «سیمرغ» جشنواره هم که همواره به کشورهای چوچ ایتالیا و چک سفارش داده می‌شد، امسال، به دلیل تحریم‌ها، در داخل کشور و توسط شرکت «جهان کریستال» ساخته شده و طبق ادعای دبیر جشنواره، «به دلیل به صرفه نبودن تولید به تعداد کم، برای پنج شش سال آینده هم ساخته شده است!»

● از عکس‌های منتشر شده پیداست آنهایی که در «فجر» شرکت کرده‌اند با لباس سیاه و خاکستری حضور یافته و یک دقیقه هم برای کشته شدگان پرواز ۷۵۲ اوکراین که هواپیمایشان توسط پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساقط شد یک دقیقه سکوت کردند!

جشنواره سی و هشتم فیلم «فجر» در حالی امروز کار خود را آغاز کرد که تحریم سینماگران و شرکت‌کنندگان، آن را تا ابعاد یک جشنواره‌ی محلی کوچک کرده است. این جشنواره حکومتی در فقدان تمایل اسپانسرهای مالی و فقط با حمایت شهرداری تهران، بدون مراسم افتتاحیه، فرش قرمز و با اختصاص بلیت به ارگان‌ها و نهادها و ستانس صبحگاهی مختص دانش‌آموزان، با سیلی هم نتوانسته صورت چروکیده و رنگ‌پریده‌ی خود را سرخ کند!

سی و هشتمین جشنواره فیلم «فجر» در حالی امروز شنبه ۱۲ بهمن‌ماه ۹۸ کار خود را آغاز کرد که تحریم سینماگران و شرکت‌کنندگان، ابعاد آن را به یک جشنواره‌ی محلی و کوچک کاهش داده است.

در این دوره از جشنواره، ۲۲ فیلم سینمایی در بخش اصلی مسابقه و ۱۰ فیلم در بخش نوعی نگاه شرکت دارند که ۴ فیلم بطور مشترک در هر دو بخش شرکت دارند. با این وصف، «فجر» حکومتی تنها با نمایش ۲۸ فیلم تنور سرد خود را گرم نشان می‌دهد!

با اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به‌خصوص سازمان سینمایی و هیئت برگزاری جشنواره، تمام تلاش خود را برای بی‌تاثیر نشان دادن تحریم شدن از سوی

سینماگران به دلیل کشتار خونین و بی‌رحمانه مردم در اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ و حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هواپیمای مسافربری اوکراین و کشته شدن ۱۷۶ سرنشین آن و هم‌صدایی هنرمندان با مردم نشان می‌دهند. از مجموع این ۲۸ فیلم، سه فیلم «خروج»، «روز بلوا» و «آبادان یازده ۶۰» در بخش سودای سیمرغ و «لباس شخصی» در بخش نوعی نگاره متعلق به سازمان رسانه‌ای و فرهنگی «اوج» متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است! همچنین «درخت گردو» ساخته‌ی محمدحسین مهدویان از فیلمسازان سفارشی‌ساز ولایی و سازنده‌ی فیلم‌هایی چون «ماجرای نیمروز» و «ایستاده در غبار» است. «خورشید» تازه‌ترین ساخته مجید مجیدی کارگردان «بیت‌رهبری» و فاندبگیر از

می‌ورزد، تا کنون امتناع کرده است. پیمان معادی بازیگر فیلم «درخت گردو» و هایدی صفی‌یاری تدوینگر «خون شد»، «عامه‌پسند» و «مغز استخوان»، بابک حمیدیان بازیگر «مغز استخوان»، سعید آقاخانی بازیگر «خون شد» هم از همراهی فیلم‌هایشان در «فجر» اجتناب کرده‌اند.

در این رابطه، منابع آگاه از وضعیت جشنواره فیلم «فجر» به کیهان لندن گفته‌اند که تعدادی از شرکت‌کنندگان در این دوره از جشنواره برای حضور پیدا کردن در آن و عدم اعلام تحریم، مبالغ کلانی از برگزارکنندگان و وزارت ارشاد گرفته‌اند و به واسطه‌ی همین پول‌ها اکنون در گروه شرکت‌کنندگان قرار دارند!

به نظر می‌رسد امسال به دلیل تحریم سینماگران، عرصه برای سینماگرانی باز شده که آثار خود را از



پول‌های کثیف می‌سازند و همزمان از حمایت نهادهای و ارگان‌های حکومت برخوردارند. تحریم‌های جشنواره‌های «فجر» تا حدی پیش رفته که فقط با بودجه‌ی ۸ میلیاردی که از شهرداری تهران تأمین شده، فعالیت می‌کنند و هیچ اسپانسر و تأمین‌کننده‌ی مالی یا به قول معروف حتی یک شرکت تولیدکننده آب‌معدنی هم حاضر به همکاری با این رویداد از پیش شکست‌خورده نشده است.

ابراهیم حاتمی‌کیا نیز با «خروج» و از حساب سازمان «اوج» در جشنواره حاضر شده و از آنجا که بارها به‌خصوص در دوره‌ی قبل بطور کامل آشکار خود را فیلمساز «نظام» معرفی کرده، حضورش در «فجر» امری بدیهی است.

اینهمه، شرکت فیلمسازان جوان و کمتر شناخته‌شده چون مرتضی فرشایف، حمیدرضا قربانی، سهیل بیرقی، کیوان علی‌محمدی، بهمن اردک، سامان سالور و حتی مجید برزگر بحث‌برانگیز شده چراکه آنها در طول این سال‌ها بارها ادعای تعلق به سینمای مستقل و اندیشمند را داشتند و در جشنواره‌های بین‌المللی شرکت می‌کردند و از سانسور و عدم آزادی بیان در وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی انتقاد می‌کردند!

اما با وجود حضور برخی فیلم‌ها در جشنواره، عوامل و دست‌اندرکاران ساخت آنها بطور جداگانه از شرکت در رقابت «فجر» حکومتی سر باز زده‌اند. مانند مسعود کیمیایی کارگردان پیشکسوت سینما که امسال با «خون شد» به جشنواره راه یافت ولی از حضور در آن، در حالی که تهیه‌کننده بر آن اصرار

«فجر» به مدارس و دانش‌آموزان اختصاص داده شده، آنهم رایگان! از سوی دیگر، ستاد برگزاری جشنواره نیز که مدت‌ها مشغول رایزنی و التماس برای پیدا کردن داور بود، در نهایت برخلاف معمول ۹ عضو هیات داوران را معرفی کرد. حتی ابراهیم داروغه‌زاده دبیر جشنواره افزایش تعداد داوران را به اقبال برای مشارکت در جشنواره تعبیر کرد! اما کمی جستجو در هویت داوران نشان می‌دهد که همگی پای ثابت جشنواره‌های حکومت هستند و هر زمان که برای داور یا هیات انتخاب کم می‌آورند، ابتدا به آنان رجوع می‌کنند. کمااینکه، فریدون جیرانی فیلمساز و منتقد باسابقه سینما که عضو هیات انتخاب جشنواره امسال بود، با وجود بیماری و سکتته مغزی در هیات داوران هم شرکت دارد! ضمن اینکه بزرگداشت او هم در این دوره برگزار می‌شود و با این حال و احوال‌اش قرار است یک‌تنه بخش‌های مختلف جشنواره را پیش ببرد!

از طرف دیگر، محمدمهدی عسگرپور دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم «فجر» در بین داوران جشنواره داخلی «فجر» امسال نیز حضور دارد! اتفاقی که مشخص نیست تا چه اندازه با مقررات «فجر» همخوانی داشته باشد!

نرگس آبیاری فیلمساز حکومتی، رضا پورحسین مجری صداوسیما جمهوری اسلامی نیز جزو این داوران هستند اما مشارکت سعید راد بازیگر قیل از انقلاب و توج اصلاهی فیلمبردار شناخته شده‌ی سینما که با کارگردانی چون بهمن فبادی همکاری داشته و ادعای استقلال رأی دارد، در جشنواره‌ی «فجر» انتقادات بسیاری را به همراه داشته است. برخی کارشناسان سینمایی، وضعیت سعید راد را با همکاریش مقایسه می‌کنند که ۴۰ سال ممنوع‌الکار، ممنوع‌الورود و ممنوع‌التصویر بوده و هستند.

پوستر جشنواره امسال با آرم جمهوری اسلامی و ریش ملایان چنان بازی کرده است که برای پیدا کردن سیمرغ باید جایزه تعیین کرد! حکایت پوستر «لوح «سیمرغ» این دوره هم خالی از لطف نیست. در حالی که فقط دو روز به برگزاری جشنواره مانده بود، پوستر آن منتشر شد و بهت و حیرت مخاطبان را با ترسیم یک سیمرغ بی‌سر و دم و شکل و بی‌محتوا برانگیخت. به نظر می‌رسد آماده‌شدن دیرینه‌نگام این پوستر که برگزاری نشست مطبوعاتی «فجر» را هم به تعویق انداخته ارتباط مستقیمی با تحریم هنرمندان حوزه تجسمی و طراحان گرافیکست دارد. چنانکه پوستر امسال بیش از هر سال فاقد استانداردهای لازم و به شدت آلوده به آرم و نشانه‌های جمهوری اسلامی است.

لوح «سیمرغ» جشنواره هم که همواره به کشورهایی چون ایتالیا و چک سفارش داده می‌شد، امسال، به دلیل تحریم‌ها، در داخل کشور و توسط شرکت «جهان کریستال» ساخته شده و طبق ادعای دبیر جشنواره، «به دلیل به صرفه نبودن تولید به تعداد کم، برای پنج شش سال آینده هم ساخته شده است.» حذف فوتوکال، چشم‌پوشی از «برج میلاد» و پخش کردن منتقدان در سالن‌های کوچک‌تر هم از دیگر اقداماتی است که در پی تحریم گسترده‌ی «فجر» صورت گرفته است.

با اینکه جشنواره توسط برخی کانال‌ها و وبسایت‌های تخصصی سینما، تحریم شده اما تصاویری که رسانه‌های رسمی از نخستین جلسه نقد و بررسی جشنواره، فیلم «سه کام حبس» ساخته سامان سالور منتشر کرده‌اند، حاکیست که عوامل فیلم با لباس سیاه و خاکستری در نشست حاضر شده‌اند! آنها به یاد کشته‌شدگان هواپیمای مسافربری اوکراین که بر فراز آسمان تهران هدف حمله موشکی پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت و همه ۱۷۶ سرنشین آن کشته شدن، یک دقیقه سکوت کردند!

تاریخ شفاهی ایران

فاخرات عبدالرضا انصاری (۶)



فصل دوم

آمریکایی‌ها در ایران

که با این گروه از کشورها امضا شد، قرارداد با ایران بود که در اکتبر ۱۹۵۰ با سپهبد رزم‌آرا نخست‌وزیر

ایران به‌امضا رسید و در اجرای آن آقای دکتر فرانکلین هریس که سابقاً به‌عنوان مشاور امور کشاورزی در ایران خدمت کرده بود و در سال ۱۹۵۰ ریاست دانشگاه کشاورزی یوتا را به‌عهده داشت، به‌عنوان رئیس این دانشگاه برای ایجاد تشکیلات لازم جهت تدوین کتاب‌های فنی به ایران اعزام شده بود و اولین سازمان کمک‌های فنی تحت عنوان «کمیسین مشترک ایران و آمریکا برای توسعه امور روستایی» تشکیل گردیده بود؛ و این همان سازمانی است که دوستان دانشگاهی من در آنجا مشغول کار بودند و آقای اردشیر زاهدی که در این سازمان سمت معاونت آقای دکتر هریس را عهده‌دار بودند در بکار گرفتن عده زیادی از جوانانی که پس از خاتمه تحصیل از آمریکا به ایران مراجعت کرده بودند، رل مؤثری داشتند و عده کثیری از آنان در طرح‌های مربوط به کشاورزی، فرهنگ و بهداشت خدمت می‌کردند.

در اواسط سال ۱۹۵۱ دولت آمریکا تصمیم می‌گیرد که برنامه‌های کمک‌های فنی به ایران را گسترش داده و بودجه سالیانه مربوط به این برنامه را به‌میزان بیست برابر افزایش دهد. به دنبال این تصمیم، آقای ویلیام وارن را که سمت معاونت وزارت کشور آمریکا را داشت، برای ریاست این برنامه برگزیدند و تصمیم گرفته بودند که آقای وارن برای شروع کار از تسهیلات «کمیسین مشترک ایران و آمریکا برای امور روستایی» استفاده کند و برای استفاده از این بودجه قرارداد جدیدی با دولت ایران مورد توافق قرار گیرد و پس از تصویب و امضای قرارداد جدید، تشکیلات و طرح‌های «کمیسین مشترک» به‌تدریج در سازمان جدیدی که به‌وجود خواهد آمد، ادغام گردد.

بدین جهت بود که پس از ورود وارن به ایران، آقای دکتر هریس کارهای کمیسین مشترک را به معاون آمریکایی خود واگذار کرد و از ایران رفت ولی فعالیت‌هایی که تحت عنوان «کمیسین مشترک ایران و آمریکا» شروع شده بود جریان خود - در حقیقت در این زمان در اداره اصل چهار فقط آقای وارن بود و یک نفر خانم منشی آمریکایی و نفر سوم من در اینجا لازم است توضیحی بدهم که سایر مطالب بهتر روشن شود.

در سال ۱۹۴۹ پرزیدنت ترومن رئیس جمهور آمریکا پس از انتخاب شدن به این سمت، در اولین نطق خود مربوط به قبول ریاست جمهوری، برنامه‌ای چهار ماده‌ای را اعلام کرده بود که ماده چهارم آن درباره کمک‌های فنی به کشورهای عقب‌افتاده بود که آن کشورها با استفاده از فنون و تکنیک‌های جدید بتوانند برنامه‌های عمرانی خود را توسعه داده و با استفاده بهتر از منابع طبیعی خود سطح زندگی افرادشان را بالا برده و زندگی بهتری برای آنها فراهم سازند. بدین جهت بود که این نوع برنامه‌ها تحت عنوان اصل چهار نامیده شد. به‌دنبال این اعلام، اولین قراردادی

ادامه دارد

آستانه‌ی خفت‌پذیری اصلاح‌طلبان کجاست؟



نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اصلاح‌طلب و اصولگرا، با لباس پاسداری ۲۱ فروردین ۱۳۹۸

نیز نداشتند. علی‌مطهری که هیچ‌گاه اصلاح‌طلب نبوده اما در فهرست اصلاح‌طلبان به مجلس رفت بیش از بقیه بروز و نمود داشته است. آنها در قالب و ادعای اکثریت حتی نقش یک اقلیت قدرتمند را نیز ایفا نکردند.

ماله‌کشی و اثبات وفاداری

دو وجه دیگر تحقیرشدگی اصلاح‌طلبان - غیر از عقب‌نشینی دائمی - ماله‌کشی شرایط و سیاست‌ها و اثبات وفاداری به دستگاه رهبری و سپاه است. آنها برای اینکه مورد غضب قوای قهریه قرار نگیرند مدام مجبورند سیاست‌هایی را که خود قبول ندارند یا به آنها اشکال دارند یا نمی‌پسندند یا در مواردی قبلاً رد کرده‌اند برای عموم توجیه کنند تا از سر سفره‌ی ولایت بیرونشان نگذارند.

موضوع دیگر جانکاه برای آنها تقرب است به این معنا که اگر می‌خواهند انتقادی کنند یا سخنی بگویند که می‌دانند خامنه‌ای و «بیت» و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمی‌پسندند ابتدا قبل از بیان آن به دهها موضوع که وفاداری آنها را اثبات می‌کند اشاره می‌کنند تا زهر سخن اصلی را بگیرند. چنین موضع‌گیری‌هایی برای هر اهل سیاستی خفه‌کننده و تهوع آور است اما اصلاح‌طلبان سه دهه است دارند چنین می‌کنند و هنوز ظرفیت ادامه در آنها دیده می‌شود.

غیبت در مسائل کلیدی

اصلاح‌طلبان (بجز چند استثنای نادر) در چهار موضوع کلیدی هسته‌ای، مداخلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی، تروریسم و گروگانگیری جمهوری اسلامی که سالانه بیش از صد میلیارد دلار خسارت به کشور وارد می‌آوردند (به گفته‌ی حسن روحانی فقط صد میلیارد دلار خسارت سالانه از مجرای تحریم‌ها) ساکت بوده‌اند. این سکوت آنها را بیشتر به حاشیه رانده است چون موافق و مخالف رژیم انتظار دارد آنها در این موضوعات که هر روز گریبان ایران را می‌گیرد اظهار نظر و سیاست‌گذاری کنند. اما اصلاح‌طلبان در این موضوعات ساکت هستند چون آنها را ملک طلق سپاه پاسداران و «رهبر» می‌دانند و تصور می‌کنند که هزینه‌ی اظهار نظر در مورد آنها بسیار بالاست. اتفاقاً حکومت به همین دلیل هزینه را بالا برده تا در این حوزه‌ها چالش نشود.

تلمش نام کارت‌ها

در آستانه‌ی «بیعت ۹۸» کارت‌های اصلاح‌طلبان برای گرفتن سهمی از قدرت در ازای وادادگی رو به اتمام است. به نظر نمی‌آید که «نظام» برای جلب مشارکت بیشتر به آنها نیاز داشته باشد چون حنای آنها برای رأی‌دهندگانشان نیز دیگر رنگی ندارد. دوگانه‌ی میانه‌رو- رادیکال برای کشورهای غربی نیز دارد به تدریج ارزش‌اش را از دست می‌دهد چون دولت‌های ترامپ و جانسون دیگر این داستان‌ها را نمی‌خرند. دولت روحانی با فقدان کارآمدی، نادیده گرفتن همه‌ی وعده‌ها و فساد روزافزون و مجلس شورای اسلامی با تبدیل شدن به مه‌رادر حکومت و منتظرالامری «بیت» و سپاه پاسداران آخرین اندوخته‌های اعتماد به اصلاح‌طلبان را نیز مصرف کرد. از هم‌اکنون «نظام» پذیرفته است که قرار نیست «بیعت» پر شماری صورت گیرد و بدین لحاظ نیاز چندانی هم به «گرم‌کنندگان تنور» احساس نمی‌شود.

اندک خواهد بود. هر گروه و حزب و جناحی در هر نقطه‌ی عالم که با این سطح از نازق‌بانی بودن مواجه شود از مشارکت انصراف می‌دهد و اصولاً مشارکت را تحریم می‌کند. اما عبدالواحد موسوی لاری نایب رئیس شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان می‌گوید: «آنچه از مجموع نظرات چهره‌های اصلاح‌طلب دریافت کردم این است که اصلاح‌طلبان در انتخابات حتماً شرکت می‌کنند» (کیهان ۶ بهمن ۱۳۹۸). بدین ترتیب باز هم اصلاح‌طلبان نامزد معرفی و در انتخابات شرکت می‌کنند و از مردم می‌خواهند در بیعت ۹۸ شرکت کنند. این رفتار چه چیزی در مورد آنها به تک‌تک شهروندان ایران می‌گوید؟

سه دهه وادادگی و تحقیر

سه دهه است که اصلاح‌طلبان در ایران با روش‌های مختلف تحقیر شده و دچار خودتحقیری بوده‌اند. این دیگر یک واقعیت عام و آشکار است که اصلاح‌طلبان برای داشتن سهمی از قدرت و منافع ناشی از آن، بودن در زیر خیمه‌ی ولایت و تحقیرهای ناشی از آن را می‌پذیرند و هضم می‌کنند اما پرسش این است که تا کجا این طرفیت می‌تواند کار کند و نقطه‌ی توقف آن کجاست. اصلاح‌طلبان از هر طیف و سنی نشان داده‌اند که چنین آستانه‌ای وجود ندارد. در زیر به آستانه‌های گذاشته شده و نقض شده‌ی پیشین اشاره می‌کنم:

۱. فعالیت مطبوعات اصلاح‌طلب. با بسته شدن روزنامه‌ی سلام در سال ۱۳۷۸ اصلاح‌طلبان با طیف دانشجویی خود همراه شدند تا با فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا سهم خود را از قدرت افزایش دهند اما وقتی با سرکوب شدید در کوی دانشگاه تهران و تریز مواجه شدند جا زدند و این سنگر را به رقیب واگذار کردند.
 ۲. سنگر بعدی واگذار شده لویج دوقلو خاتمی در باب نظرات استصوابی و اختیارات رئیس‌جمهور بود که شورای نگهبان آنها را رد کرد. اصلاح‌طلبان این را هم هضم کرده و ادامه دادند.
 ۳. سنگر بعدی نهاد بیعت‌گیری دوجناحی بود که در سال ۱۳۸۸ توسط سپاه مصادره شد و اصلاح‌طلبان تقبل گسترده در انتخابات را در نهایت هضم کردند (بجز کروی و موسوی و رهنورد و تعداد اندکی از آنها که سال‌ها در حصر و زندان ماندند).
 ۴. سنگر چهارم نامزد کردن روحانی غیراصلاح‌طلب به عنوان رییس دولت در سال‌های ۹۲ و ۹۶ بود. او یک عنصر امنیتی است که همیشه در جیب سپاه و «بیت» بوده و بدون هماهنگی با آنها آب نمی‌خورد (نمایش‌های بیرونی «حقوقدان» در برابر سرهنگ را هم «بیت» و هم رفقای روحانی در شورای امنیت ملی درک می‌کنند).
 ۵. سنگر پنجم انتخاب نامزد برای تعیین اعضای مجلس شورای اسلامی بود که در سال ۱۳۹۴ به جناح دیگر و «بیت» با گذاشتن نامزدهای جناح مقابل در فهرست‌های اصلاح‌طلبان واگذار شد. آنها این را برای اعلام وفاداری بیشتر به بیت و سپاه انجام دادند اما نتیجه‌ای نگرفتند و همچنان فتنه‌گر خوانده می‌شوند.
- سهم اصلاح‌طلبان از قدرت در دوران پساجنبش سبز در نهایت به چند وزیر کابینه و کمتر از صد عضو مجلس شورای اسلامی (تحت این عنوان) محدود شد که بروز و ظهور چندانی

● سه دهه است که اصلاح‌طلبان در ایران با روش‌های مختلف تحقیر شده و دچار خودتحقیری بوده‌اند.

● دو وجه دیگر تحقیرشدگی اصلاح‌طلبان - غیر از عقب‌نشینی دائمی - ماله‌کشی شرایط و سیاست‌ها و اثبات وفاداری به دستگاه رهبری جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

● اصلاح‌طلبان در چهار موضوع کلیدی هسته‌ای، مداخلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی، تروریسم و گروگانگیری جمهوری اسلامی که سالانه بیش از صد میلیارد دلار خسارت به کشور وارد می‌آورد ساکت هستند.

● در آستانه‌ی «بیعت ۹۸» کارت‌های اصلاح‌طلبان برای گرفتن سهمی از قدرت در ازای وادادگی رو به اتمام است.

مجید محمدی - اصلاح‌طلبان ۷۰ درصد نامزدهای آنها را در صلاحیت شده‌اند (آذر منصور، برنا ۲۸ دی ۱۳۹۸) و در ۱۵۸ حوزه اصولاً نامزدی ندارند (فیض‌الله عرب سرخی، اعتماد ۱ بهمن ۱۳۹۸). شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان ضمن انتشار بیانیه‌ای عنوان کرد: «از مجموع بیش از ۱۶ هزار نفر ثبت نام کننده، تا کنون تنها حدود ۵۰۰۰ نفر تأیید صلاحیت شده‌اند. حدود هزار و پانصد نفر یا انصراف داده‌اند و یا پس از رد صلاحیت توسط هیات‌های اجرایی، اعتراض قانونی نکرده‌اند. حدود نه هزار و پانصد نفر نیز یا احراز صلاحیت نشده‌اند یا رد صلاحیت شده‌اند. متأسفانه بیش از ۹۰ درصد کاندیداهای شناخته شده احزاب اصلاح‌طلب رد صلاحیت شده‌اند» (الف ۲ بهمن ۱۳۹۸).

احزاب اصلاح‌طلب به نحو منفرد نیز همین شرایط را بیان کرده‌اند: «تقریباً بیش از ۷۰ نفر از اعضای حزب اعتماد ملی در سراسر کشور ثبت نام کرده بودند که همه آنها بر اساس بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۲۸ که مربوط به عدم التزام عملی به اسلام، نظام جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه است رد صلاحیت شدند... در شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان هم همین بحث در جریان است زیرا ما اصلاح‌طلبان تقریباً در هیچ‌یک از استان‌ها امکان ارائه فهرست را نداریم... با اعضاء می‌توانیم بگوییم که ۲۱ چهره اصلاح‌طلب در سراسر کشور تأیید شده‌اند» (اسماعیل گرامی‌مقدم، سخنگوی حزب اعتماد ملی، ایران ۲ بهمن ۱۳۹۸). رئیس کمیته انتخابات حزب کارگزاران سازندگی می‌گوید صلاحیت ۴-۵ نفر از اعضای حزب کارگزاران توسط شورای نگهبان تأیید شده است (تابناک ۳ بهمن ۱۹۸). ممکن است تعدادی از نامزدها که با اعضای شورای نگهبان یا «بیت» داد و ستد دارند خود را از صافی رد کنند اما این تعداد در مقابل شمار رد صلاحیت شده بسیار

سر نوشت نامعلوم بازداشت‌شدگان اعتراضات ۹۸؛ تعدادی از معترضان از جمله مجروحان ناپدید شده‌اند



بر اساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل در اعتراضات آبان‌ماه که پس از افزایش قیمت بنزین به راه افتاد ۳۰۴ نفر کشته شدند اما روبرتو به نقل از منابع داخل ایران شمار تلفات را ۱۵۰۰ نفر اعلام کرد

منصرونیا توسط اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خبر داد تا با «شهید» اعلام شدن فرزندانشان موافقت کنند!

خانواده و بستگان کشته‌شدگان اعتراضات آبان‌ماه، در این رابطه تحت فشار و تهدید و احضار و بازجویی قرار دارند.

حکومت همچنان از اعلام آمار کشته‌شدگان و بازداشت‌شدگان در طول اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ خودداری می‌کند ولی عفو بین‌الملل تعداد کشته‌ها را ۳۰۴ اعلام کرد و خبرگزاری روبرتو به نقل از منابعی در داخل حکومت و وزارت کشور، از کشته شدن حدود ۱۵۰۰ نفر در جریان اعتراضات آبان‌ماه خبر داد.

برخی معترضان ناپدید شده، مجروح بودند

کریم دیهیمی فعال مدنی شمار شهروندان استان خوزستان را که هنوز در بازداشت هستند بیش از ۴۰۰ نفر اعلام کرده و گفته که «در مناطقی چون ماهشهر، اهواز و خرمشهر که مقامات جمهوری اسلامی مناطق بحرانی می‌خواندند از سرنوشت تعدادی از بازداشت‌شدگان خبری در دست نیست».

به گفته وی، «بین افرادی که هیچ خبری از سرنوشت آنها در دست نیست تعدادی هستند که در جریان اعتراضات مجروح شده بودند و آنها را از بیمارستان «معرفی‌زاده» در شادگان بازداشت کرده و برده‌اند. خانواده‌ها در بی‌خبری بسر می‌برند و به شدت نگران هستند که آنها هم جزو کشته‌شدگان باشند».

این فعال مدنی می‌گوید بازداشت‌شدگان در «زندان شبان اهواز، زندان آبادان و زندان ماهشهر» زندانی هستند اما «افرادی که تا الان سرنوشت‌شان مشخص نیست در بازداشتگاه‌های سپاه هستند».

حکومت پرونده‌ی کسانی را که «لیدر یا رهبر آشوب» می‌خواند به دادگاه ارسال نکرده

به گفته‌ی یک وکیل دادگستری و وکیل برخی بازداشت‌شدگان اعتراضات، کسانی که مقام‌های امنیتی و قضایی آنها را «لیدر یا رهبر آشوب» معرفی می‌کنند، از جمله کسانی هستند که هیچ اطلاعی از وضعیت آنها در دست نیست و قضایی آنها را به دادگاه ارسال نشده و وکلای آنها هم نتوانسته‌اند وارد پرونده‌های آنها شوند».

این گزارش در گفتگو با برخی از بازداشت‌شدگانی که آزاد شده‌اند، از شکنجه، فشار، فحاشی و توهین و شرایط غیرانسانی نگهداری، کمبود دارو و درمان، وضعیت نامناسب غذا خبر داده است.

برخی از بازداشت‌شدگان آبان‌ماه که با قرار وثیقه آزاد شده‌اند در مصاحبه با کمپین حقوق بشر، از فشارهای شدید روانی و ضرب و جرح در دوران بازداشت با باتوم و شوکر، برای «اعتراف» دروغ به داشتن ارتباط با شبکه‌های معاند خارج از کشور» گفته‌اند.

آنگونه که کمپین حقوق بشر در ایران از دو زندان اوین و فشافویه به نقل از منابع خود اعلام کرده، «بیش از ۳۰۰ نفر از بازداشت‌شدگان در سوله‌ای به نام تپ ۵ در زندان فشافویه که فاقد امکانات است، نگهداری می‌شوند و همچنین زندان زنان هم یک سوله‌ای است که پیشتر سالن بسکتبال بوده

که می‌توان افراد ناپدید شده را

که می‌توان افراد ناپدید شده را

که می‌توان افراد ناپدید شده را

که می‌توان افراد ناپدید شده را

که می‌توان افراد ناپدید شده را

که می‌توان افراد ناپدید شده را

که می‌توان افراد ناپدید شده را

که می‌توان افراد ناپدید شده را

که می‌توان افراد ناپدید شده را

که می‌توان افراد ناپدید شده را

● «بسیاری از این بازداشت‌شدگان علیرغم گذشتن مدت زیادی از بازداشت، در اسارت بسر می‌برند، هر مقدار تحقیقات که لازم بوده تا کنون انجام شده و باید آزاد شوند اما وثیقه‌ها را اینقدر بالا می‌گیرند که در توان افراد نباشد».

● کسانی که مقام‌های امنیتی و قضایی آنها را «لیدر یا رهبر آشوب» معرفی می‌کنند، از جمله کسانی هستند که هیچ اطلاعی از وضعیت آنها در دست نیست و «پرونده‌های آنها به دادگاه ارسال نشده و وکلای آنها هم نتوانسته‌اند وارد پرونده‌های آنها شوند».

● خانواده‌های کشته‌شدگان اعتراضات آبان‌ماه برای پذیرش عنوان «شهید» برای عزیزانشان تحت فشار و تهدید و بازداشت و بازجویی قرار دارند.

کمپین حقوق بشر در ایران از «بی‌اطلاعی مطلق» از سرنوشت برخی بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ خبر داده و اعلام کرده است که از لحظه بازداشت تا کنون هیچ تماسی با خانواده‌های خود نداشته‌اند. در بین ناپدیدشدگان، افرادی هستند که هنگام بازداشت بر اثر اصابت گلوله زخمی شده بودند و خانواده‌ها به شدت نگرانند که آنها هم جزو کشته‌شدگان باشند.

کمپین حقوق بشر در ایران در تازه‌ترین گزارش خود از وضعیت بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ از «بی‌اطلاعی مطلق» از سرنوشت و وضعیت برخی از بازداشت‌شدگان خبر داده و نوشته است که آنها «از لحظه بازداشت تا کنون با خانواده‌های خود هیچ تماسی نداشته‌اند».

بر اساس گزارش سازمان‌های حقوق بشر، حدود ۱۰ هزار نفر از معترضان در جریان اعتراضات آبان‌ماه بازداشت شده و یا تحت پیگرد قرار گرفته‌اند. بسیاری از این زندانیان همچنین به دلیل فشار و تهدید نهاد‌های امنیتی، به صورت گمنام و ناشناس باقی مانده‌اند.

بیش از ۴۰۰ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸، عمدتاً از ساکنین شهرهای شهریار، اسلامشهر (شادشهر)، شهر قدس (قلعه حسن‌خان)، ملارد و رباط کریم، در زندان تهران بزرگ (فشافویه) نگهداری می‌شوند.

به گفته منابع آگاه، بسیاری از بازداشت‌شدگان افراد ۱۸ تا ۲۵ ساله و عمدتاً از طبقات فرودست جامعه هستند. از این رو، خانواده‌ی بازداشت‌شدگان امکان تهیه‌ی وثیقه برای آزادی عزیزان خود را ندارند.

● خانواده‌ی معترضان آبان‌ماه برای موافقت با عنوان «شهید» تحت فشارند
کمپین حقوق بشر در ایران پیشتر از تحت فشار قرار دادن خانواده‌ی برخی کشته‌شدگان اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ از جمله مهرداد معین‌فر و برهان



زن روز



سیمین بهبهانی

آه، ای ناشناس ناهم رنگ
بازگو، خفته در نگاه تو چیست؟
چيست اين اشتياق سرکش و گنگ
در پس دیده سياه تو چيست؟
چيست اين؟ شعله يی ست گرمی بخش
چيست اين؟ آتشی ست جان افروز ...
... آه، ای ناشناس ناهم رنگ
نگهی سخت آشنا داری
دل ما با هم است پیوسته
گرچه منزل زما جدا داری
آه، ای ناشناس! می دانم
که زبان مرا نمی دانی
لیک چون من که خواندم از نگهت
از رخ نقش مهر می خوانی



دلیل قاروقور شکم!

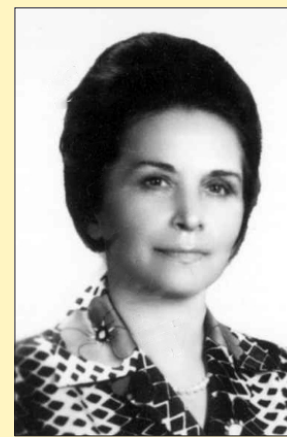
صدای ناخوشایندی که بعضی اوقات موجب ناراحتی ما می شود حتماً موجبات ناراحتی اجزای داخلی بدن ما را هم به وجود می آورد پس بهتر است نسبت به این موضوع سهل انگاری نکرده و همانطور که اکثر شما می دانید مصرف غذاهای سنگین و گاهی فاقد کیفیت مطلوب همچون فست فود ها و غذاهای کنسرو شده و غذاهای نفاخ مانند نخود باعث ایجاد صدا در شکم می شود همچنین ضعف در دستگاه هضم غذا هم این صدا را به بار می آورد. زمانی که به دنبال مصرف غذایی نفاخ ایجاد می شود این نفاخ ایجاد شده باید از طریق مقعد و یا دهان خارج شود در غیر اینصورت در داخل شکم باقی مانده و با حرکت خود صدای قاروقور را ایجاد می کند. هیپوتالاموس بخش هماهنگ کننده دستورات بدن است که گرسنگی یکی از آنهاست. این هورمون در زمان گرسنگی با فرمان دادن به معده و انقباضات ماهیچه شکمی و افزایش اسیدهای موجود در معده روده سبب ایجاد این صدا می شود. اگر قاروقور شکم به دلیل گرسنگی باشد خوب ساده است که با مصرف غذا این صدا برطرف می شود اما اگر دلیل دیگری داشته باشد راه چاره چیز دیگری است. قدم اول رعایت در خوردن مواد غذایی است که به آن اشاره شد. قدم بعدی پرهیز از مصرف مخلفاتی همچون سالاد، سبزی، دوغ و نوشابه به همراه غذا است. همچنین گفتنی است که با جویدن به اندازه غذا و پرخوری نکردن تا حد بالایی این مشکل کنترل می شود. عصاره نعناع یک درمان گیاهی و سنتی و در عین حال بسیار موثر برای این مشکل است اما این بدان معنا نیست که هرچه می خواهید میل کنید و بعد مقداری از

قلب حداقل برابر این عصاره را خورده و مشکلی هم درازید و همیشه از داشتن با ۲۵۰۰ کالری (۹۴۵۰ لیتر) خون می باشد، قلب توانایی ۳ بلیون تپش را در زندگی هر فرد دارد. **ماهیهچه مخصوص جویدن** قوی ترین ماهیهچه بر اساس وزن، ماهیهچه مخصوص جویدن است، تمام عضلات فک با یکدیگر کار می کنند و می توانند با نیروی بیشتر از ۲۵ کیلوگرم، دندان های فرد را ببندند و به دندان آسیاب نیرویی برابر با ۹۰،۷ گرم وارد کنند.

ماهیهچه های رحم محل قرارگیری رحم نزدیک به لگن است، قدرت این ماهیهچه به دلیل توانایی هل دادن نوزاد برای به دنیا

زنان شاخص

نیره ابتهاج سمیعی (۱۳۹۶ - ۱۳۹۳)



نیره ابتهاج سمیعی نخستین بانوی گیلانی راه یافته به مجلس شورای ملی، سیاستمدار ایرانی و نماینده رشت حد فاصل سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ در دوره های ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱ مجلس شورای ملی است. او جزء نخستین زنانی است که به مجلس شورای ملی راه یافته است. سمیعی پس از فارغ التحصیلی به عنوان دبیر به خدمت در آموزش پرورش پرداخت و در امور اجتماعی نیز فعالیت می کرد. از فعالیت های اجتماعی وی می توان به موارد زیر اشاره کرد: عضو انجمن زنان گیلان، بنگاه حمایت از مادران و نوزادان، نایب رئیس جمعیت شیر و خورشید سرخ و عضو هیئت مدیره شیرخوارگاه رشت، عضو انجمن حمایت از مبارزه با سرطان، عضو درمانگاه خیریه «دولتیل»، عضو کمیسیون بین المللی شورای عالی زنان، عضو

قوی ترین ماهیهچه ی بدن انسان کدام است؟

هیچ پاسخی برای این سوال وجود ندارد، به این علت که روش های اندازه گیری قدرت ماهیهچه ها با یک دیگر متفاوت است، ماهیهچه دارای قوت آزاد (نیروی حداکثری)، قدرت محرک (حرکات تکراری)، نیروی ارتجاعی (اعمال نیروی سریع) و قدرت پایداری (مقاومت در هنگام خستگی) می باشند، در بدن انسان سه نوع ماهیهچه وجود دارد: قلبی، صاف و اسکلتی.

ماهیهچه بیرونی چشم عضله چشم در طول روز به دفعات زیادی برای تنظیم حالت خود جابجا می شود، زمانی که سر در حال تکان خوردن است، ماهیهچه بیرونی چشم در حال تنظیم کردن خود برای ثابت شدن چشم می باشد، اگرچه ماهیهچه بیرونی چشم می تواند چهار خستگی نیز بشود، با یک ساعت مطالعه کتاب، چشم تقریباً حدود ۱۰۰۰۰ حرکت انجام می دهد.

ماهیهچه سرینی بزرگ ماهیهچه سرینی بزرگ، بزرگ ترین ماهیهچه در بدن انسان است، این ماهیهچه بزرگ و قوی است، چون

ماهیهچه قلبی دیواره قلب را می سازد، و مسئول نیروی انقباض قلب است، ماهیهچه های صاف دیواره روده، رحم، رگ های خونی و ماهیهچه درونی چشم را می سازد، ماهیهچه های اسکلتی به استخوان و در بعضی نواحی پوست (ماهیهچه های صورت) متصل هستند، انقباض ماهیهچه های اسکلتی به دست و پا و دیگر اندام ها برای حرکت کمک می کنند، بسیاری از منابع مطالعاتی اثبات می کنند که بیش از ۶۵۰ ماهیهچه اسکلتی در بدن انسان وجود دارد، اگرچه که در بعضی مطالعات این عدد ۸۴۰ می باشد، این اختلاف به دلیل این است که ماهیهچه های پیچیده را جزء ماهیهچه های اسکلتی به حساب می آورند، مثلاً عضله دو سر بازو یک ماهیهچه پیچیده است که دو سر با دو منبع متفاوت دارد و روی شعاع استخوان ها قرار می گیرند، آیا شما این ماهیهچه را جزء اسکلتی ها به حساب می آورید؟

اگرچه که بیشتر افراد، مجموعه ماهیهچه ای یکسانی دارند، اما ممکن است تفاوت هایی هم در جزئیات آنها دیده شود، عموماً ماهیهچه های صاف بافت سلولی دارد و تعداد آنها به بلیون می رسد، برای مفهوم ماهیهچه قلبی، ما تنها قلب را برای معرفی آن داریم. ماهیهچه ها نام های لاتین دارند و بر حسب مکان، اندازه، شکل، فعالیت، ریشه و تعداد عضله های آنها دسته بندی می شوند، مثلاً ماهیهچه فلکسور لئونگوس (عضله تا کننده) هالیسیک یک ماهیهچه بلند است که به تا شدن شصت کمک می کند.



وظیفه آن نگهداری تنه انسان در حالت ایستاده و قائم است، این ماهیهچه مسئول مقاومت در برابر جاذبه است و در راه رفتن به ما کمک می کند. **قلب** سخت کوش ترین ماهیهچه، ماهیهچه قلب است، قلب ۷۱ گرم خون را در هر تپش پمپاژ می کند، پمپاژ روزانه



Pexels

روش های کراتین موی مجدد

فرمالین را روی آن می نویسند. **۲.** برخی کراتین ها فقط مخصوص احیا هستند. برخی هم فقط مخصوص صافی مو هستند. منتها اکثر کراتین مو موجود در بازار هم صافی مو و هم بازسازی مو را انجام می دهد. **۳.** اگر در نظر دارید که موهای خود را رنگ کنید باید عملیات رنگ و دکلره را قبل از کراتینه انجام دهید و پس از رنگ کردن و یا دکلره کردن موها باید ۱۰ روز به موها زمان بدهید و سپس آنها را کراتینه کنید. زیرا رنگ و اکسیدان دارای مواد قلیایی است و فلس های مو را باز می کند. در نتیجه کراتین از مو خارج می شود. **۴.** پس از عمل کراتین رنگ موهایتان دو درجه روشن تر می شود پس رنگی که می کنید دو درجه روشن تر از آن را در نظر بگیرید. معمولاً بهترین راه این است که موهایتان را قبل از کراتین یا خیلی تیره و یا خیلی خیلی روشن نمایید.

۵. برای دوام بیشتر مواد در روزهای بعد از کراتین نمودن موها از شامپوی مخصوص موهای کراتین شده و در داخل حمام از ماسک های کراتینه استفاده نمایید. ماسک موی بعد از حمام دارای کراتین-سرم دوفاز مخصوص کراتینه و روغن آرگان است. **۶.** بعد از کراتینه کردن موهایتان را تا ۴۸ ساعت نباید با گیره و یا کش ببندید. **۷.** بعد از هر بار شستشو موها، موهایتان را با دمای پایین ششوار خشک کنید زیرا ششوار کردن مو با حرارت پایین باعث افزایش عمر اثر کراتینه روی موها می شود. **۸.** بعد از کراتینه کردن موها، هنگام شستن موها را به آرامی بشویید. این سه روز موها را گاهی با شامپوی ملایم اتوکشی نمایید و هیچ ماده اضافی همچون سرم - تافت و .. به موها نزنید. **مرحله ۸:** بعد از سه روز با شامپوی بعد از کراتین موهایتان را بشویید و اگر از شامپو باقی ماند در روزهای بعد نیز از آن استفاده نمایید. نکات مهمی که برای کراتینه کردن موها باید در نظر بگیرید

در این سه روز ننیدید و روسری سر نکنید و حدالمقدور بیرون از منزل نروید تا مجبور به پوشیدن روسری شوید. در این سه روز موها را گاهی با حرارت ملایم اتوکشی نمایید و هیچ ماده اضافی همچون سرم - تافت و .. به موها نزنید. **مرحله ۸:** بعد از سه روز با شامپوی بعد از کراتین موهایتان را بشویید و اگر از شامپو باقی ماند در روزهای بعد نیز از آن استفاده نمایید. نکات مهمی که برای کراتینه کردن موها باید در نظر بگیرید **۱.** برای انتخاب بهترین مارک کراتینه مو به میزان فرمالدئید در آنها توجه کنید. فرمالین گاز محلول در آب است که به شدت مو را صاف می کند. این ماده که در نسل اول کراتین ها وجود داشت، به سرعت در هوا پخش می شود و جذب سیستم تنفسی و خون می گردد. فرمالین موجود در کراتین آسیب های جدی به دستگاه تنفسی افراد وارد میکند. برای تشخیص درصد فرمالین در روی بطری کراتین را نگاه کنید زیرا درصد

کراتینه روی موها بیشتر شود. **مرحله ۵:** پس از گذشت این مدت، مهم ترین مرحله که اتوکشی موهاست و رابطه مستقیم با نتیجه عمل کراتینه دارد را باید آغاز کنید. موها را نشویید و برای اتوکشی اصولی موها، موها را لایه به لایه در دست بگیرید و با یک اتوی سرامیکی خوب و با حرارت ۲۰۰ الی ۲۱۰ درجه، موها را به دقت و با حوصله اتوکشی نمایید.

مرحله ۶: در اتوکشی موها بخاری که از موها هنگام اتوکشی بلند می شود طبیعی است. شما باید اتوکشی هر لایه از موها را تا جایی ادامه دهید که دیگر بخاری از موها بلند نشود. هر دسته از موها را باید حدود ۷ تا ۸ مرتبه اتو بکشید و بعد از اتمام کار اتوی موها نباید موهایتان را خیس کنید. **مرحله ۷:** در این مرحله نباید به مدت سه روز حمام بروید. موها را



Pexels

اجازه بدهید ۲۰ درصد رطوبت در موها باقی بماند. سپس موها را تقسیم بندی کنید. **مرحله ۳:** کراتین را داخل کاسه رنگ بریزید و با استفاده از یک فرچه نرم و نازک موها را لایه به لایه به مواد کراتین آغشته کنید. لایه های انتخابی مو باید بسیار نازک باشند. دقت کنید از یک بند انگشت مانده به ریشه موها را با مو آغشته کنید و نباید این کار را از ریشه مو آغاز نمایید و مواد کراتین نباید به پوست سر بخورد.

مرحله ۴: بعد از اینکه محلول کراتینه را روی همه قسمت موهای خود مالیدید اگر جنس موهایتان معمولی است حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه صبر کنید و اگر موهایتان فر و زبر است حدود ۴۰ تا ۵۰ دقیقه صبر کنید تا محلول کراتینه روی موهایتان اثر بگذارد. در طول این مدت زمان نیز باید هر ۱۰ دقیقه موهایتان را از قسمت بالا به پایین شانه کنید سپس موهایتان را با کمک کلاه نایلونی ببوشانید تا اثر



Pexels

آمدن می باشد، غده هیپوفیز هورمون اکسی توسین را ذخیره می کند که باعث انقباض می شود. **ماهیهچه تعلق یا سورلتوس** این ماهیهچه در زیر عضله ساق پا قرار می گیرد و برای قدم زدن، دویدن و رقصیدن بسیار مهم می باشند، یک ماهیهچه قدرتمند در طول ساق پا وجود دارد، علت قوی بودن آن نیرویی است که ساق پا به جاذبه زمین وارد می کند و پا را ایستاده و محکم نگه می دارد. **زبان** زبان یک عضله سفت است و از گروهی از ماهیهچه ها تشکیل شده و مثل قلب، همیشه آماده بکار است. زبان در میکس مواد غذایی در دهان نقش دارد؛ این عضله باعث تکلم نیز می شود، عضله زبان شامل لوزه نیز می باشد که جرم ها را از بین می برد، حتی زمانی که انسان می خوابد، زبانش به طور مداوم بزاق را به سمت گلو هل می دهد. به عقیده ی بسیاری زبان قوی ترین ماهیهچه ی بدن انسان است اما این نظر میان دانشمندان همچنان متفاوت است.

هشتمین قهرمانی جاکوویچ در گراند اسلم استرالیا؛ تنیس باز ناشناخته آمریکایی قهرمان دختران



سوفیا کنن



نواک جاکوویچ

دختران تازه وارد ۲۱ سالگی شده و سوفیا کنن برنده گراند اسلم امسال استرالیا هم ۲۱ ساله است. کنن روز شنبه با غلبه بر گاربینه موگازو، قهرمان این رقابت‌ها شد. هیچکس انتظار نداشت او حریفان خود را یکی پس از دیگری حذف کند. سوفیا تا پیش از کسب این عنوان مهم در مکان ۱۴ رده‌بندی تنیس زنان جهان قرار داشت که حتما در رده‌بندی جدید که در روزهای آینده اعلام می‌شود به جایگاه بالاتری صعود خواهد کرد.

کنن تنیس‌باز خوش روحیه، مقاوم و جنگنده‌ای است. او روز شنبه در بازی فینال مقابل گاربینه موگازو برنده دو گراند اسلم، خوش درخشید. سوفیا ست اول را به گاربینه باخت اما در ادامه بازی با وجود تلاش و دوندگی مداوم تنیس‌باز اسپانیایی، به او مجال پیروزی نداد و ۴ بر ۶، ۶ بر ۲ و ۶ بر ۲، مبارزه فینال دختران امسال ملبورن را به سود خود پایان داد.

موگازو البته هنگام ورود به ملبورن دچار سرماخوردگی بود اما بعد از چند روز بهبود یافت و با پیروزی بر رقیبان خود وارد مرحله نهایی شد. کنن که در روسیه متولد شده در مرحله نیم نهایی اشلی بارتی تنیس‌باز ۲۳ ساله استرالیایی و نفر اول رده‌بندی جهان را از سر راه برداشته بود.

خواهی شد. جاکوویچ در ادامه صحبت‌هایش در مورد حادثه مرگ دلخراش دوستش Kobe Bryant، بازیکن معروف تیم ملی بسکتبال آمریکا و باشگاه Los Angeles Lakers در سقوط هلی‌کوپتر در کالیفرنیا و آتش‌سوزی مهیب جنگل‌ها در استرالیا اظهار تاسف کرد.

دومینیک تیم نیز پس از دریافت جایزه نفر دوم تورنمنت امسال تنیس گراند اسلم استرالیا گفت: شما و دو تنیس‌باز نامدار دیگر (نادال و فدرر) حال و هوای تازه‌ای به تنیس آورده‌اید و در واقع این ورزش پرطرفدار را تماشایی‌تر کرده‌اید.

مسابقات گراند اسلم و ملبورن، رولان گاروس، نیویورک و استرالیا در یک سال اخیر شاهد تحول چشمگیری در تنیس دختران بوده است. اگرچه چهره‌های قدیمی مانند سرینا ویلیامز، پلیسکوا، کویتوا و هالپ همچنان حریفان سرسختی به شمار می‌آیند اما تنیس‌بازان بسیار جوان از جمله کوکو گاف، نانومی اوزاکا و سوفیا کنن نشان از تلاش فدراسیون تنیس آمریکا برای گسترش این ورزش در میان دختران دانش‌آموز و دانشجو دارد.

کوکو گاف که تنها ۱۵ سال دارد، قطعاً آینده درخشانی در پیش دارد. اوزاکا نفر اول پیشین رده‌بندی

نواک جاکوویچ تنیس‌باز ۳۲ ساله اهل صربستان و نفر دوم رده‌بندی تنیس مردان جهان روز یکشنبه در مرحله نهایی گراند اسلم استرالیا با آنکه ست دوم و سوم را به دومینیک تیم تنیس‌باز ۲۶ ساله اتریشی باخت بود، در پایان مسابقه ۶ بر ۴، ۶ بر ۲، ۶ بر ۳ و ۶ بر ۴ برنده از زمین راد لیور بیرون آمد.

این هشتمین قهرمانی جاکوویچ در مسابقات ملبورن و هفدهمین پیروزی او در یک گراند اسلم بود. وی روز دوشنبه جانشین رافائل نادال، در صدر رده‌بندی تنیس‌بازان مرد جهان خواهد شد. دومینیک تیم در چهار دیدار از پنج مسابقه قبلی خود با جاکوویچ، برنده شده بود. تیم دو بار نیز مقابل رافائل نادال در فینال گراند اسلم رولان گاروس پاریس شکست خورده بود. تیم که تقریباً شش ساعت بیشتر از جاکوویچ درگیر مسابقات قبل از رسیدن به مرحله فینال بود، با وجود نمایش بسیار جالب در مجموع نتوانست به تسلط خود تا پایان این رقابت ادامه دهد.

جاکوویچ در سخنرانی خود در پایان این دیدار، بازی بسیار چشمگیر دومینیک تیم را تحسین کرد و گفت: تو امشب فاصله چندانی تا پیروزی نداشتی و تردید ندارم که در آینده نزدیک به دریافت جایزه قهرمانی نائل

دربی تهران مساوی شد: مدیران پرسپولیس برای تبلیغ قاسم سلیمانی در ورزشگاه سنگ تمام گذاشتند!



یحیی گل محمدی سرمربی پرسپولیس هم به خبرنگاران گفت: «بعد از اینکه استقلال گل دوم را به ثمر رساند، اتوبوسی دفاع کرد و این موضوع کار را برای ما سخت کرده بود... عملکرد تیمی در کل با وجود دفاع حریف، راضی کننده بود. نباید انتظار خلق موقعیت‌های متعدد را داشته باشیم.»

دربی ۹۱ حواشی زیادی داشت از جمله اینکه آن را به صحنه‌ی تبلیغات سیاسی و نظامی تبدیل کردند! گزارشگر بازی بارها اعلام کرد این دیدار به یاد قاسم سلیمانی و اصغر پاشاپور از همکاران سلیمانی که هفته پیش در سوریه کشته شد برگزار می‌شود. کمیته هواداران پرسپولیس باشگاه پرسپولیس که تعدادی از لیدرهای آن عضو بسیج و از نیروهای «مدافع حرم» هستند یکی از سکوها را به یاد قاسم سلیمانی طراحی کردند!

همچنین نیروهای انتظامی دو بازیکن استقلال (تاج) را که بین دو نیمه قصد ورود به رختکن داشتند کتک زد! عارف غلامی و سیاوش یزدانی دو بازیکن استقلال که به علت مصدومیت در فهرست تیم نبودند نیمه اول بازی را روی سکوها تماشا کردند. این دو بین دو نیمه قصد داشتند داخل رختکن بروند اما مأموران اجازه ندادند و هر دو را با باتوم زدند! عارف غلامی گفت ۴۰ مأمور سرمان ریختند و کتک‌مان زدند!



حدود ۶۰ هزار تماشاگر برای تماشای این دیدار به استادیوم آمده بودند و بعد از مدت‌ها بازی جذابی از دو تیم را شاهد بودند. استقلال (تاج) در حالی به این مسابقه رفت که در گل زدن بهترین خط حمله لیگ و پرسپولیس از نظر تعداد گل خورده بهترین خط دفاعی را داشت.

دو تیم موقعیت‌های خطرناکی روی دروازه یکدیگر ایجاد کردند. علی علیپور (۲۹) و بشار رسن (۸۹) برای پرسپولیس و ارسلان مطهری (۲۴) و ۵۳ برای استقلال گل زدند. بهترین بازیکن میدان مهدی قائدی از استقلال بود.

فرهاد مجیدی پس از پایان این دیدار در یک کنفرانس خبری گفت: «تمام بازیکنان که در استقلال هستند، خوب و با کیفیت هستند. متأسفانه این تیم سال قبل ۱۰-۱۵ بازیکن خود را از دست داد. به همین دلیل در برخی از پست‌ها ۷ بازیکن داریم اما هافبک بازی‌ساز به اندازه دو بازیکن نداریم. تیم طوری بسته شده که دست مربی بسته است.»

● فرهاد مجیدی: تیم طوری بسته شده که دست مربی بسته است.

● یحیی گل محمدی: استقلال اتوبوسی دفاع کرد. نیروی انتظامی دو بازیکن استقلال را کتک زد!

مسابقه تیم‌های پرسپولیس و استقلال (تاج) از هفته نوزدهم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال که امروز پنجشنبه ۱۷ بهمن در استادیوم «آزادی» تهران برگزار شد با نتیجه تساوی ۲-۲ خاتمه یافت.

علیرضا بیرانوند، سیدجلال حسینی، محمدحسین کنعانی‌زادگان، محمد انصاری (۵۸) - محمد نادری، مهدی شیری، کمال کامیابی‌نیا (۵۸) - بشار رسن، احمد نوراللهی، مهدی ترابی، وحید امیری، علی علیپور و کریستین اوساگونا (۷۱) - آنتونی استوکس) با هدایت یحیی گل محمدی برای پرسپولیس به میدان رفتند.

سیدحسین حسینی، روزه به چشمی، شاهین طاهرخانی، محمد دانشگر، هروویه میلیچ، وریا غفوری، علی کریمی، مسعود ریگی، فرشید باقری، مهدی قائدی (۷۶) - آرش رضاوند) و ارسلان مطهری نیز با نظر فرهاد مجیدی در ترکیب استقلال قرار گرفتند.

قلعه‌نویی انصراف داد؛ اسکوچیچ سر مربی تیم ملی فوتبال شد

درباره انتخاب وحید هاشمیان به عنوان سرمربی تیم ملی مطرح شده بود اما در نهایت مسئولان فدراسیون فوتبال در مورد حضور اسکوچیچ به جمع‌بندی نهایی رسیدند. این مربی ۵۲ ساله سابقه هدایت تیم‌های ملوان، فولاد، خونه‌به‌خونه و صنعت نفت آبادان را در فوتبال ایران دارد. تیم ملی فوتبال ایران روزهای ۷ و ۱۲ فروردین ۹۹ در چارچوب مسابقات مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر به ترتیب میزبان هنگ‌کنگ و کامبوج خواهد بود.

پس از هفته‌ها بلاتکلیفی سرانجام درآگان اسکوچیچ به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال ایران انتخاب شد و رسانه‌های داخلی، پنجشنبه ۱۷ بهمن، نوشتند که به زودی به صورت رسمی به عنوان سرمربی تیم ملی معرفی می‌شود.

مذاکرات با این مربی کروات از مدت‌ها قبل صورت گرفته بود و هم‌زمان با گزینه‌های دیگر فدراسیون فوتبال از جمله امیر قلعه‌نویی و علی دایی نیز مذاکره می‌شد. امیر قلعه‌نویی که هدایت سپاهان را به عهده دارد تمایل داشت بار دیگر سرمربی تیم ملی ایران شود اما مدیران سپاهان موافقت نکردند که با توجه به قراردادی که با این تیم دارد روی نیمکت تیم ملی بنشیند.

خبرگزاری تسنیم نوشته پیش‌نویس قرارداد اسکوچیچ آماده شده و طرفین در خصوص آخرین موارد به بحث و گفتگو می‌پردازند و قرارداد نهایی نیز به زودی به امضا می‌رسد. اگر مشکل خاصی وجود نداشته باشد، سرمربیگری اسکوچیچ تا ۲۴ ساعت آینده به صورت رسمی از سوی فدراسیون فوتبال اعلام خواهد شد. پیش از فسخ قرارداد اسکوچیچ با صنعت نفت آبادان صحبت‌هایی

● پیش‌نویس قرارداد اسکوچیچ آماده شده و قرارداد نهایی نیز به زودی به امضا می‌رسد.

● قلعه‌نویی: عذر مرا بپذیرید چون قرار نبود سربازی برای وطن حق الناسی را به گردن من بیندازد که در برابر مردم اصفهان شرمنده شوم.

پس از هفته‌ها بلاتکلیفی سرانجام درآگان اسکوچیچ به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال ایران انتخاب شد و رسانه‌های داخلی، پنجشنبه ۱۷ بهمن، نوشتند که به زودی به صورت رسمی به عنوان سرمربی تیم ملی معرفی می‌شود. مذاکرات با این مربی کروات از مدت‌ها قبل صورت گرفته بود و هم‌زمان با گزینه‌های دیگر فدراسیون فوتبال از جمله امیر قلعه‌نویی و علی دایی نیز مذاکره می‌شد. امیر قلعه‌نویی که هدایت سپاهان را به عهده دارد تمایل داشت بار دیگر سرمربی تیم ملی ایران شود اما مدیران سپاهان موافقت نکردند که با توجه به قراردادی که با این تیم دارد روی نیمکت تیم ملی بنشیند. خبرگزاری تسنیم نوشته پیش‌نویس قرارداد اسکوچیچ آماده شده و طرفین در خصوص آخرین موارد به بحث و گفتگو می‌پردازند و قرارداد نهایی نیز به زودی به امضا می‌رسد. اگر مشکل خاصی وجود نداشته باشد، سرمربیگری اسکوچیچ تا ۲۴ ساعت آینده به صورت رسمی از سوی فدراسیون فوتبال اعلام خواهد شد. پیش از فسخ قرارداد اسکوچیچ با صنعت نفت آبادان صحبت‌هایی

شینزو آبه: نمی‌گذاریم کرونا المپیک را تعطیل کند



حلقه‌های عظیم المپیک، نماد پیوند و همبستگی پنج قاره جهان در پارک دریایی اودایبا در توکیو

المپیک کشورها در تماس بوده گفته است که هیچیک از سازمان‌های دخیل در برگزاری بازی‌ها معتقد نیستند تاریخ شروع المپیک ۲۰۲۰ که روز ۲۴ ژوئیه شروع می‌شود به تأخیر انداخته شود. شینزو آبه روز چهارشنبه این هفته تأکید کرد: با مسئولان سازمان بهداشت جهانی و کمیته بین‌المللی المپیک در تماس هستیم تا اقدامات لازم را به موقع انجام دهیم و با تأثیرگذاری این ویروس بر بازی‌های المپیک مقابله کنیم. در ژاپن تا کنون ابتلای ۲۰ نفر به ویروس کرونا تأیید شده که ۱۷ تن از مبتلایان به چین سفر کرده بودند. آمریکا، بریتانیا، فرانسه و چند کشور دیگر اتباع خود را که مایل به ترک چین بودند، با هواپیماهای کرایه‌ای به کشورهای خود بازگردانده‌اند. جمهوری اسلامی نیز تصمیم داشت دانشجویان ایرانی را که در شهر ووهان تحصیل می‌کنند به ایران منتقل کند اما از قرار معلوم برخی از آنها با این کار موافقت نکرده و ترجیح داده‌اند در شهر محل تحصیل خود بمانند.

نخست وزیر ژاپن گفته است: تمام تلاش خود را انجام می‌دهیم تا ویروس کرونا شروع المپیک ۲۰۲۰ را به تأخیر نیندازد و برنامه مسابقات را مختل نکند. ویروس کرونا در حال حاضر به سرعت در سرزمین وسیع چین در حال گسترش و دادن تلفات است. بطوری که هر روز چهارشنبه بیش از ۲۰ هزار نفر در آن کشور و تعدادی نیز در دیگر نقاط دنیا این ویروس را با خود حمل می‌کرده‌اند و نزدیک به پانصد زن و مرد و دختر و پسر جوان تا روز چهارشنبه جان خود را از دست داده‌اند. برخی مسئولان کمیته بین‌المللی المپیک و کمیته‌های ملی المپیک کشورها به نخست وزیر ژاپن و مسئولان برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توصیه کرده‌اند در صورت گسترش بیشتر این بیماری آغاز بازی‌ها به تأخیر انداخته شود. سیکوهایشیموتو وزیر ورزش ژاپن که در روزهای اخیر با دست اندرکاران کمیته بین‌المللی و دیگر نهادهای بین‌المللی مربوطه و کمیته‌های ملی

نگران از پناهنده شدن؛ سفارت استرالیا به تیم ژیمناستیک ایران ویزا نداد



سعیدرضا کیخا

در روزهای اخیر از آلمان در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب جهانی داشته است. پناهندگی سعیدملایی قهرمان ایرانی جودو جهان به قزاقستان، علیرضا فیروزجا استاد بزرگ شطرنج و نوید زنگنه عضو تیم ملی کشتی آزاد و شمار دیگری از اعضای تیم‌های ملی شمشیربازی و ورزش‌های دیگر، بدتر از همه ممنوعیت رقابت ورزشکاران ایران با حریفان اسرائیلی خود، عرصه را در تمام رشته‌ها به قهرمانان تیم‌های ملی تنگ کرده است.

گفتنی است میترا حجازی پور و آتوسا پورکاشیان قهرمانان شطرنج دختران ایران نیز چند ماه پیش هنگام سفر به خارج برای انجام مسابقات از بازگشت به ایران خودداری کردند و در خارج ماندگار شدند و از این پس بدون حجاب و فشارهای دیگر که در جمهوری اسلامی رایج است، در رقابت‌های بین‌المللی حضور می‌یابند.

وزارت امور خارجه استرالیا به سفارتخانه خود در تهران دستور داده از صدور ویزا برای ژیمناست‌های ایرانی که عازم شرکت در رقابت‌های جام جهانی در آن کشور هستند، خودداری کند.

سفارت استرالیا در پاسخ به این پرسش وزارت ورزش جمهوری اسلامی که دلیل ندادن ویزا به ورزشکاران ایرانی را از آنان جویا شده فقط گفته است، به دلیل احتمال پناهندگی ورزشکاران ایرانی به آن کشور برای آنها روایت صادر نمی‌کند. سعیدرضا کیخا بهترین ژیمناست تیم ایران گفته است: دیگر تمرکز لازم برای ادامه تمرینات را ندارم.

مسئولان فدراسیون ژیمناستیک می‌گویند: سعیدرضا کیخا بخت زیادی برای انتخاب شدن در جام جهانی استرالیا برای المپیک ۲۰۲۰ دارد. سعیدرضا نیز به رسانه‌های ایران گفته است: ۲۰ سال زحمت کشیده‌ام تا به سطح کنونی در این ورزش برسم. به دلیل تمرین مدت‌ها از خانواده‌ام دور بودم و پسر سه ساله‌ام را فقط چند بار دیده‌ام. تمام این سختی‌ها را تحمل کرده‌ام تا به المپیک برسم اما عدم حضور در جام جهانی ملبورن باعث می‌شود تا شانس کمتری برای کسب سهمیه المپیک خیلی کاهش پیدا کند.

زهره اینچه درگاهی رئیس فدراسیون ژیمناستیک ایران می‌گوید: سه ماه قبل اسامی سه ژیمناست را به سفارت استرالیا در تهران داده بودیم. اما بعد از معطلی طولانی اکنون پاسخ منفی به ما داده‌اند. این در حالیست که درخواست پناهندگی کیمیا علیزاده برنده مدال برنز المپیک ۲۰۱۶ در رشته تکواندو

روزنامه آلمانی «بیلد»: مَلاها از لباس فضانوردی جعلی و بدقواره رونمایی کردند!



واکنش روزنامه آلمانی بیلد به انتشار اطلاعات جعلی توسط وزیر «جوان» جمهوری اسلامی

● **رسوایی و بلاهت وزیر ارتباطات در انتشار اطلاعات جعلی و برای تبلیغ نظام که عمدتاً هدفش طرفداران سیاسی - عقیدتی و ساده لوح خود رژیم هستند، همزمان با ادعای پرتاب ماهواره «ظفر» واکنش رسانه‌های جهان را به دنبال داشته است.**

● **«بیلد» این توثیق آذری جهرمی را «خجالت‌آور» توصیف کرد و نوشت که وزیر جمهوری اسلامی لباس کارناوال برای کودکان آمریکایی را به عنوان «نوآوری مهم مَلاها» معرفی کرده است!**

● **در بخشی از این گزارش به این نکته اشاره شده که دو تکه آرم آژانس فضایی آمریکا، ناسا، در جلوی این لباس برداشته شده و دقیقاً بجای محل پرچم آمریکا روی آستین، خیلی راحت نصب کرده‌اند!**

توثیق محمدجواد آذری جهرمی وزیر فناوری و ارتباطات جمهوری اسلامی که تصویر یک لباس کارناوال برای نوجوانان را بجای لباس فضانوردان و با هشتگ «آینده‌ی روشن» منتشر کرده، ابعاد جهانی یافته است. روزنامه پرفروش آلمانی «بیلد» با تیتیر «مَلاها لباس فضانوردی جعلی و بدقواره را رونمایی کردند»، با

قیمتی حدود ۲۰ تا ۳۰ دلار است! نکته جالب توجه این است که حتی جای برجسب‌های کنده شده از روی لباس کارناوال نیز در عکس که وزیر «جوان» منتشر کرده، مشخص است! حالا این رسوایی و بلاهت وزیر ارتباطات در انتشار اطلاعات جعلی و برای تبلیغ نظام که عمدتاً هدفش طرفداران سیاسی - عقیدتی و ساده لوح خود رژیم هستند، همزمان واکنش رسانه‌های جهان را به دنبال داشته است. روزنامه آلمانی «بیلد» در وبسایت خود یک گزارش فوری با تیتیر «مَلاها لباس فضانوردی جعلی و بدقواره را رونمایی کردند»، در رابطه با این توثیق وزیر جمهوری اسلامی منتشر کرده است.

ادامه در صفحه ۱۷

«تغییر و اصلاح» جنایات روس‌ها در کتاب‌های درسی؛ «خونریزی» و «دست‌درازی‌های همسایه‌ی شمالی» سانسور شد!



موارد «تغییر و اصلاح» یا حذف نقش تخریبی روس‌ها در تاریخ معاصر ایران

نگذشت پرچم روس‌ها در خاک آغشته به خون بی‌گناهان به اهتزاز درآمد» شده است. برکم ضمن اشاره به حذف و تغییر بخشی از محتوای کتاب درسی دانش‌آموزان درباره تجاوز روسیه به خاک ایران آن را اقدام در جهت «تطهیر» نقش این کشور در ذهن کودکان عنوان کرده است. حجت‌الاسلام علی ذوعلم رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در یک نشست خبری در پاسخ به حذف جنایات روس‌ها در ایران گفت که «عبارت حذفیات درست نیست، باید گفت تغییرات و اصلاحات که در جریان تدوین کتب درسی در دوره‌های گذشته اتفاق افتاده است.»

ذوعلم گفت: «نگاه مبنایی ما نسبت به آنچه در تاریخ اتفاق افتاده این است که جنایات روسیه تزاری قابل حذف نیست یا در دوره شوروی سابق، نوع تعامل سلطه‌گرایانه بلوک شرق را انکار نمی‌کنیم و هرگز حذف نخواهیم کرد. اگر اکنون دولت روسیه با ما همکاری و تعامل دارد به معنی صرف نظر کردن مردم از بخشی از تاریخ نیست، دستکاری در تاریخ را قبول نداریم.»

این مسئول آموزش و پرورش در قبال حذف بخش مهمی از تاریخ روابط ایران و روسیه، از خود رفع مسئولیت کرد و گفت: «در مورد روسیه در زمان مسئولیت بنده نبوده است اما در هر حال بررسی‌های لازم را انجام می‌دهیم همانطور که برخی تغییرات در کتاب‌های قبلی اتفاق افتاده بود و آن را بررسی کردیم و در مواردی اصلاحات لازم انجام شد در این مورد هم اگر بررسی کنیم و مشخص شود تغییرات غیرمنصفانه است حتماً اصلاح خواهیم کرد.»

وی با بیان اینکه مؤلف به تنهایی مسئول محتوای کتاب‌های درسی نیست گفت که این سازمان برای اعمال تغییرات در کتاب‌های درسی، «مؤلف را در جریان می‌گذارد» اما «مؤلف فقط مسئول کتاب درسی نیست و فقط در تدوین آن به ما کمک می‌کند.»

در این نشست، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همچنین از «گنجاندن توطئه‌های آمریکا در کتاب‌های درسی» خبر داد. او در پاسخ به انتقاد از حذف انتگرال در کتاب‌های ریاضی دوره متوسطه گفت: «چیزها باید در دانشگاه‌ها خوانده شوند نه در مدرسه» بعضاً انتقادهای او در این است، چرا دانش‌آموزان باید همه چیز را در مدرسه بخوانند؟ آنها باید برای زندگی آماده شوند و بتوانند گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند.»

گذشت پرچم روس‌ها در خاک آغشته به خون بی‌گناهان به اهتزاز درآمد» شده است. برکم ضمن اشاره به حذف و تغییر بخشی از محتوای کتاب درسی دانش‌آموزان درباره تجاوز روسیه به خاک ایران آن را اقدام در جهت «تطهیر» نقش این کشور در ذهن کودکان عنوان کرده است. حجت‌الاسلام علی ذوعلم رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در یک نشست خبری در پاسخ به حذف جنایات روس‌ها در ایران گفت که «عبارت حذفیات درست نیست، باید گفت تغییرات و اصلاحات که در جریان تدوین کتب درسی در دوره‌های گذشته اتفاق افتاده است.»

ذوعلم گفت: «نگاه مبنایی ما نسبت به آنچه در تاریخ اتفاق افتاده این است که جنایات روسیه تزاری قابل حذف نیست یا در دوره شوروی سابق، نوع تعامل سلطه‌گرایانه بلوک شرق را انکار نمی‌کنیم و هرگز حذف نخواهیم کرد. اگر اکنون دولت روسیه با ما همکاری و تعامل دارد به معنی صرف نظر کردن مردم از بخشی از تاریخ نیست، دستکاری در تاریخ را قبول نداریم.»

این مسئول آموزش و پرورش در قبال حذف بخش مهمی از تاریخ روابط ایران و روسیه، از خود رفع مسئولیت کرد و گفت: «در مورد روسیه در زمان مسئولیت بنده نبوده است اما در هر حال بررسی‌های لازم را انجام می‌دهیم همانطور که برخی تغییرات در کتاب‌های قبلی اتفاق افتاده بود و آن را بررسی کردیم و در مواردی اصلاحات لازم انجام شد در این مورد هم اگر بررسی کنیم و مشخص شود تغییرات غیرمنصفانه است حتماً اصلاح خواهیم کرد.»

وی با بیان اینکه مؤلف به تنهایی مسئول محتوای کتاب‌های درسی نیست گفت که این سازمان برای اعمال تغییرات در کتاب‌های درسی، «مؤلف را در جریان می‌گذارد» اما «مؤلف فقط مسئول کتاب درسی نیست و فقط در تدوین آن به ما کمک می‌کند.»

در این نشست، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همچنین از «گنجاندن توطئه‌های آمریکا در کتاب‌های درسی» خبر داد. او در پاسخ به انتقاد از حذف انتگرال در کتاب‌های ریاضی دوره متوسطه گفت: «چیزها باید در دانشگاه‌ها خوانده شوند نه در مدرسه» بعضاً انتقادهای او در این است، چرا دانش‌آموزان باید همه چیز را در مدرسه بخوانند؟ آنها باید برای زندگی آماده شوند و بتوانند گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند.»

● **بر مبنای رشته توثیق عادل برکم، علاوه بر سانسور کامل بخش‌هایی از وقایع تاریخی مربوط به روس‌ها در کتاب «ادبیات ۲» دوره متوسطه دوم، در جهت تطهیر و کم‌رنگ کردن جنایات روسیه در ایران، عباراتی چون «خونریزی»، «چشم طمع» داشتن، و جنگ نظامی روسیه با ایران بطور کامل حذف شده‌اند.**

● **حکومت ایران بنا بر سیاست‌های چاکرمابانهای خود در قبال روسیه و چین، علاوه بر تلاش برای آموزش زبان روسی و چینی به دانش‌آموزان، در عملکرد واقعی روسیه تزاری و اتحاد شوروی در ایران نیز دست می‌برد و آن را سانسور و تعدیل می‌کند تا چاکری خود به روسیه‌ی پوتین را بیشتر ثابت کند.**

در پی توثیق افشاگرانه‌ی دو آموزگار ادبیات فارسی مبنی بر حذف جنایات تاریخی روس‌ها در کتاب‌های درسی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گفت که «عبارت حذفیات درست نیست، باید گفت تغییرات و اصلاحات که در جریان تدوین کتب درسی در دوره‌های گذشته اتفاق افتاده است.» سیاست جمهوری اسلامی در قبال روسیه چاکرمابانانه است و از همین رو دست به سانسور و حذف جنایات روس‌ها در کتاب‌های درسی با هدف تطهیر روسیه در نگاه کودکان و نوجوانان زده است.

در حالی که شخصیت‌های تأثیرگذار و مهم ادبیات فارسی و فرهنگی ایران از کتاب‌های درسی به صورت مخفیانه و پنهانی حذف می‌شوند و جای آنها را امثال محسن حججی‌ها و قاسم سلیمانی‌ها می‌گیرند، حالا با افشگری دو آموزگار ادبیات فارسی در توثیق و کانال تلگرام مشخص شده، در کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم، جنایات تاریخی روس‌ها نیز در کتاب‌های مدارس حذف و سانسور شده است.

عادل برکم فعال صنفی معلمان در رشته توثیقی بر مبنای اطلاعات حسین طریقت آموزگار ادبیات فارسی، از حذف سیستماتیک و هدفمند، محتوای مربوط به جنایات روس‌ها در ایران در روابط دو کشور خبر داده است.

بر مبنای رشته توثیق عادل برکم، علاوه بر سانسور کامل بخش‌هایی از وقایع تاریخی مربوط به روس‌ها در کتاب «ادبیات ۲» دوره متوسطه دوم، در جهت تطهیر و کم‌رنگ کردن جنایات روسیه‌ی تزاری در ایران، عباراتی چون «خونریزی»، «چشم طمع» داشتن، و جنگ نظامی روسیه با ایران بطور کامل حذف شده‌اند.

انگونه که این فعال صنفی معلمان با انتشار تصاویر چاپ قدیم و جدید این کتاب درسی شرح داده، عباراتی چون «تبریز، این شهر کهن، مرکز فرماندهی خط مقدم دفاع در برابر دست‌درازی‌های همسایه شمالی ایران، یعنی روسیه بود» بطور کامل سانسور و حذف شد و جمله‌ی «جنگ سپاه روس‌ها با ما جنگ میان ارتش دو کشور نبود» در چاپ جدید به «جنگ سپاه روس با ما...» تغییر یافته است. جمله «نگاه فزون‌خواهانه و دهشتناک روس‌ها به فراتر از اینها دوخته شده بود» هم در چاپ جدید این کتاب درسی، کاملاً سانسور شده است.

در چاپ سال ۹۷-۹۸ این کتاب درسی، عبارت «سپاه روس.. مثل مور و ملخ در شهر پراکنده شدند»، جایگزین «روس‌ها مثل مور و ملخ در شهر پراکنده شدند» و عبارت «دیری گذشت که این منطقه به تصرف سپاه روس درآمد.» جایگزین «دیری

مردم شاکی از نبود کپسول گاز و نفت سفید؛ کمبود سوخت در نیروگاه‌ها و معادن؛ سوزاندن درختان برای پخت و پز و گرما

بتوانیم فقط ۱۰ درصد از مصرف انرژی خانگی گاز و برق بکاهیم، روزانه ۷۰ میلیون متر مکعب در مصرف گاز بخش خانگی صرفه جویی خواهد شد و «این به معنای آن است که شاهد عدم محدودیت و یا قطع گاز مناطق سردسیر انتهایی شبکه گاز، کاهش محدودیت گاز صنایع و کاهش مصرف سوخت مایع در نیروگاه‌ها خواهیم بود و بدون مشکل روزهای سرد پیش رو را در کشور پشت سر خواهیم گذاشت.» سخنان مصطفی رجبی مشهدی احتمال درست بودن شایعه‌هایی درباره احتمال کمبود گاز و برق تا پایان فصل سرما را قوت می‌بخشد.

این در حالیست که علی عبدی معاون امور معادن و صنایع معدنی سازمان صنعت استان تهران نیز در هفته جاری گفته است یکی از مهمترین مشکلات ۲۵۵ معدن استان تهران کمبود سوخت است بطوری که سوخت تخصیص داده شده به این معادن کمتر از میزان مصرف آنهاست. به گفته علی عبدی فرمول‌ها و اعداد و ارقام در نظر گرفته شده توسط شرکت نفت با محاسبات در بخش معدن متفاوت است و این تفاوت ارقام، ایجاد اختلال در تهیه سوخت معادن استان تهران را به همراه دارد.

به گفته معاون امور معادن و صنایع معدنی سازمان صنعت استان تهران «شرکت ملی نفت با نگرانی‌هایی که نسبت به قاچاق سوخت دارد مانع از افزایش سهمیه معادن استان تهران می‌شود و همین موضوع باعث شده است تا این معادن به ناچار نیاز خود را از طریق بازار آزاد برطرف کنند.» علی عبدی افزوده که «شرکت ملی نفت سوخت مصرفی مورد نیاز برای هر تن ماده معدنی ۳/۱ در نظر گرفته است، اما ما در وزارت صنعت دستورالعمل ابلاغی وزیر نفت متولی امر باید میزان سوخت مورد نیاز هر حوزه را تعیین کند، اما خطر وجود قاچاق باعث شده است تا با اختلال در این موضوع مواجه باشیم.»



کمبود گاز در روستاهای منطقه الموت قزوین

است؛ استانی که سیل هفته آخر دی‌ماه نیز مشکلات مردم را دوچندان و نیاز آنها به در اختیار داشتن کپسول گاز را بیشتر کرده است. اما بجز سیستان و بلوچستان در برخی نقاط دیگر ایران نیز مردم با کمبود کپسول گاز روبرو هستند. فقدان گازکشی در همسایگی دکل‌های نفتی در روستاهای پلدختر مشکلات زیادی را برای روستاییان به وجود آورده و مردم این مناطق برای گرم کردن منازل خود در فصل زمستان نیازمند نفت سفید و کپسول‌های گاز هستند که کمبود و توزیع نامناسب نفت سفید مشکلات روستاییان را دوچندان و گذران زمستان را برای آنان سخت‌تر کرده است.

در برخی روستاهای چهارمحال و بختیاری نیز مردم با وجود سرمای هوا برای فراهم کردن نفت سفید و کپسول گاز با مشکلاتی روبرو هستند. همچنین گزارش‌های مشابهی از برخی مناطق استان یزد و کرمان گزارش شده است.

کمبود و عدم توزیع سوخت کافی توسط دولت موجب شده بسیاری از روستاییان و عشایر برای تأمین گرما از چوب استفاده کنند که این موضوع به علت مضاعفی برای از میان رفتن درختان به ویژه در دامنه‌های زاگرس تبدیل شده است.

مردم در استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان هفته‌هاست از کمبود شدید کپسول گاز شکایت دارند. گزارش‌های تازه‌ای نیز از مشکل در برخی پالایشگاه‌ها و معادن به دلیل کمبود سوخت خبر می‌دهند. بسیاری از شهرها و روستاهای ایران که زیر سایه ناکارآمدی جمهوری اسلامی به شبکه گاز شهری متصل نیستند در هفته‌های گذشته و با سرد شدن هوا از کمبود و توزیع نشدن کپسول گاز در عذاب هستند. ویدئوها و تصاویر زیادی از مردمی که به امید از راه رسیدن کامیون‌های حامل گاز شهری ساعت‌ها در صفوف طولانی می‌ایستند منتشر شده است. مهمترین استانی که در هفته‌های گذشته با کمبود و نبود کپسول گاز روبرو بود استان سیستان و بلوچستان

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۵۶)

(کیهان لندن شماره ۱۳۳۷)

نازشر

احمد احرار

مستوفی کنار رفت و بار دیگر قرعه به نام مشیرالدوله افتاد. جز او، در میان رجال سیاسی ایران، کسی نبود که شایستهٔ صدارت در چنان زمان و چنان اوضاعی باشد.

مورخ الدوله سپهر، در خاطرات سیاسی خود، مشیرالدوله را چنین توصیف می‌کند: «میرزا حسن خان پیرنیا مشیرالدوله دانشمند حقوقدان و متخصص در قانون و قضا، دیپلمات روشن‌بین و مال‌اندیش، دارای ذوق تشکیلاتی و قدرت کار مستمر و ثابت مزوج به حزم و احتیاط بود. بر امیال خویش تسلط کامل داشت و در برابر مصائب عظیم خونسردی نشان می‌داد و با سرانگشت تدبیر نقشهٔ نمایندگان اجانب را خنثی می‌کرد. علاوه بر احترام به قوانین، پایبند قانون اخلاقی نیز بود. احتراز وی از اقدامی که لطمه به آزادی انتخابات وارد سازد به حد وسواس می‌رسید. اگر می‌شنید یک نفر انتخاب‌کننده در دو حوزه رأی داده بی‌اغراق لرزه بر اندامش مستولی می‌شد. فکر تعویض صندوق یا قرائت آراء مجهول و موهوم از مخیله‌اش خطور نمی‌کرد. برای قبول ریاست دولت تمایل مجلس شورای ملی را کافی نمی‌دانست و موافقت افکار عامه را از شرایط اساسی و ضروری می‌شمرد...»

با تمام این اوصاف، تندباد حوادث چنان بود که کابینهٔ مشیرالدوله را نیز درهم پیچید و به رئیس‌الوزرای قانون شناس و قانونمدار مجال قدرت‌نمایی نداد.

دکتر باستانی پاریزی در «تلاش آزادی - محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله پیرنیا» به تفصیل و تحلیل وقایع این دوره پرداخته و چنین آورده است:

«روز ۲۸ شوال ۱۳۴۱ مطابق با ۲۴ خرداد (جوزای) ۱۳۰۲ فرمان زیر بنام مشیرالدوله از طرف شاه صادر و همان روز منتشر گردید:

«چون برای خدمت مهم ریاست وزرانی وجود شخص کافی لایقی لازم بود، لذا جناب اشرف مشیرالدوله را که کمال مرحمت و اعتماد با ایشان داریم به ریاست وزراء منصوب و برقرار فرمودیم که با نهایت اطمینان به مراسم مخصوص شاهانه بانجام وظایف مشغول شوند. ۲۸ شهر شوال ۱۳۴۱»

دو روز بعد مشیرالدوله وزراری خود را بدین شرح معرفی کرد:

مشیرالدوله: رئیس‌الوزرا و وزیر داخله

سردار سپه: وزیر جنگ

مصدق السلطنه: وزیر خارجه

ذکاءالملک فروغی: وزیر مالیه

حکیم‌الملک: وزیر عدلیه

حکیم‌الدوله: وزیر علوم و اوقاف

فهییم‌الدوله: وزیر پست و تلگراف

اعتلاء السلطنه: کفیل‌وزارت داخله.

وزیر فواید عامه را قرار شد بعداً معرفی کند و عدل‌الملک به کفالت معرفی شد.

مشیرالدوله برنامهٔ کابینهٔ خود را بر اصول موازنه و حفظ مناسبات حسنه با دول متحابه و بیطرفی و تسریع در کار انتخابات و نظارت بر اجرای قوانین، خاصه بودجه‌ها، تشریح کرد.

مجلس چهارم همان روزها پایان یافت و سلیمان میرزا نمایندهٔ مجلس در آخرین روز مجلس گفت:

بحمدالله دورهٔ مجلس وقتی خاتمه می‌یابد که دولتی مثل دولت آقای مشیرالدوله که مورد اعتماد عموم وکلا و باتفاق بایانشان رأی اعتماد داده شده است در سر کار هستند و سابقهٔ خدمات ایشان در ادوار مشروطیت قابل انکار و محتاج به‌ذکر نیست...»

سپس مرحوم مدرس شرحی گفت و اظهار داشت: عقیده‌ام اینست که یکی از کارهای مهم این دوره سپردن زمام فترت است به آقای مشیرالدوله و جهت این سه نکته است، مگر عرض کرده‌ام رجال مملکت ما هر کدام برای یک موقعی خوب هستند بعقیدهٔ من و تمام آقایان، رئیس‌الوزراء حالیه برای این موقع بلاظطییر است، سه مسأله بود: یکی بیطرفی مشارالیه در انتخابات،

یکی بیطرفی در سیاست خارجه که در زمان فترت و غیبت مجلس فوق‌العاده اهمیت دارد، یکی تسریع در افتتاح دورهٔ پنجم. و با این سه اصل است که به‌عقیدهٔ من و آقایان، سپردن زمان فترت به‌ایشان یکی از کارهای خوب بوده است.

درین جلسه مشیرالدوله حضور نداشت و فروغی از وکلا تشکر کرد. شاه از قدرت سردار سپه نگران است و در نهانی می‌کوشد خود را از چنگ او خلاص کند، توسل به مستوفی و مشیرالدوله برای ریاست وزراء به‌همین منظور بوده است.

احمدشاه به‌فکر افتاد که با اعزام ولیعهد به آذربایجان (۲۵ سرطان ۱۳۰۲) مرکز قدرتی در برابر سردار سپه ایجاد کند. دولت‌آبادی می‌گوید: «ماه محرم رسیده است و در ادارهٔ قشونی روضه‌خوانی می‌کنند، شاه به‌ملاحظهٔ سردار سپه به مجلس روضه‌خوانی نظامیان آمده است، سردار سپه هم با مشیرالدوله رئیس‌الوزراء اندکی دورتر نشسته است.

شاه به رئیس‌الوزرا گفته بود بی‌اطلاع سردار سپه، فرمان حکومت آذربایجان ولیعهد را صادر کنند. فرمان صادر می‌شود و به‌صحنه شاه می‌رسد و وزیر داخله به آذربایجان تلگراف می‌کند

و ولیعهد آمادهٔ مسافرت می‌شود (قدش این بوده در آنجا با رؤسای عشایر بند و بست تشکیل بدهد). شاه برای خداحافظی از ولیعهد از مجلس روضه خارج می‌شود، بدیهی است سردار سپه می‌داند شاه کجا می‌رود و برای چه می‌رود، اما هیچ به‌روی خود نمی‌آورد و خودداری می‌کند...

در آن دم آخر که ولیعهد می‌خواهد روانه شود، هیأت دولت را تهدید کرده ناراضی خود را به مسافرت او، به شاه و به وزراء می‌رساند و کوشش بسیار شاه و ولیعهد و هیأت دولت در اجرای فرمان و فرستادن ولیعهد بکلی بی‌نتیجه مانده و ولیعهد با نهایت خفت نقل مکان کرده به‌خانهٔ خود برمی‌گردد... شاه، بعد از این از سردار سپه گله می‌کند و می‌گوید شما ولیعهد را از رفتن به آذربایجان منع کردید، سردار سپه جواب می‌دهد

اعلیحضرت هم در صدور فرمان حکومت آذربایجان ولیعهد با من مشورت نکردید والا عرض می‌کردم صلاح نیست!»

با مقدماتی که مرد قوی ایران تهیه می‌دید و آرزوهایی که در سر می‌پروراند معلوم بود که کابینهٔ قانونی و اصول‌پرست مشیرالدوله در دوامی نخواهد کرد، برای این که آرزوهای بزرگ عملی شود این فرمانده هوشیار می‌دانست که باید تمام قوا را روی این موضوع تمرکز داد و حتماً تمام یا بیشتر نمایندگان دورهٔ پنجم را از اشخاص صالح یعنی موافق و مطیع انتخاب نمود و این کار با بودن شخصی مثل مشیرالدوله در رأس دولت آسان نیست، پس باید مشیرالدوله را انداخت.

به‌قول خواجه‌نوری یک راه ساده وجود داشت و آن حیثیت دوستی و همان جنت‌مکانی خود مشیرالدوله بود؛ چرا به‌همین راه وارد نشوند؟ برای کسی که تمام عمر جز احترام و مقام ارجمند در خود ندیده کافی است که کوچکترین اهانت یا فقط تهدید اهانتی او را از میدان بدر ببرد. سردار سپه همین کار را کرد و با یکی دو پیغام (که بعداً هم آنها را سوءتفاهم نام نهاد) مشیرالدوله را از میدان در برد و او را وادار به تقدیم استعفا نمود.

دولت‌آبادی گزارش این روزها را چنین می‌نویسد:

«سردار سپه به‌سمت وزارت جنگ گاه‌گاه در هیأت وزراء حضور می‌یابد برای دادن دستورهایی به آنها، و مجبور هستند هرچه امر کند، اطاعت نمایند.

مشیرالدوله در طلبهٔ دستور ریاست از روی اساس مشروطیت، اول وظیفهٔ خود دانسته است در صورتی که برای او اختیاری نیست و هر ساعت در

تهدید وزیر جنگ و فرماندهٔ کل قوا است. روزی امیر اقتدار محمودخان انصاری، که گاه‌گاه به‌نیابت و نمایندگی از طرف وزیر جنگ در هیأت وزرا حاضر می‌شود، به‌دستور وزیر جنگ با مشیرالدوله در هیأت خشونت می‌کند و به او می‌فهماند که باید کناره‌گیری نماید.»

مشیرالدوله که عمری را به‌نیکنامی و عزت نفس و با حفظ پرستیژ گذرانده بود، مسلماً حاضر نبود خشونت‌های وزیر جنگ خود را تحمل کند، علاوه بر آن موقعیت را چنان می‌دید که کلیهٔ اختیارات در دست وزیر جنگ است و هیچ نقطهٔ اتکالی که بتوان قانون را با آن حفظ کرد وجود ندارد، حیثیت دوستی او و حفظ آبروی وزرایش بیش از هر چیز مورد علاقه‌اش بود. البته چنین شخصیتی وقتی که ببیند کار به جایی برسد که پاچه و ران حوالهٔ وزیر را از وزراری کابینه داده شود، برای او بس ناگوار می‌آید.

او با کمال شهامت گفت که حاضر نیست با وزیر او بدین نهج گفتگو شود و سپس از جلسهٔ هیأت دولت خارج شد و تصمیم به استعفا گرفت.

در اینجا مورد دیگری نیز پیش آمد که مشیرالدوله آن را مستقیماً تهدیدی برای خود دید و آن توقیف قوام‌السلطنه بود. سردار سپه چوب را که بید زد که چنان بلرزاد! بدین معنی که روز ۲۷ صفر ۱۳۴۲ (۱۶ میزبان ۱۳۰۲) قوام‌السلطنه را توقیف کرد (به‌اتهام توطئهٔ قتل سردار سپه). مخالفین سردار سپه مرعوب شده و کابینهٔ مشیرالدوله مقاومت خود را در برابر تهدیدات وزیر جنگ از دست داد. سردار سپه پس از دستگیری قوام به‌وسیلهٔ یکی دو نفر از امرای لشکر، رئیس‌الوزرا و برخی از وزراری دیگر را تهدید کرد که اگر استعفا ندهند چنین و چنان خواهیم کرد، و بر اثر همین تهدیدات هم کابینهٔ مشیرالدوله تصمیم به استعفا گرفته قبل ازظهر روز ۲۹ میزبان ۱۳۰۲ خورشیدی برابر ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۴۲ قمری (۲۲ اکتبر ۱۹۲۹) در قصر صاحبقرانیه به حضور شاه رفته استعفانامهٔ خود را تقدیم کرد.

گر فلک یک صبحدم با من گران باشد سرش شام بیرون می‌روم چون آفتاب از کشورش

روز سه‌شنبه ۲۰ میزبان ۱۳۰۲ از طرف سلطان احمدشاه به‌وسیلهٔ تلفن، مشیرالدوله به دربار صاحبقرانیه احضار شد، ولی مشیرالدوله در منزل روز نشان نداد؛ در جواب تلفن می‌گویند از منزل خارج شده است. مجدداً از دربار و هیأت وزرا استعلام می‌شود که آیا مشیرالدوله آمده است یا خیر؟ جواب داده می‌شود که به دربار هم نیامده است. شاه از این پیش‌آمد نگران شده یکی از نزدیکان و محارم خود را مأمور می‌کند که فوراً به شهر آمده مشیرالدوله را ملاقات کرده و او را هر طوری هست حاضر نماید که تا موقع افتتاح مجلس شورای ملی عهده‌دار ریاست وزرا شده به کار ادامه دهد. ولی مشیرالدوله زیر بار نرفت.

سایر رئیس‌الوزرای سابق هم که طرف اعتماد شاه بودند قبول نمی‌نمایند.

در این وقت بود که احمدشاه به‌قول افضل‌الدین کرمانی چون دید که «میدان عمل از مبارزان کفایت خالی است و صدر وزارت از مبارزان سیادت عاقل»، ناچار به ریاست وزرایی سردار سپه تن داد.

بدین طریق به‌قول مرحوم هدایت: «سردار سپه که طبعاً صاحب عزم و رأی قوی بود، عذر مشیرالدوله را خواسته خود کابینه تشکیل داد...» و به‌روایت مرحوم بهار:

«مشیرالدوله پیرنیا را از پشت میز ریاست وزرا عذر خواستند و خود زمام امور را به‌دست گرفتند.» این وقایع در ۶ آبان ۱۳۰۲ (ربیع‌الاول ۱۳۴۲) یعنی قریب چهار ماه بعد از زمامداری مشیرالدوله بود، و این آخرین زمامداری اوست.»

«ادامه دارد»

تأملات بهنگام؛ «هامون»، سی سال بعد؛

خست: زمینه تاریخی

دگراندیشان داخلی، محصول این تخم درآمده با «مهاجر»اش، به مدد دوپینگ و حمایت ارباب قدرت، سودای رقابت و عرض‌انداز در بازی بزرگان را داشت. همچنین در اتفاقی نادر، سه کارگردان زن- رخشان بنی‌اعتماد، پوران درخشنده و ته‌مینه میلانی- با فیلم‌های قابل قبول («پول خارجی»، «عبور از غبار» و «بچه‌های طلاق») در بخش مسابقه سینمای ایران حضور داشتند.

جوایز اصلی جشنواره آن سال اما میان «هامون» و «مهاجر» تقسیم شد و باقی فیلم‌های نامبرده- بجز «مادر» که دو جایزه برای بازیگران نقش اول زن (رقیه چهره‌آزاد) و نقش دوم مرد (اکبر عبدی) گرفت- دست خالی از این رقابت دولت‌فرموده بازگشتند. اینکه چرا جوایز آن سال اینگونه تقسیم شد، قدری دربرتر در ادامه این سلسله مطالب خواهد آمد اما پیش از آن، اشاره به زمینه تاریخی که آن

سال ۱۳۶۸، شروع دورانی جدید از بازی مردم فریبی در تاریخ جمهوری اسلامی است. روزهای نخست فروردین این سال با عزل حسینعلی منتظری از قائم‌مقامی رهبری شروع شد و دو ماه پس از آن واقعه، روح‌الله خمینی به لقاءالله متصل گردید. اکبر رفسنجانی و علی خامنه‌ای، به اشتراک، امور کشور را در دست گرفتند و به تلویح و تصریح، شکل جدیدی از حکومت‌ورزی در نظام جمهوری اسلامی را به باشندگان ایرانزمین، نوید دادند.

دوم و دستگاه رهبری جدید کشور، برای سوارِ امور شدن، به زمان و ظاهر سازی مفصلی نیاز داشت و از این رو، قدری گشایش‌های فرهنگی در سیاست‌های فرهنگی حکومت را برای نیل به این مقصود، لازم دید. «وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی» به زعامت سیدمحمد خاتمی و «سازمان صداوسیما» به ریاست محمد هاشمی (برادر کوچک رفسنجانی)، دو بازوی اجرای این فریبکاری جدید بودند.

این گشایش‌های فرهنگی در سیاست‌های فرهنگی حکومت را برای نیل به این مقصود، لازم دید. «وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی» به زعامت سیدمحمد خاتمی و «سازمان صداوسیما» به ریاست محمد هاشمی (برادر کوچک رفسنجانی)، دو بازوی اجرای این فریبکاری جدید بودند. بر اساس این سیاست‌های جدید «فرهنگی»، دامنه سانسور و سرکوب در فعالیت‌های فرهنگی، چندی، کاهش یافت و بسیاری از اصحاب فرهنگ و هنر که سال‌ها از فعالیت فرهنگی محروم بودند و از مشاغلی مثل مسافرت‌کشی، منشی‌گری، آجیل‌فروشی، دلالی اتومبیل، قالی‌فروشی، قنادی و حتی دستفروشی نان می‌خوردند، موقتاً اجازه بازگشت به شغل سابق فرهنگی خود را پیدا کردند.

این گشایش موقت که تا سال ۱۳۷۱ ادامه پیدا کرد، با جافتادن خامنه‌ای در جایگاه ولی‌فقیه و تصمیم او برای سوا کردن خرج‌اش از به‌اصطلاح «چپ‌ها» و «لیبرال‌های دور و بر رفسنجانی، دوباره تغییر کرد. میان سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱، به مرور جنگ قدرت فراگیری بین دو جناح چپ و راست نظام جمهوری اسلامی در گرفت که در نهایت به حذف موقت چپ‌گرایان از هر سه قوه نظام سیاسی کشور منجر شد. پروژه «مقابله با تهاجم فرهنگی» و متعاقب آن «قتل‌های زنجیره‌ای»

فخرالدین انوار (معاون سینمایی خاتمی در آن دوره)، همراه زیردستش سیدمحمد بهشتی شیرازی (مدیرعامل وقت «بنیاد سینمایی فارابی») سال‌ها برای عمل آوردن چنین معجونی به این در و آن در زده بودند و همه جور ترغیبی را- از اکران مستمر فیلم‌های تارکوفسکی و پاراجانف در سینماهای دولتی گرفته تا تأمین بودجه برای ساختن مشابه‌های وطنی عرفونی چنین آثاری- برای نیل به این مقصود، امتحان کرده بودند. برخی از زندان اهل هنر هم که طی آن سال‌ها دندان‌های این دو مدیر کذا را شمرده بودند، راه به راه فیلمنامه‌های عرفونی روی میز آنها می‌گذاشتند و بابت ساخت فیلم‌های جنگ‌بی‌مخاطب، بودجه‌های میلیونی می‌گرفتند.

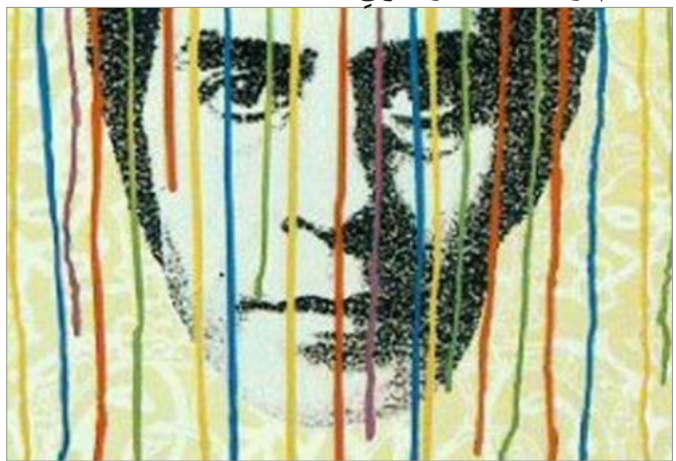
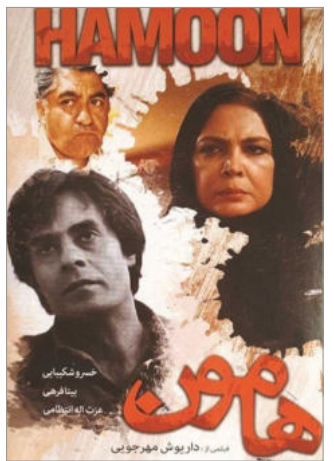
سال ۱۳۶۸ خورشیدی، برای ساختن معجون مورد نظر مدیران وقت سینمای کشور، فرصت مناسبی دست داد و به قول اهل منطق: «مقتضی موجود و مانع مفقود» شد.

گشایش نسبی فضای فرهنگی که ناشی از مرگ خمینی و نورسیدگی دستگاه رهبری جدید جمهوری اسلامی بود، به سینماگران کاربلد ایرانی مجال داد تا هر کدام- آگاهانه یا ناآگاه، خواسته یا ناخواسته- در این عرصه طبع‌آزمایی‌کنند. آنکه اما تمامی قابلیت‌ها و منابع تولید معجون مورد نظر مدیران وقت سینمای دولتی ایران را داشت، داریوش مهرجویی بود که به پیروی از منش زندانه و پادشاهانه رفیقش عباس کیارستمی، پا به وادی عرفون بازی گذاشت و با ساختن «هامون»، معجونی فراتر از انتظار این مدیران و نوجه‌های فرهنگی‌شان، در

ویرترین اولین جشنواره «فجر» پس از خمینی، قرار داد.

نشانه‌های این شگفتی را حتی می‌توان در بیانیه پایانی هیأت داوران جشنواره فجر ۱۳۶۸ به وضوح دید: «... سه سال پیش یکی از فیلمسازان ایران که از پیشاهنگان سینمای هوشمند ایران است در فیلم خود پریشی فراروی دیگر سینماگران و هنرمندان نهاد که بغایت ساده و به نهایت بنیادین بود. پریشی که نفس طرح آن در سینمای ایران نشان دیگری بود از تنفس فیلمسازان در فضای معصوم و عطرآگینی که به برکت جهاد صادقانه‌امت بر پهنه میهن اسلامی سایه افکنده است، پریشی که همیشه ستون فقرات هنر دینی بوده است: خانه دوست کجاست؟

ادامه در صفحه ۱۷



فخرالدین انوار (معاون سینمایی خاتمی در آن دوره)، همراه زیردستش سیدمحمد بهشتی شیرازی (مدیرعامل وقت «بنیاد سینمایی فارابی») سال‌ها برای عمل آوردن چنین معجونی به این در و آن در زده بودند و همه جور ترغیبی را- از اکران مستمر فیلم‌های تارکوفسکی و پاراجانف در سینماهای دولتی گرفته تا تأمین بودجه برای ساختن مشابه‌های وطنی عرفونی چنین آثاری- برای نیل به این مقصود، امتحان کرده بودند. برخی از زندان اهل هنر هم که طی آن سال‌ها دندان‌های این دو مدیر کذا را شمرده بودند، راه به راه فیلمنامه‌های عرفونی روی میز آنها می‌گذاشتند و بابت ساخت فیلم‌های جنگ‌بی‌مخاطب، بودجه‌های میلیونی می‌گرفتند.

سال ۱۳۶۸ خورشیدی، برای ساختن معجون مورد نظر مدیران وقت سینمای کشور، فرصت مناسبی دست داد و به قول اهل منطق: «مقتضی موجود و مانع مفقود» شد.

گشایش نسبی فضای فرهنگی که ناشی از مرگ خمینی و نورسیدگی دستگاه رهبری جدید جمهوری اسلامی بود، به سینماگران کاربلد ایرانی مجال داد تا هر کدام- آگاهانه یا ناآگاه، خواسته یا ناخواسته- در این عرصه طبع‌آزمایی‌کنند. آنکه اما تمامی قابلیت‌ها و منابع تولید معجون مورد نظر مدیران وقت سینمای دولتی ایران را داشت، داریوش مهرجویی بود که به پیروی از منش زندانه و پادشاهانه رفیقش عباس کیارستمی، پا به وادی عرفون بازی گذاشت و با ساختن «هامون»، معجونی فراتر از انتظار این مدیران و نوجه‌های فرهنگی‌شان، در

ویرترین اولین جشنواره «فجر» پس از خمینی، قرار داد.

نشانه‌های این شگفتی را حتی می‌توان در بیانیه پایانی هیأت داوران جشنواره فجر ۱۳۶۸ به وضوح دید: «... سه سال پیش یکی از فیلمسازان ایران که از پیشاهنگان سینمای هوشمند ایران است در فیلم خود پریشی فراروی دیگر سینماگران و هنرمندان نهاد که بغایت ساده و به نهایت بنیادین بود. پریشی که نفس طرح آن در سینمای ایران نشان دیگری بود از تنفس فیلمسازان در فضای معصوم و عطرآگینی که به برکت جهاد صادقانه‌امت بر پهنه میهن اسلامی سایه افکنده است، پریشی که همیشه ستون فقرات هنر دینی بوده است: خانه دوست کجاست؟

ادامه در صفحه ۱۷

ادامه در صفحه ۱۷

ادامه در صفحه ۱۷

ادامه در صفحه ۱۷

ادامه در صفحه ۱۷

ادامه در صفحه ۱۷

ادامه در صفحه ۱۷

ادامه در صفحه ۱۷

احمدی: حالا لطفاً خاطراتتان را بعد از آزادی از زندان بفرمایید.

طاهری: برای نخستین بار بعد از دو سال به ملاقات و دیدار دو پسر من و انوشه و خسرو - هر دو هفته یک بار اجازه ملاقات داشتیم - به زندان اوین رفتم. بعد از آزادی از زندان مدتی مشغول معالجه‌ام شدم و قبلاً گفتم که دوستان پسر من دکتر عباس چه محبت‌هایی به من کردند و واقعا توانستم با یاری آنان سلامتی‌ام را به دست بیاورم. انوشه و خسرو را بعد از دو سال ۱۳۶۴ از زندان اوین به زندان گوهردشت منتقل کردند. من بعد از آزاد شدن از زندان برای آزادی انوشه و خسرو از زندان دست به کار شدم. یک معممی بود به نام حسنی و موقی که در تعاونی فعالیت داشتیم، با هم آشنا شده بودیم و گاهی هم ناهار می‌آمد پیش من و با هم غذا می‌خوردیم. تیپ خوش فکری بود و هیچوقت هم وارد دستگاه جمهوری اسلامی نشده بود. او کسی بود که با بهشتی، باهنر و گلزاده غفوری در تدوین کتابهای درسی دینی مدارس قبل از انقلاب همکاری داشت. او یک نامه‌ای نوشت به یک معلم دوستش بود به نام خلخالی - البته این آخوند خلخالی با آن آخوند صادق خلخالی متفاوت است - و رفته منزلش. وقتی رسیدیم در منزلش، دیدم مجلس ترحیم است و معلوم شد که این مجلس به خاطر پسرش هست که در جبهه جنگ کشته شده بود. دیدم فعلا جای طرح این مسأله و دادن آن نامه نیست. چند هفته‌ای صبر کردم و رفتم مسجد دارالسلام واقع در خیابان بوذرجمهری شرقی. دیدم دارند نماز می‌خوانند و او هم پیش‌نماز آن مسجد بود. وقتی نمازشان تمام شد و او داشت از مسجد بیرون می‌آمد، سلامی کردم و نامه را به او دادم. نامه را باز کرد و بعد گفت: «چرا اینجای آمدی؟» یک لحظه به فکرم رسید و در جوابش گفتم: «جد من هم همیشه در مسجد به شکایات و خواسته‌های مردم رسیدگی می‌کرد.» دیدم از این جواب خوشش آمد و بعد گفت: «پس فردا بیاید خیابان معلم» و آدرس آنجا را داد. پس فردا به همان آدرسی که داده بود که محل دادسرای انقلاب بود، مراجعه کردم.

حدود ۴ - ۳ ساعتی در آنجا منتظر ماندم تا اینکه به اصطلاح مرا احضار کند. در آنجا برایم معلوم شد که او در رده‌های بالای دستگاه قضایی جمهوری اسلامی است و خیلی به اصطلاح تحویلش می‌گرفتند. وقتی مرا به اطاق احضار کرد، معلوم شد که پرونده پسرانم را قبلاً خواسته بود و آنها را خوانده. پس از وارد شدن به اطاق، رو به من کرد و گفت: «آقای طاهری! پسران شما وضعیتشان خیلی بد است. شما باید بروید و آنها را نصیحت کنید.» گفتم: «حاج آقا! اینها مردان ۲۵ - ۳۰ ساله و انسانهای بالغی هستند، من چه نصیحتی دارم که به اینها بکنم؟» در جوابم گفت: «همین! باید نصیحتشان بکنید تا خوب بشوند.»

یک بار از مجید انصاری که آن موقع نماینده آیت‌الله منتظری شده بود و موقعیت مهمی پیدا کرده بود و قبلاً درباره آمدنش به زندان گفتم، از او تقاضای وقت ملاقات کردم. بعد از مدتی به من وقت داد و روزی رفتم به دیدنش. گفتم: «هفت پسر دارم و فعلا تنها یک پسر کوچکم در منزل است. دو پسر در زندان هستند و خودم دو سال در زندان بودم و با شما هم یک بار در زندان صحبت کردم.» قدری فکر کرد و سرش را انداخت پایین و اسم مرا نوشت و گفت: «حالا شما بروید، باید وضع آنها را بررسی کنیم.» بعدا برای من معلوم شد که نتیجه بررسی او هم مانند همان آخوند خلخالی است و دیگر پاسخی به من ندادند.

● بعد از آزاد شدن از زندان از نظر کسب و کار و فعالیت در این زمینه چه وضعیتی داشتید؟
- قبلاً گفتم که با رفتنم به زندان، همه چیز زندگی شغلی و مالی‌ام از هم پاشیده شد. من قبل از رفتن به زندان در رابطه با کارم، از عده‌ای طلبکار بودم و به عده‌ای هم بدهکاری داشتم. حالا که از زندان بیرون آمده بودم، کسانی بودند که قبلاً به من جنس داده بودند و طلبکاری داشتند. اینها

سرنوشت رضا طاهری و فرزندان بخشی از پرونده جنایت زندان و زندانیان را در دوران خمینی تشکیل می‌دهد. جنایاتی که با قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به اوج خود رسید.
رضا طاهری، متولد سمنان در سال ۱۳۰۲ که از جوانی به حزب توده پیوست و تقریباً تمام زندگی خود را وقف مبارزه در راه آرمانها و هدفهای حزبی کرد، مانند بسیاری از هم مسلکانش بیشترین رنجها را در دوران بعد از انقلاب متحمل شد. زمانی که به گمان او و آرمانخواهانی چون او با یک رویداد انقلابی، تاریخ ایران به نفع طبقه رنجبر و زحمتکش ورق خورده و آرزوی دیرینه طرفداران حکومت خلقی تحقق پذیر شده بود. در این دوره است که رضا طاهری و فرزندانش طعم زندانیهای انقلاب را می‌چشند و پسر جوانش «انوشه» در کشتار بزرگ سال ۶۷ قربانی سر پرشور و خوی آرمانجوی خود می‌شود.

در مقدمه کتاب، دکتر حمید احمدی می‌نویسد: «کتابی که در دست دارید، خاطرات آقای رضا طاهری است. این کتاب، ششمین کتاب خاطرات است از مجموعه ۵۵ خاطرات که تا کنون گردآوری کرده‌ام

می‌آمدند و سندشان را نشان می‌دادند و پولشان را می‌گرفتند و یا مثلاً بانک پولش را می‌خواست. رفتم به گرمسار و زمینی در آنجا داشتیم، فروختم و جوابشان را دادم. اما بدهکاران حتی یک نفر هم به سراغم نیامد و عملاً نتوانستم به جز از یکی دو نفر، طلبم را وصول کنم، در حالی که عده‌ای از اینها در طول همین ۳ - ۲ سال ثروتهای عجیب و غریبی به هم زده بودند. حال که این صحبت پیش آمد، خاطره‌ای را برایتان به عنوان یک نمونه از این بدهکارها نقل کنم:

قبل از افتادنم به زندان، برحسب مورد، تحصیلدار من می‌رفت و از کسانی که مرغ به آنها فروخته بودیم، سر موقع می‌رفت و پولها را جمع می‌کرد. چند روزی قبل از زندانی شدنم بود که تحصیلدارم رفته بود از مغازه‌ای که به او مرغ داده بودیم،

فروشی را که تعطیل کرد، رفت مدتی توی بازار حاجب الدوله شاگرد مغازه بلورفروشی و چینی فروشی شد. بعد از مدت کوتاهی، خودش چم و خم کار را یاد گرفته و الان در بازار حاجب الدوله یک مغازه بزرگ بلور و چینی فروشی دارد.» گفتم: «در این مدت کوتاه با بلورفروشی میلیاردر شد؟» گفت: «آقای طاهری! در همین ۳ - ۲ سالی که شما نبودید، نمی‌دانید توی این بازار تهران چه اتفاقی افتاده، مثلاً همین رضا، صندوق نعلبکی می‌خرد هر عدد ۱۰۰ تومان و از آن دست می‌فروخت ۱۳۹ تومان. توی این مدت با انواع احتکارها یک عده‌ای توی این بازار تهران، ثروت‌های باورنکردنی به جیب زدند. رضا الان چهار تا خونه داره و برای دخترش ماشین آخرین مدل خریده.»

حال، شما ببینید بلور و چینی که

خاطرات رضا طاهری در گفتگو با حمید احمدی (۶)

آخرین دیدار با پسر من که در کشتار بزرگ سال ۶۷ اعدام شد

انوشه به من گفت: «ما تصمیم خودمان را گرفتیم» و از آن پس دیگر ندیدمش تا روزی که خبر دادند بیاید لباسهای پسران را تحویل بگیرید!

گذر از کوههای سرهر (۶)



سه نسل از فعالان سیاسی و فرهنگی اپوزیسیون ایران در قرن بیستم - که به چاپ می‌رسد. راوی متولد سمنان در سال ۱۳۰۲ و از اوایل دهه ۱۳۲۰ از مسئولین جنبش دهقانی در گرمسار و روستاهای اطراف آن بوده است.

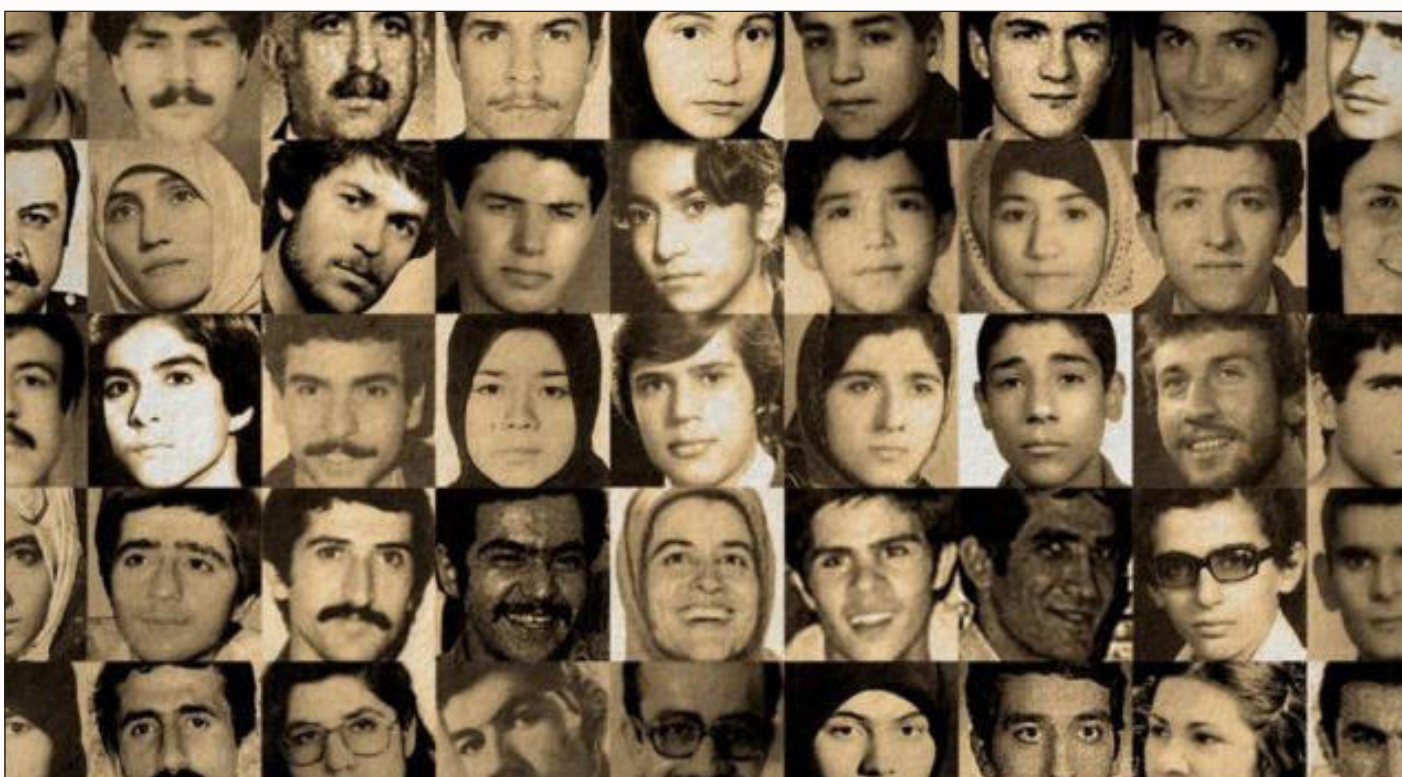
زمینه‌شنایی و سپس گفتگوی من با آقای رضا طاهری برای ضبط خاطراتشان توسط فرزند ایشان آقای دکتر عباس طاهری در برلین فراهم آمد. این گفتگوی ۹ جلسه‌ای از تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۸۰ تا ۲۰ مهر همان سال در ۱۵ ساعت فیلم ویدئویی ضبط گردیده است. آقای طاهری در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۸۵ در تهران درگذشت.

از این کتاب، ما بخشی را که مربوط به بگیر و ببند توده‌ایها در سال ۱۳۶۲ و ادامه ماجرا تا کشتار بزرگ سال ۱۳۶۷ می‌شود برای صفحه «خاطرات و تاریخ» برگزیده‌ایم که در چند شماره خواهید خواند.

یادآور می‌شویم که حمید احمدی خود یکی از قربانیان این بگیر و ببند بود و اگر موفق به فرار نمی‌شد، او نیز سرنوشتی چون درباردار افضلی پیدا می‌کرد.

روز، دیگر ملاقاتها قطع شد و در زندانها بسته شد و ارتباط زندانها را با بیرون قطع کردند.

● در روز ۲۹ تیر ۱۳۶۷ پذیرش این قطعنامه را اعلام کردند. از آخرین گفتگویتان با انوشه چه اطلاعی از وضعیت آن روز زندان به دست آوردید؟
- ما دو نفر زندانی داشتیم، در آخرین روز ملاقات، خسرو را آوردند ولی دیدیم که انوشه نیامده است. نگران شدیم، یک پاسداری آنجا بود و از آنجایی که در طول سه سال به ملاقات رفته بودیم، دیگر خوب ما را می‌شناخت. چند دفعه هم تأکید می‌کرد که به چه‌هائیت بگو تند نروند. آن روز دیدم آن پاسدار پیدایش شد و رفتم پیشش و گفتم: پسر من انوشه را نیاوردند. گفت: نیاوردند؟ خب الان می‌رم می‌آرمش. آن پاسدار رفت و بعد از مدتی دیدم انوشه با آن پاسدار دارد می‌آید. حدود



برخی از قربانیان کشتار ۶۷

توده بودم ولی مذهب را قبول دارم. من از نظر خط اقتصادی حزب توده را قبول داشتم.

● بعد از قطع شدن امکان ملاقات، اولین اطلاعی که از وضعیت زندان و زندانیان به دست آوردید، چند وقت بعد از آخرین ملاقاتتان بود؟

- بیش از یک ماه از آن تاریخ گذشت، روزی یکی از آشنایانم با همسرش به مرغداری من آمدند برای یک دیدار خیلی عادی. من هم از آنان در دفترم پذیرایی کردم. در بین صحبت‌ها، از من پرسیدند: آقای طاهری از زندانی‌ها چه خبر؟ گفتم، بیش از یک ماه است هیچ اطلاعی ندارم و ملاقات هم نمی‌دهند. در آخرین ملاقاتی که داشتیم، مسئولین زندان گفتند دیگر شما نیاید تا بعدا به شما اطلاع بدهیم. فکر می‌کنم، دارند تغییراتی در زندان می‌دهند. پس از

جزء نیازهای ضروری و اولیه مردم نیست، آدمهایی در بازار حتی از این طریق چنین ثروتهایی به جیب زدند. اینها مخصوصاً در زمان جنگ، یک بازار کاذب، بازار محتکران و گرانفروشان و هر اسم دیگری که به آن بدهیم، ایجاد کردند.

● حدود سه سال بعد از آزادی‌تان از زندان، مصادف می‌شویم با فاجعه کشتار بزرگ زندانیان سیاسی و در تابستان ۱۳۶۷، آخرین ملاقات شما در زندان گوهردشت با انوشه و خسرو در چه تاریخی بوده؟

- ما هر دو هفته یک بار می‌رفتیم به زندان گوهردشت و ملاقات داشتیم. آخرین ملاقاتی که با انوشه و خسرو داشتیم، درست فردای آن روزی بود [یعنی ۲۰ تیر ۱۳۶۷] که خمینی قطعنامه آتش بس را پذیرفت و گفت که جام زهر را سر کشیده. بعد از آن

آن او متوجه شد که من کاملاً از وضع زندانیان بی‌اطلام. او گفت: خبری به دست آورده که در زندانها دارند مجاهدین را نابود می‌کنند. بعد، یواش، یواش شروع کرد به گفتم اینکه چپ‌ها را هم دارند می‌کشند. در جوابش گفتم: «چنین چیزی ممکن نیست.» آنها در آن روزها از جایی به این خبر دست پیدا کرده بودند. بعد از آن با خیلی از دوستان و آشنایان که فرزندانشان زندانی بودند، تماس گرفتم، هیچکس از وضع زندان و زندانیان خبر نداشت. از چنین مطلبی هم که من شنیده بودم، بی‌خبر بودند و باور نمی‌کردند، همانطوری که من باور نکردم. به هر حال، علیرغم قطع شدن ملاقاتها و با شنیدن آن خبر، اصلاً کوچکترین تصویری از این که روزی بچه‌ها به چنین سرنوشتی ممکن است دچار بشوند و بورش ببرند و بدون محاکمه و به این شکل دست به جنایت و قتل عام بزنند، بدون اینکه مردم کوچکترین اطلاعی از آن داشته باشند، نداشتم.

واقعا یک لحظه هم نمی‌توانستم باور بکنیم که اینها تا این حد پستی و ذالت از خودشان نشان بدهند. اوایل ماه آذرماه ۱۳۶۷ بود که جسته و گریخته می‌شنیدیم که هر ده روز یا یک هفته به بعضی خانواده‌ها خبر می‌دهند که بیاید آتایه فرزند خود را از زندان تحویل بگیرید و از این طریق خانواده‌ها را از کشته شدن عزیزانشان مطلع می‌کردند. اما هیچ خبری درباره کشتار زندانیان سیاسی از طرف جمهوری اسلامی منتشر نمی‌شد. گاهی شبها، همسرم گریه می‌کرد و می‌گفت: وقتی برای تسلیت خانواده عزاداری رفته، نگاهشان به من به گونه‌ای بود که می‌خواستند به من بگویند، سرنوشت من هم مشابه سرنوشت آنها است. خانواده‌هایی که می‌رفتند اثاثیه عزیز خود را بگیرند، آنها را تهدید می‌کردند که حق ندارند از خبر کشته شدن فرزندان در بیرون حرفی بزنند. خب، مردم هم وحشت داشتند که در صورت باخبر کردن مرگ عزیزانشان با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. ما هنوز در آن روزهای آذرماه کماکان در شک و تردید بودیم. پسر من عباس چندین دفعه در این روزها از برلین به ما تلفن زد و مرتب می‌پرسید، پدر به من بگو، بینم انوشه زنده است؟ گفتم، زنده است. موقع ضبط ویدیویی خاطرات، اشک در چشمان آقای طاهری آمد و گفتم: «همه اینهایی که از دست رفتند مثل انوشه من بودند، فرق نمی‌کند.» موقعی که این صحبت‌ها را می‌کردیم، هنوز اطلاعی از وضعیت انوشه نداشتم تا این که روز ۱۶ آذر ۱۳۶۷ به منزل ما تلفن زدند که روز ۱۹ آذر بیاید اثاثیه و لباس انوشه را در زندان اوین تحویل بگیرید. این خبر تحویل دادن اثاثیه عزیزان به تدریج در بین خانواده‌های زندانیان که عزیزانشان را قتل عام کرده بودند، پخش می‌شد. در این زمان، تهران در یک غم بزرگی فرو رفته بود. مردم دسته دسته به دیدار خانواده شهدا می‌رفتند و گریه می‌کردند. تهران در آن روزها یک حالت خاصی داشت. وقتی روز ۱۶ آذر که این خبر تلفنی به ما داده شد تا برویم اثاثیه انوشه را از زندان تحویل بگیریم، فامیل‌ها، دوستان و آشنایان در منزل ما جمع شدند. این لحظه را تصور کنید که من پدر از میان انبوه جمعیتی که روز ۱۹ آذر در منزلمان جمع هستند، و در صف چشمان اشک

آلودشان و چهره‌های داغدار، به عنوان داغدارترین‌شان، باید بروم به زندان اوین و اثاثیه پسر من را تحویل بگیرم و به میانشان برگردم، وحشتناک‌ترین لحظه زندگی من بود. چهار ماه و نیم پیش که آخرین ملاقاتمان بود، به ما گفتند که دیگر به ملاقات نیاید تا به شما خبر بدهیم و حالا به جایی خبر از سرگیری ملاقات، می‌گویند پسران را کشتیم و حالا می‌توانید بیاید اثاثیه‌اش را تحویل بگیرید!!
صبح روز ۱۹ آذر ۱۳۶۷ از منزل به طرف زندان اوین حرکت کردم. به اتفاق یکی از همکارانم در تعاونی و با اتومبیل او به طرف زندان اوین رفتم. در فاصله حدود ۱۰۰ متری در زندان اوین، کسانی که هم سرنوشت من بودند، برای تحویل گرفتن اثاثیه عزیزان کشته شده خود ایستاده بودند.

دنباله دارد

اعلام آمادہ باش سراسری وزارت بهداشت برای مقابله با ویروس کرونا؛ ادعا یا واقعیت؟!

ندارند. علیرضا رئیسی حتی گفته که «خود ماسک می‌تواند منشأ تولید آلودگی باشد چرا که قطرات تنفسی بر روی آن می‌نشیند.»

معاون وزیر بهداشت از مردم خواسته تا «به اطلاع‌رسانی‌های مراجع قانونی همچون وزارت بهداشت اهمیت داده و بدانند که ما به محض اینکه موردی از بیماری در کشور شناسایی کنیم به آنها اطلاع خواهیم داد.»

وی همچنین از انتشار ویدئوی انتقال مسافران چین توسط پرواز ماهان انتقاد کرد و گفت: «این فیلم به عنوان نماد کنترل مرزهای ایران در دنیا دست به دست می‌شد بدون آنکه صحت داشته باشد. همکاران بهداشت محیط ما که در فرودگاه‌ها حضور دارند با پوشیدن لباس نوع ۱ ایمنی در حال فعالیت هستند و تمام مسافرینی که تا کنون از مبدأ کشور چین به ایران وارد شده‌اند را مورد بررسی‌های دقیق قرار دادند.»

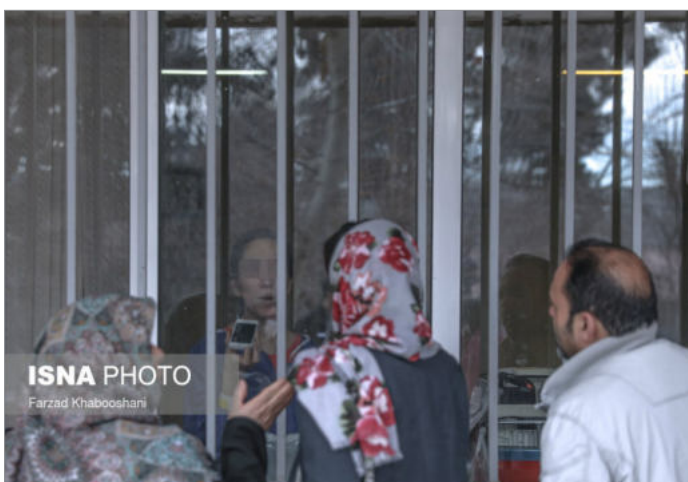
علیرضا رئیسی درباره وضعیت لغو پروازهای چین به ایران گفت که «طبق اطلاع بنده پس از پروازی که امروز دانشجویان ایرانی را به کشور بازگرداند پرواز دیگری از چین به ایران انجام نشده است. اما نظر من این است که بهتر است بتوانیم ایرانی‌ها را به کشور بازگردانده و اجازه خروج چینی‌ها از کشورمان به کشور خودشان را هم بدهیم. در خصوص پروازهای غیرمستقیم نیز معیار ما کشور مبدأ آغاز پرواز است.»

رئیس نصب دوربین‌های حرارتی در فرودگاه‌ها را «به تنهایی» غیرکافی خواند و گفت: «چرا که شاید پیش از حضور در فرودگاه قرص تب‌بند مصرف کرده باشد. به همین دلیل باید سایر علائم مسافران نیز به صورت دقیق بررسی شود.»

وی در خصوص تجهیزات تشخیصی این ویروس بیان کرد: «در این زمینه کیت اصلی تشخیص بیماری مطرح است، اما در کنار آن سایر تجهیزات اضافی را درخواست کردیم تا در کشور داشته باشیم و با کمبودی مواجه نشویم. البته توجه کنید تمام کسانی که با علائم سرماخوردگی به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند نیاز به استفاده از این کیت ندارند و این کیت تنها در مواردی که علائم بیماری پیشرفته باشد استفاده می‌شود.»

بنا بر نتایج این پژوهش، واکنش زنان خبرنگار به مزاحمت‌ها، «۶۶ درصد بی‌اعتنایی، ۲۸ درصد اعتراض، ۶ درصد برخورد تند» بوده است.

بیشترین مزاحمت‌ها شامل مسئولان دولتی و غیردولتی با آمار ۳۶ درصد بوده است. در رده بعدی، آزارهای جنسی با ۲۲ درصد هنگام حضور آنان در جمعیت است و ۱۰ درصد زنان خبرنگار از سوی کارشناسانی که به آنها مراجعه شده، صورت گرفته است. در این تحقیق، عنوان «سایر گزینه‌ها» که شرحی برای آن داده نشده، ۳۲ درصد آزارها را شامل می‌شود. نتیجه این تحقیقات نشان می‌دهد، تنها ۴۵ درصد خبرنگاران زن، آزار و اذیت‌های جنسی در جریان کار را به اطلاع مدیران و مسئولان رسانه‌ای خود رسانده‌اند که در ۳ درصد موارد واکنش مسئولان، «مقصر دانستن خبرنگار بوده است.» در این پژوهش واکنش مدیران مسئول، دبیران و مسئولان رسانه‌ها به آزارها و مزاحمت‌های جنسی خبرنگاران زن، «۴۲ درصد آموزش راه‌های محافظت»، «۴۲ درصد بی‌توجهی»، «سه درصد مقصر دانستن خبرنگار» و «۱۲ درصد سایر گزینه‌ها» بوده است. محتوای این پژوهش حاکیست، ۵۷ درصد خبرنگاران زن با اقداماتی برای محافظت از خود در برابر آزار جنسی ناآشنا بودند. همچنین، ۱۱ درصد تقریباً با این اقدامات آشنا و ۳۲ درصد کاملاً آشنا بودند. در این پژوهش راهکار پیشنهادی به خبرنگاران زن، «آموزش»، «حفظ حریم شخصی»، «فشای نام فرد مزاحم» و «قولین بازدارنده» عنوان شده است. این در حالیست که با آمار بالای مزاحمت‌ها و آزارهای جنسی توسط مسئولان دولتی و غیردولتی، استفاده از راهکار بازدارنده پیشنهادی این پژوهش، تقریباً ناممکن است.



مرکز قرنطینه‌ی یافت‌آباد

تایید خبر بازگشت این دانشجویان و آغاز قرنطینه دو هفته‌ای آنها در تهران گفت: «تا کنون هیچیک از آنها در ووهان، علائمی مبنی بر بیماری ناشی از ویروس کرونا نداشته‌اند.»

انگونه که روز چهارشنبه دوباره وزارت بهداشت اعلام کرده، هنوز هیچ مورد تایید شده‌ای از کروناویروس در کشور گزارش نشده است. وزارت بهداشت، بخش ایزوله تنفسی با فشار منفی بیمارستان یافت‌آباد تهران را به محل قرنطینه بیماران مشکوک به ویروس کرونا تبدیل کرده که گفته می‌شود دو شخص مشکوک به کرونا که یکی راننده تاکسی و دیگری مهماندار هواپیماست در آن بستری هستند. انگونه که علیرضا رئیسی معاون وزیر بهداشت ادعا کرده، «در تهران ۸ بیمارستان کاندید پذیرش مبتلایان احتمالی کروناویروس هستند و تمام بیمارستان‌ها در حالت آمادہ باش قرار دارند.»

به گفته‌ی وی، «هر استان موظف بوده یک بیمارستان را به تناسب جمعیت استان، به عنوان کاندید معرفی کند.»

معاون وزیر بهداشت از ممنوعیت صادرات ماسک به چین خبر داده و گفته که شرکت‌های تولیدی هم فعال هستند. در همین رابطه، خبرهای پراکنده در فضای مجازی از فروش محدود ماسک‌های فیلتردار به متقاضیان در داروخانه منتشر شده است. همچنین گفته می‌شود برخی فروشگاه‌های اینترنتی هم موجودی

که اعلام دارد.» به گفته‌ی وی، از این دانشجویان احتمالاً روز شنبه آزمایش PCR گرفته می‌شود. ورود این دانشجویان به ایران و عدم اطمینان مردم به دستگاه‌های حکومت به نگرانی در میان مردم دامن ده است. ضمن اینکه، مهمانداران این پرواز نیز مشخص نیست آیا در قرنطینه هستند یا نه همچنین معلوم نیست با تداوم پروازهای ایران و چین، چه سرنوشتی در انتظار مسافران ایرانی پروازهای داخلی و خارجی است.

ابتدا قرار بود کادر پرواز مربوطه در هتل لاله تهران، ساکن و قرنطینه شوند اما همگی به خانه‌های خود رفتند! با اینهمه، تعدادی از این دانشجویان با انتشار ویدئویی که در فضای باز گرفته شده، گفته‌اند که ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه، ۱۶ بهمن، وارد تهران شده و مستقیم به قرنطینه رفته‌اند. گفته می‌شود قرار است آنها پس از دو هفته به خانه‌هایشان بروند. این دانشجویان ادعا کردند که همگی سالم هستند و از مردم خواستند که با آنها مهربان‌تر باشند. با این حال، آنان اعلام نکردند در کدام قرنطینه بستری شده‌اند.

معاون وزیر بهداشت درباره وضعیت سلامت دانشجویان وارد شده به ایران گفت: «این افراد در مدتی که در چین حضور داشتند نکات بهداشتی فردی را به شدت رعایت کرده و حتی خودشان نسبت به تهیه غذا اقدام می‌کردند تا از صحت و سلامت آن مطمئن باشند.»

کیانوش جهان‌پور مدیرکل روابط عمومی و سخنگوی وزارت بهداشت، با معاون وزیر بهداشت از بازگشت از دانشجویان ایرانی و از اعلام آمادہ باش سراسری بیمارستان‌ها برای مقابله با ویروس کرونا خبر داد. طبق آخرین گزارش‌ها، برخی داروخانه‌های تهران بطور محدود اقدام به فروش ماسک‌های فیلتردار می‌کنند. همچنین گفته می‌شود دانشجویان ایرانی بازگرداندن پروازهای تهران را به همزمانی با کشور بازگشته‌اند و بجای قرنطینه شدن به خانه‌هایشان رفته‌اند.

بعلاوه در پرواز ووهان- تهران، «۶۵ نفر عراقی، ۲۴ نفر سوری و یک نفر لبنانی از شهر ووهان چین» حضور داشتند که به ادعای معاون وزیر بهداشت، «از هواپیما جز ایرانی کسی پیاده نشد» و با همان پرواز به کشورهای خود منتقل شدند.

علیرضا رئیسی معاون وزیر بهداشت گفته است که «نیمی از این ۵۰ نفر که به کشور بازگشتند، خانم هستند و همه حال‌شان خوب است جز یک نفر میانکاله سرازیر می‌شود، در مرگ و میر پرندگان این تالاب تأکید دارند. به خصوص اینکه حداقل فاضلاب شش منطقه بطور خام و مستقیم و شیرابه‌های کارخانه‌ی کمپوت‌سازی بهشهر که باوجود تبلیغات گسترده‌ی استان، نیمه‌کاره رها شده، وارد این تالاب می‌شود.

از سوی دیگر، با وجود اینکه حدود ۱۰ روز از ممنوعیت فروش و پرریایی بازار پرندگان در مازندران به علت مرگ مشکوک پرندگان مهاجر در میانکاله می‌گذرد، اما بازار پرندفروشان فریدونکنار حتی یک روز نیز تعطیل نشده و در این بازار اقدام به فروش پرندگان مرده تالاب می‌کنند!

یداللهی معاون فنی اداره کل محیط‌زیست مازندران با اعلام این خبر گفته که پرندگان مرده در این منطقه سه بار در بازار شهر فریدونکنار عرضه شده‌اند. در بازار فریدونکنار دست و پای فلامینگوهای مرده تالاب را می‌برند و بعد آنها را می‌فروشند!

وی گفته است: «گویا مرگ پرندگان مهاجر در میانکاله تقاضا برای خوردن مهمانان زمستان‌گذر را بیشتر کرده و بازار پرندفروشی این شهر را رونق بخشیده است.»

با وجود اینکه هفته گذشته، اداره حیات وحش استان مازندران از پایان مرگ و میر پرندگان در میانکاله خبر داده بود ولی این روند متوقف نشده و شمار پرندگان مرده به نقل از آمار رسمی به ۱۴ هزار پرند و بر اساس منابع غیررسمی به ۲۰ هزار پرند رسیده است.

حتی گفته می‌شود، مرگ مشکوک پرندگان در استان‌های خراسان شمالی، گلستان و قم نیز مشاهده شده است.

● معاون وزیر بهداشت از ممنوعیت صادرات ماسک به چین خبر داده و گفته که شرکت‌های تولیدی هم فعال هستند. در این رابطه خبرهای پراکنده در فضای مجازی از فروش محدود ماسک‌های فیلتردار به متقاضیان در داروخانه منتشر شده است. همچنین گفته می‌شود برخی فروشگاه‌های اینترنتی هم موجودی ندارند.

● وزارت بهداشت، بخش ایزوله تنفسی با فشار منفی بیمارستان یافت‌آباد تهران را به محل قرنطینه بیماران مشکوک به ویروس کرونا تبدیل کرده که گفته می‌شود دو شخص مشکوک به کرونا دیگری مهماندار هواپیماست در آن بستری هستند.

معاون وزیر بهداشت از بازگشت دانشجویان ایرانی و از اعلام آمادہ باش سراسری بیمارستان‌ها برای مقابله با ویروس کرونا خبر داد. طبق آخرین گزارش‌ها، برخی داروخانه‌های تهران بطور محدود اقدام به فروش ماسک‌های فیلتردار می‌کنند. همچنین گفته می‌شود دانشجویان ایرانی بازگرداندن پروازهای تهران را به همزمانی با کشور بازگشته‌اند و بجای قرنطینه شدن به خانه‌هایشان رفته‌اند.

بعلاوه در پرواز ووهان- تهران، «۶۵ نفر عراقی، ۲۴ نفر سوری و یک نفر لبنانی از شهر ووهان چین» حضور داشتند که به ادعای معاون وزیر بهداشت، «از هواپیما جز ایرانی کسی پیاده نشد» و با همان پرواز به کشورهای خود منتقل شدند.

علیرضا رئیسی معاون وزیر بهداشت گفته است که «نیمی از این ۵۰ نفر که به کشور بازگشتند، خانم هستند و همه حال‌شان خوب است جز یک نفر

میر پرندگان این تالاب تأکید دارند. به خصوص اینکه حداقل فاضلاب شش منطقه بطور خام و مستقیم و شیرابه‌های کارخانه‌ی کمپوت‌سازی بهشهر که باوجود تبلیغات گسترده‌ی استان، نیمه‌کاره رها شده، وارد این تالاب می‌شود.

از سوی دیگر، با وجود اینکه حدود ۱۰ روز از ممنوعیت فروش و پرریایی بازار پرندگان در مازندران به علت مرگ مشکوک پرندگان مهاجر در میانکاله می‌گذرد، اما بازار پرندفروشان فریدونکنار حتی یک روز نیز تعطیل نشده و در این بازار اقدام به فروش پرندگان مرده تالاب می‌کنند!

یداللهی معاون فنی اداره کل محیط‌زیست مازندران با اعلام این خبر گفته که پرندگان مرده در این منطقه سه بار در بازار شهر فریدونکنار عرضه شده‌اند. در بازار فریدونکنار دست و پای فلامینگوهای مرده تالاب را می‌برند و بعد آنها را می‌فروشند!

وی گفته است: «گویا مرگ پرندگان مهاجر در میانکاله تقاضا برای خوردن مهمانان زمستان‌گذر را بیشتر کرده و بازار پرندفروشی این شهر را رونق بخشیده است.»

● در این پژوهش، گزینه‌ی تجاوز جنسی به خبرنگاران زن، در نظر گرفته نشده و بدان پرداخته نشده است. ● سه درصد مدیران رسانه‌های خبرنگاران زن را مقصر آزارها دانسته و ۴۲ درصد نسبت به آن بی‌اعتنایی کرده‌اند. ● این آمار از آزار و اذیت خبرنگاران زن ایرانی در حالی منتشر شده که طبق اعلام سال ۱۳۹۴، از ۶ هزار خبرنگار رسمی ثبت شده، ۶۰ درصد آنان را خبرنگاران زن تشکیل می‌دهند!

تحقیق اخیر ماهنامه مدیریت ارتباطات از ۵۹ خبرنگار زن شاغل در رسانه‌های ایران نشان می‌دهد که ۹۰ درصد آنها حداقل یکبار در جریان

مرگ پرندگان میانکاله؛ قربانی سم «بیوتوکسین» یا عوامل «انسانی»؟!



تصویری از بازار فریدونکنار در استان مازندران که فلامینگوهای مرده تالاب میانکاله را می‌فروشند!

● با وجود اینکه هفته گذشته، اداره حیات وحش استان مازندران از پایان مرگ و میر پرندگان در میانکاله خبر داده بود ولی این روند متوقف نشده و شمار پرندگان مرده به نقل از آمار رسمی به ۱۴ هزار پرند و بر اساس منابع غیررسمی به ۲۰ هزار پرند رسیده است.

● حتی گفته می‌شود، مرگ مشکوک پرندگان در استان‌های خراسان شمالی، گلستان و قم نیز مشاهده شده است.

● دست و پای پرندگان مرده را بریده و بعد آنها را در بازار فریدونکنار می‌فروشند!

● معاون فنی اداره کل محیط زیست مازندران: «پرندہ‌ها به اینجا می‌آیند، یک‌سوم دوباره برمی‌گردند. دوباره در کشورهایی که ما مرگ بر آنها می‌گوییم، پنج برابر می‌شوند. دوباره می‌آیند اینجا و یک‌سوم می‌شوند! چه اتفاقی می‌افتد؟! فاجعه است.»

کارشناس محیط زیست بر نقش مواد آلی و آلاینده‌های صنایع، کارخانه‌ها، کشتارگاه‌ها، پساب‌ها و فاضلاب‌های انسانی که به تالاب میانکاله سرازیر می‌شود، در مرگ و میر پرندگان این تالاب تأکید دارند. به خصوص اینکه حداقل فاضلاب شش منطقه بطور خام و مستقیم و شیرابه‌های کارخانه‌ی کمپوت‌سازی بهشهر که باوجود تبلیغات گسترده‌ی استان، نیمه‌کاره رها شده، وارد این تالاب می‌شود.

از سوی دیگر، با وجود اینکه حدود ۱۰ روز از ممنوعیت فروش و پرریایی بازار پرندگان در مازندران به علت مرگ مشکوک پرندگان مهاجر در میانکاله می‌گذرد، اما بازار پرندفروشان فریدونکنار حتی یک روز نیز تعطیل نشده و در این بازار اقدام به فروش پرندگان مرده تالاب می‌کنند!

یداللهی معاون فنی اداره کل محیط‌زیست مازندران با اعلام این خبر گفته که پرندگان مرده در این منطقه سه بار در بازار شهر فریدونکنار عرضه شده‌اند. در بازار فریدونکنار دست و پای فلامینگوهای مرده تالاب را می‌برند و بعد آنها را می‌فروشند!

وی گفته است: «گویا مرگ پرندگان مهاجر در میانکاله تقاضا برای خوردن مهمانان زمستان‌گذر را بیشتر کرده و بازار پرندفروشی این شهر را رونق بخشیده است.»

با وجود اینکه هفته گذشته، اداره حیات وحش استان مازندران از پایان مرگ و میر پرندگان در میانکاله خبر داده بود ولی این روند متوقف نشده و شمار پرندگان مرده به نقل از آمار رسمی به ۱۴ هزار پرند و بر اساس منابع غیررسمی به ۲۰ هزار پرند رسیده است.

حتی گفته می‌شود، مرگ مشکوک پرندگان در استان‌های خراسان شمالی، گلستان و قم نیز مشاهده شده است.

● معاون فنی اداره کل محیط زیست مازندران: «پرندہ‌ها به اینجا می‌آیند، یک‌سوم دوباره برمی‌گردند. دوباره در کشورهایی که ما مرگ بر آنها می‌گوییم، پنج برابر می‌شوند. دوباره می‌آیند اینجا و یک‌سوم می‌شوند!»

کارشناس محیط زیست بر نقش مواد آلی و آلاینده‌های صنایع، کارخانه‌ها، کشتارگاه‌ها، پساب‌ها و فاضلاب‌های انسانی که به تالاب میانکاله سرازیر می‌شود، در مرگ و میر پرندگان این تالاب تأکید دارند. به خصوص اینکه حداقل فاضلاب شش منطقه بطور خام و مستقیم و شیرابه‌های کارخانه‌ی کمپوت‌سازی بهشهر که باوجود تبلیغات گسترده‌ی استان، نیمه‌کاره رها شده، وارد این تالاب می‌شود.

از سوی دیگر، با وجود اینکه حدود ۱۰ روز از ممنوعیت فروش و پرریایی بازار پرندگان در مازندران به علت مرگ مشکوک پرندگان مهاجر در میانکاله می‌گذرد، اما بازار پرندفروشان فریدونکنار حتی یک روز نیز تعطیل نشده و در این بازار اقدام به فروش پرندگان مرده تالاب می‌کنند!

یداللهی معاون فنی اداره کل محیط‌زیست مازندران با اعلام این خبر گفته که پرندگان مرده در این منطقه سه بار در بازار شهر فریدونکنار عرضه شده‌اند. در بازار فریدونکنار دست و پای فلامینگوهای مرده تالاب را می‌برند و بعد آنها را می‌فروشند!

وی گفته است: «گویا مرگ پرندگان مهاجر در میانکاله تقاضا برای خوردن مهمانان زمستان‌گذر را بیشتر کرده و بازار پرندفروشی این شهر را رونق بخشیده است.»

با وجود اینکه هفته گذشته، اداره حیات وحش استان مازندران از پایان مرگ و میر پرندگان در میانکاله خبر داده بود ولی این روند متوقف نشده و شمار پرندگان مرده به نقل از آمار رسمی به ۱۴ هزار پرند و بر اساس منابع غیررسمی به ۲۰ هزار پرند رسیده است.

حتی گفته می‌شود، مرگ مشکوک پرندگان در استان‌های خراسان شمالی، گلستان و قم نیز مشاهده شده است.

● معاون فنی اداره کل محیط زیست مازندران: «پرندہ‌ها به اینجا می‌آیند، یک‌سوم دوباره برمی‌گردند. دوباره در کشورهایی که ما مرگ بر آنها می‌گوییم، پنج برابر می‌شوند. دوباره می‌آیند اینجا و یک‌سوم می‌شوند!»

کارشناس محیط زیست بر نقش مواد آلی و آلاینده‌های صنایع، کارخانه‌ها، کشتارگاه‌ها، پساب‌ها و فاضلاب‌های انسانی که به تالاب میانکاله سرازیر می‌شود، در مرگ و میر پرندگان این تالاب تأکید دارند. به خصوص اینکه حداقل فاضلاب شش منطقه بطور خام و مستقیم و شیرابه‌های کارخانه‌ی کمپوت‌سازی بهشهر که باوجود تبلیغات گسترده‌ی استان، نیمه‌کاره رها شده، وارد این تالاب می‌شود.

ارتشی‌ها می‌گویند نیروهای مرزبانی و ارتش مانع ورود داعش به خاک ایران شدند



پرسنل نیروی زمینی ارتش در رزمایش

● حیدری فرمانده نزاجا برای دومین بار در یک هفته تاکید کرد ارتش و مرزبانی جلوی ورود داعش به ایران را گرفتند.

● هادیان معاون هماهنگ کننده نیروی هوایی ارتش: هنگامی که داعش به مرزهای کشور نزدیک شد، نیروی هوایی مواضع آنها را در نزدیکی مرزها مورد هدف قرار داد و اجازه ورود آنها به کشور نداد.

● این موضع‌گیری‌ها از سوی برخی فرماندهان ارتش بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی در حوالی فرودگاه بغداد و همچنین شلیک پدافندسپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هواپیمای مسافربری اوکراینی آغاز شده است. ● در رابطه با شکایت بازماندگان قربانیان سقوط هواپیما علیه مقامات و نهادهای نظامی جمهوری اسلامی، این نکته که برخی فرماندهان رده بالای ارتش بطور پیدا و پنهان تلاش کنند تا پاسوز سپاه پاسداران نشوند و در چنگ دادگاه‌های بین‌المللی گرفتار نیایند دور از ذهن نیست.

سرتیپ کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، ۱۷ بهمن، در یک سخنرانی گفته «اگر امروز اطمینان داریم که امنیت‌مان تامین شده است و به ما حمله نمی‌شود از تلاش‌های مرزبانی نشأت گرفته است.»

اهمیت این اظهار نظر در این نکته است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای قدس وابسته به آن مرتب ادعا می‌کنند که اگر سپاه پاسداران در سوریه و عراق نمی‌جنگید، داعش وارد ایران می‌شد! صرف نظر از ولایت‌مداری فرماندهان ارتش و اینکه مأموریت‌های سپاه پاسداران در خارج از مرزهای ایران به خودی خود بیانتگر نقش ناچیز آنها در حفاظت از مرزهای خود ایران است، اما در لابلای حرف‌های ارتشی‌ها می‌توان به اختلاف بین این دو نیروی نظامی که از قرار معلوم هرگز به یکدیگر اطمینان نکرده‌اند، پی برد.

فرمانده نیروی زمینی ارتش گرچه در این سخنرانی با تملق‌های رایج تاکید کرده «صراط مستقیم ما ولی امر مسلمین است و ایشان امروز برای ما صراط مستقیم محسوب می‌شود و ما از صراط مستقیم ولی فقیه با نگاه به همین شهدا منحرف نمی‌شویم» اما اظهار نظر او در مورد نقش ارتش در

تامین امنیت کشور توسط نیروهای مرزبانی در مقابل روایتی قرار دارد که فرماندهان سپاه پاسداران و علی خامنه‌ای روی آن مانور می‌دهند و از یکسو مدعی هستند که برای «دفاع از حرم» نیروی نظامی به سوریه و عراق فرستاده‌اند و از سوی دیگر مرتب تکرار می‌کنند که برای جلوگیری از ورود داعش به ایران در آنجا حضور یافته‌اند. کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش روز شنبه ۱۲ بهمن نیز حاشیه بازدید از «سربازخانه ۰۱» در افسریه تهران گفت، «ما در زمان مقابله با داعش به کردستان عراق رفتیم و قرارگاهی تشکیل دادیم تا ۴۰ کیلومتر قبل از ورود داعش به ایران با آنها مقابله کنیم». این در حالیست که خامنه‌ای مدعی است «اگر در سوریه نمی‌جنگیدیم باید در ایران با داعش می‌جنگیدیم»

امرای ارتش هرچند دائم بر ولایت‌مداری خود تاکید می‌کنند اما خواسته یا ناخواسته بطور قطره‌چکانی، سربسته و غیرمستقیم برخی واقعیت‌ها را بازگو می‌کنند. سرتیپ مهدی هادیان معاون هماهنگ کننده نیروی هوایی ارتش نیز ۱۶ بهمن در یک سخنرانی تاکید کرد، «هنگامی که داعش به مرزهای کشور نزدیک شد، نیروی هوایی مواضع آنها را در نزدیکی مرزها مورد هدف قرار داد و اجازه ورود آنها به کشور را نداد». البته نیروهای داعش امکانات و توان مقابله با ارتش را نداشته است اما سیاست جمهوری اسلامی برای توجیه حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از رژیم بشار اسد و حضور آنها در آن کشور از یکسو و دسترسی به مرزهای اسرائیل و ماجراجویی به اسم تشکیل و تقویت «محور مقاومت» از سوی دیگر، خامنه‌ای و سرداران سپاه پاسداران را بر آن داشته است تا مرتب ادعا کنند هدف از لشکرکشی سلیمانی به سوریه و عراق مبارزه با داعش بوده است حال آنکه بر اساس گفته‌های فرماندهان ولایت‌مدار ارتش نیز، نیروهای ارتشی بوده‌اند که از مرزهای کشور حفاظت می‌کردند در حالی که پاسداران را کشورهای دیگر به مأموریت‌های دیگر از جمله تهدید اسرائیل و تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی و حمایت از رژیم بشار اسد و... مشغول بوده‌اند!

امرای ارتش که در اغلب سخنرانی‌های خود اول چندین بار روی ولایت‌مداری خود تاکید می‌کنند مدتی است که بر نقش ارتش در متوقف کردن داعش پشت مرزهای کشور اصرار می‌ورزند در حالی که در سال‌های اخیر در این زمینه سکوت کرده بودند. آنها در سخنرانی‌های اخیر خود برخلاف خامنه‌ای و سپاه پاسداران و دستگاه تبلیغاتی نظام، اشاره‌ای به نقش سپاه قدس در مقابله با داعش که بسیار روی آن مانور داده می‌شود، نمی‌کنند.

نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که این موضع‌گیری‌ها بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی در حوالی فرودگاه بغداد و همچنین شلیک پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هواپیمای مسافربری اوکراینی آغاز شده است. با اینهمه در حال حاضر مشخص نیست که آیا یک جریان فکری سازمان‌یافته برای حمایت از جایگاه ارتش به عنوان یک نیروی نظامی متعارف پشت آن قرار دارد یا اینکه تمام موضوع بر سر رقابت‌های داخلی از جمله بر سر منابع سیاسی و به ویژه اقتصادی است.

دو هفته بعد از آنکه روشن شد اصابت موشک باعث سقوط هواپیما شده است، گروهی از خانواده‌های قربانیان پرواز ۷۵۲ از جمهوری اسلامی در دادگاه عالی انتاریو در کانادا شکایت کردند. شاکیان با استناد به «قانون عدالت برای قربانیان تروریسم»، از جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران، انقلاب اسلامی، علی خامنه‌ای، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، فرمانده آن محمد باقری فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح، حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران، عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش و امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضا سپاه پاسداران به دلیل ساقط کردن هواپیمای مسافربری تهران-کی‌یف شکایت کرده‌اند.

در همین رابطه، این نکته که برخی فرماندهان رده بالای ارتش بطور پیدا و پنهان تلاش کنند تا پاسوز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نشوند و در چنگ دادگاه‌های بین‌المللی گرفتار نیایند دور از ذهن نیست آنهم در شرایطی که نظام جمهوری اسلامی بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زند و شواهد برای آغاز پایان آن کم نیست.

مقدمات حضور در انتخابات!

پس از کشتار آبان ۹۸ که به گزارش خبرگزاری رویترز به نقل از منابع درون حکومت ۱۵۰۰ کشته و به گزارش سازمان عفو بین‌الملل دست‌کم ۳۰۴ کشته و هزاران زخمی و بازداشتی به دنبال داشته است، علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به خودش اجازه داده تا باز کاسه گدایی رای به سوی مردم دراز کند و بخواهد که با وجود همه این فجایع در نمایش انتخابات شرکت کنند!

● سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای مدعی شده آنچه خلبان و خدمه شرکت هواپیمایی آسمان دیده بودند موشک نبوده!

● در این بیانیه آمده «محتوای فایل صوتی مکالمات پرواز ۷۵۲ و برخی اسناد دیگر در اختیار اوکراین قرار گرفته و انتشار این فایل صوتی مغایر با مقررات بررسی سوانح هوایی می‌باشد».

● رئیس جمهوری اوکراین: «برج مراقبت ایران به هیچ‌وجه فایل مکالمات را به بازرسان اوکراینی نداد. اوکراین این مکالمات را به‌طور مستقل به‌دست آورده است».

● بهرام پارسایی نماینده مجلس: مسئولان سازمان هواپیمایی کشوری آگاهانه و خلاف واقع سخن گفتند و علاوه بر اعتماد عمومی به اعتبار کشور به عنوان یکی از اعضای ایکنائو صدمه زدند. ● «مدعی العموم و شورای عالی امنیت ملی به تناقض‌گویی‌ها درباره سقوط هواپیمای اوکراینی ورود کند».

● وزیر خارجه سوئد از جمهوری اسلامی خواسته در مورد سرنگونی هواپیمای اوکراینی شفافیت پاسخگویی و عدالت را تأمین کند و جعبه‌های سیاه هواپیما را تحویل دهد.

● مجموعه تناقضات و تحویل ندادن جعبه‌های سیاه پرواز ۷۵۲ به کشور اوکراین (صاحب هواپیما و خط هوایی مربوطه)، یا کانادا (دارای بیشترین مسافران در میان قربانیان سقوط)، یا آمریکا (سازنده هواپیماهای بوئینگ) و یا کشور ثالثی که امکان خواندن و بازیابی اطلاعات این جعبه‌ها را داشته باشد، به خودی خود احتمال این را که حقیقت بسی فراتر از «خطای انسانی» و شلیک «غیرعمد» است افزایش می‌دهد.

دوشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۸ (۳ فوریه ۲۰۲۰)، پس از انتشار رادیو کال (مکالمه) خلبان یک هواپیمای مسافربری متعلق به شرکت «آسمان» با اپروچ فرودگاه «مهرآباد» در مورد شلیک موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هواپیمای اوکراینی، سخنگوی سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی ادعا و تهدید کرد «این اقدام اوکراینی‌ها سبب شد دیگر هیچ سندی به آنها ارائه ندهیم»!

حسن رضایی فر گفته بود، «از انتشار چنین فایل‌ی مطلع و متعجب شدیم، این فایل از مجموعه اسنادی بوده که در تیم مشترک بررسی سانحه هوایی در اختیار گروه کارشناسان اوکراینی قرار گرفته است».

سه‌شنبه ۱۵ بهمن، سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی در یک بیانیه مدعی شد محتوای فایل صوتی مکالمات پرواز ۷۵۲ و برخی اسناد دیگر در اختیار اوکراین قرار گرفته و انتشار این فایل صوتی مغایر با مقررات بررسی سوانح هوایی است. در بیانیه سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی همچنین ادعا شده آنچه خلبان و خدمه شرکت هواپیمایی آسمان دیده بودند موشک نبوده و بعد از مشاهده فیلم آتش گرفتن هواپیما، نتیجه گرفتند که شیء رؤیت‌شده، همان هواپیمای آتش‌گرفته بوده که

دروغ‌های مقامات جمهوری اسلامی ادامه دارد؛

رئیس جمهوری اوکراین: فایل صوتی را برج مراقبت ایران به ما نداد!



عکس: نیویورک تایمز

بعداً به زمین اصابت کرد و منفجر شد. این در حالیست که خلبان فوکر ۱۰۰ هواپیمایی آسمان در مکالمه با اپروچ مهرآباد بطور مشخص اعلام کرده «موشک دیده که از زمین بلند شده است».

اما اظهارات رئیس‌جمهور اوکراین در مورد انتشار فایل صوتی خلبان هواپیمای آسمان بار دیگر پرده از دروغ‌های تازه و مداوم مسئولان جمهوری اسلامی برداشت.

به گزارش روزنامه «نیویورک تایمز» ولودیمیر زلنسکی گفته است، «ما این را فهمیده‌ایم که مقام‌های رژیم ایران می‌خواستند به شکل غیرقانونی از خود دفاع کنند. برج مراقبت ایران اصلاً نوار مکالمات را به تحقیق‌کنندگان اوکراینی که به ایران سفر کرده بودند تحویل نداد و اوکراین این مکالمات را بطور مستقل به‌دست آورده است».

این روزنامه می‌نویسد درز دادن فایل مکالمات برج کنترل فرودگاه تهران به یک وبسایت خبری بیانگر نامیدی مقامات دولت اوکراین از همکاری جمهوری اسلامی ایران در امر تحقیقات است. این عدم همکاری بطور خاص در تحویل ندادن جعبه‌های سیاه هواپیمای سرنگون شده مشخص می‌شود.

اما دروغ‌ها و تناقض‌گویی مقامات جمهوری اسلامی فراتر از اینهاست. محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی می‌گوید «پرواز شرکت آسمان بعد از حادثه هواپیمای اوکراین انجام شده»

و به همین دلیل «تا قبل از بررسی آن نمی‌توان اظهار نظر کرد»! این ادعای وزیر راه در حالی مطرح می‌شود که خلبان پرواز آسمان در فایل صوتی به صراحت اشاره می‌کند که شلیک موشک و انفجار رابا چشم خود دیده است. از سوی دیگر بهرام پارسایی سخنگوی کمیسیون «اصل ۹۰» مجلس در مصاحبه با ایسنا گفته است که این فایل صوتی صراحتاً نشان می‌دهد سازمان هواپیمایی از دلایل وقوع حادثه خبر داشته و ابهامی در این موضوع وجود ندارد. تا قبل از این تصور می‌شد که سازمان هواپیمایی، کارشناسان و کمیته بررسی سانحه به صورت شتابزده و غیرحرفه‌ای اظهار نظر کردند، اما آنچه دیروز [دوشنبه] منتشر شد نشان می‌دهد آنها آگاهانه و خلاف واقع سخن گفتند و علاوه بر اعتماد عمومی به اعتبار کشور به عنوان یکی از اعضای ایکنائو صدمه زدند».

بهرام پارسایی نماینده شیراز ادامه داد: «موضوع دیگری که جای سوال است این است که چطور رییس سازمان هواپیمایی این موضوع را می‌دانسته ولی وزیر راه و شهرسازی و خود دولت از آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و می‌گویند تنها چند ساعت قبل از اطلاعیه ستاد کل از این موضوع اطلاع پیدا کردند. این ابهامی است که دولت باید رسماً درباره آن به افکار عمومی پاسخ دهد و بگوید چطور سازمان هواپیمایی که بخشی از دولت است از این موضوع اطلاع داشته و رییس‌جمهور و دولت از آن اظهار

بی‌اطلاعی می‌کنند.» وی در بخش دیگری از این مصاحبه با اشاره به واکنش رضایی‌فر رئیس کمیته بررسی سانحه به انتشار این فایل افزود: «آنها گفته‌اند این فایل محرمانه بوده و به خاطر انتشار آن دیگر با اوکراین همکاری نمی‌کنیم، اول باید بررسی شود که آیا طبق قوانین ایکنائو این مکالمات که به صورت زنده پخش، ضبط و آرشیو می‌شود محرمانه است و آیا محرمانه بودن آن به آنها اعلام شده بود یا نه و دیگر اینکه قطع همکاری با اوکراین در اختیار رئیس کمیته بررسی سانحه نیست و او مطلقاً حق اظهار نظر از طرف دولت و دستگاه دیپلماسی را ندارد. ایران عضو ایکنائو است و قوانین ایکنائو بخشی از قوانین ماست و ما نمی‌توانیم بگوییم در این زمینه خلاف قانون عمل می‌کنیم، اینهم به گزارش‌های غیرکارشناسی، غیرحرفه‌ای و خلاف واقع قبلی اضافه می‌شود.»

وی هشدار داد «با توجه به سوء تدبیر و ضعف مدیریتی موجود من نگران هستم که در آینده این مسیر ادامه داشته باشد، سزاوار نیست که بیش از این وجهه کشور لطمه ببیند. من نگرانی جدی خود را به عنوان وکیل مردم از سوء مدیریت در سازمان هواپیمایی کشور اعلام می‌کنم و برای چندمین بار این موضوع را هشدار می‌دهم».

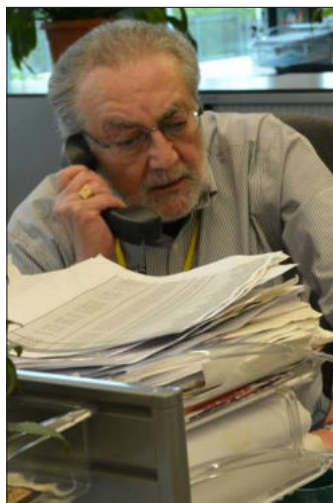
در این میان، سخنگوی کمیسیون «اصل ۹۰» مجلس شورای اسلامی خواستار ورود مدعی‌العموم و شورای عالی امنیت ملی به تناقض‌گویی‌ها درباره سقوط هواپیمای اوکراینی و همچنین عدم توقف پروازهای چین در رابطه با شیوع ویروس «کرونا» شده است.

بر اساس آخرین خبرها، آن لینده وزیر خارجه سوئد از جمهوری اسلامی خواسته است در مورد ساقط کردن هواپیمای اوکراینی شفافیت پاسخگویی و عدالت را تأمین کند و جعبه‌های سیاه هواپیما را تحویل دهد.

در این میان ابوالفضل موسوی از اعضای کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی به روزنامه «جهان صنعت» گفته هم‌زمان با هشدار خلبان هواپیمایی آسمان، یک هواپیمای قطری هم که در نزدیکی محل حادثه در حال عبور بوده اظهاراتی مشابه را با برج مراقبت تبادل کرده است. او ادامه می‌دهد: «هواپیمای اوکراینی تمام مجوزهای لازم را از برج مراقبت داشته است و برج مراقبت هم طبق توافقات با سیستم پدافند هماهنگ بودند.» او در پاسخ به این پرسش که تبعات ناشی از انتشار این فایل صوتی برای سازمان هواپیمایی چیست گفت: «در مورد عملکرد سازمان هواپیمایی تحلیل‌هایی را داریم اما تا انتشار گزارش نهایی نمی‌توانیم نظر قطعی بدهیم».

مجموعه تناقضات و عدم همکاری شفاف و همچنین اطلاع‌رسانی از سوی جمهوری اسلامی و مهمتر از همه تحویل ندادن جعبه‌های سیاه پرواز ۷۵۲ به کشور اوکراین (صاحب هواپیما و خط هوایی مربوطه)، یا کانادا (دارای بیشترین مسافران در میان قربانیان سقوط)، یا آمریکا (سازنده هواپیماهای بوئینگ) و یا کشور ثالثی که امکان خواندن و بازیابی اطلاعات این جعبه‌ها را داشته باشد، به خودی خود احتمال این را که حقیقت بسی فراتر از «خطای انسانی» و شلیک «غیرعمد» است افزایش می‌دهد.

ژان خاکزاد روزنامه‌نگار باسابقه و سردبیر رادیو ملی ایران درگذشت



● این روزنامه‌نگار پیش از انقلاب، سردبیر بخش خبر شبکه یک رادیو ملی ایران بود و پس از انقلاب ناخواسته مجبور به ترک کشور شد.

ژان خاکزاد روزنامه‌نگار باسابقه و از قدیمی‌ترین گویندگان و برنامه‌سازان رادیو و سردبیر بخش خبر رادیو ملی ایران، روز گذشته ۱۶ بهمن‌ماه در محل اقامت خود در شهر پراگ درگذشت. شاهزاده رضا پهلوی در توثیتی درگذشت این روزنامه‌نگار پیشکسوت را تسلیت گفت. ژان خاکزاد روزنامه‌نگار پیشکسوت و از قدیمی‌ترین گویندگان و برنامه‌سازان رادیو در تبعید، روز چهارشنبه ۱۶ بهمن‌ماه در محل اقامت خود در شهر پراگ در جمهوری چک درگذشت. این روزنامه‌نگار پیش از انقلاب، سردبیر بخش خبر شبکه یک رادیو ملی ایران بود و پس از انقلاب مانند بسیاری از ایرانیان، ناخواسته مجبور به ترک کشور شد. وی که سال‌ها به عنوان خبرنگار آزاد در خارج از ایران فعالیت می‌کرد، همکاری خود

با «رادیو اروپای آزاد» را از سال ۱۳۷۸ آغاز کرد. وی از قدیمی‌ترین برنامه‌سازان «رادیو آزادی» در پاریس بود و پس از آنکه بخش فارسی این رادیو به «رادیو فردا» تغییر یافت، تا زمان مرگ در پراگ فعالیت می‌کرد. خاکزاد در این رادیو تهیه‌کننده و مجری برنامه «صدای شما» به مدت یک دهه، تا دو سال پیش و قبل از بازنشستگی بود. ژان خاکزاد ۲۰ سال در «رادیو فردا» مشغول به کار بوده و به مدت یک دهه نیز تهیه‌کنندگی و اجرای برنامه هفتگی «صدای شما» را به عهده داشته است. این روزنامه‌نگار و خبرنگار به واسطه صدا و اجرای متفاوتی که داشت، برای شنوندگان رادیو بسیار شناخته شده بود. شاهزاده رضا پهلوی در حساب توثیتی خود، از درگذشت این روزنامه‌نگار پیشکسوت ابراز تأسف و فقدان وی را به خانواده و دوستانش تسلیت گفته است. رضا پهلوی نوشت: «از خبر درگذشت ژان خاکزاد روزنامه‌نگار پیشکسوت بسیار متأثر شدم. در دیدارهایی که با وی داشتم، سخت تحت‌تأثیر اخلاق و رفتار نیکش قرار گرفتم و خاطره خوبی از او در ذهن من باقی

بماند است. از صمیم قلب، فقدان ژان را به خانواده و دوستانش تسلیت می‌گویم و خود را در غم آنان شریک می‌دانم.» سازمان گزارشگران بدون مرز نیز در توثیت ضمن اعلام تسلیت نسبت به درگذشت ژان خاکزاد، درباره‌ی این روزنامه‌نگار پرسابقه نوشت: «ژان چه سال‌هایی که خبرنگار رادیو آزادی در پاریس بود و چه پس از آن در پراگ از دوستان و همیاران RSF و مدافعان آزادی اطلاع‌رسانی بود. یادش مانا.»

چند دهه سینمای....

این فیلم نیز مانند «نجات سرباز ساده رایان» دارای صحنه‌های تکاندهنده از جنگ است که گاهی به شدت فیلم «راه‌های افتخار» از استانی کوبریک را به یاد می‌آورد. «۱۹۱۷» همچنین روایتگر توانایی‌های عجیب انسان گرفتار در چنین شرایط غیرانسانی در بیان عشق و علاقه به انسان‌ها دیگر و همدردی با آنان است.

فیلم «۱۹۱۷» تکنیک متفاوتی از زبان سینمایی رایج به کار برده که البته چندان هم جدید نیست. سابقه این این تکنیک به شیوه بیان ابتکاری میکولوس یانچو سینماگر مجار در دهه هفتاد میلادی می‌رسد. سبکی که به پلان/سکانس معروف شد. در این دوره

روزنامه آلمانی «بیلد»....

بیلد این توثیت آذری جهرمی را «خجالت‌آور» توصیف کرده و نوشته که این وزیر، لباس کودکان آمریکایی را به عنوان «نواوری مهم ملامها» معرفی کرده است.

این روزنامه آلمانی به قیمت ۳۸ دلاری یا ۳۵ یورویی این لباس فضانوردی کودکان اشاره کرده و نوشته که در اینترنت بطور گسترده برای خرید در دسترس است!

«بیلد» نوشت که این توثیت اشاره‌ای به جاه‌طلبی‌های جمهوری اسلامی برای پرتاب فضاپیما سرنشین‌دار «ظفر» در هفته آینده دارد و تلاش کرده لباس فضانوردی کودکان را با پرچم جمهوری اسلامی، به عنوان لباس «فضانوردان» خودش جا بزند!

تأملات بهنگام....

این پرسش ابدی انسان است و مسأله همیشه او بر کره خاک، که تنها در زمانی که نسیمی از حقیقت بر او وزیدن بگیرد، او حجاب تعلقات مادی را از پیش چشمانش به کنار می‌زند و در خاطرش زنده می‌شود. سینمای ایران با توجه عمیقی که در هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به این پرسش نشان داده است می‌رود تا سرفصل جدیدی در تاریخ تمدن سینما در ایران آغاز کند. خالصه بارز این فصل، جدیت هنرمند، جهان بینی عمیق و رو به گسترش او و شک و تردید اصولی او به پاسخ‌های فریبنده‌ای است که فرهنگ شیطان‌پرستانه در قالب فلسفه‌ها و مکاتب گوناگون و رنگارنگ عرضه می‌کند.

هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر با آثار برتر خود نشان می‌دهد که سینماگر اندیشمند ایرانی نه تنها پاسخ

یک شهروند ایرانی-کانادایی به نقض تحریم‌ها متهم شد؛ انتقال بیش از ۱۱۵ میلیون دلار به ایران



● بهرام کریمی شهروند ایرانی-کانادایی ۵۳ ساله با سه اتهام «اقدام به تبانی برای تخلف بانکی»، «تخلف بانکی» و «اظهارات نادرست به مأموران» روبرو شده است. این پرداخت‌ها در ۱۵ مرحله و در مجموع حدود ۱۱۵ میلیون دلار بوده که بین آوریل ۲۰۱۱ و نوامبر ۲۰۱۳ انجام شده است.

● علی صدر هاشمی نژاد پسر محمد صدر هاشمی نژاد مالک بانک اقتصاد نوین و هولدینگ استراتوس از جمله متهمان این پرونده است و اوایل سال ۱۳۹۷ در آمریکا بازداشت شد.

دادستانی فدرال نیویورک یک شهروند ایرانی-کانادایی را به نقض تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی متهم کرده است. بر اساس مدارک ارائه شده به دادگاه این فرد با دور زدن تحریم‌ها ۱۱۵ میلیون دلار به ایران منتقل کرده است.

بهرام کریمی شهروند ایرانی-کانادایی ۵۳ ساله با سه اتهام «اقدام به تبانی برای تخلف بانکی»، «تخلف بانکی» و «اظهارات نادرست به مأموران» روبروست و دادگاه فدرال نیویورک به این اتهامات رسیدگی خواهد کرد.

بهرام کریمی متهم شده است که در یک پروژه زیرساختی که بطور مشترک توسط جمهوری اسلامی و ونزویلا برنامه‌ریزی و تأمین هزینه می‌شده دخالت داشته است. تمرکز این پروژه بر ساخت ۷۰۰۰ واحد مسکونی در ونزویلا بوده است.

نقش این شهروند ایرانی-کانادایی بوده که از طرف یک شرکت ونزویلابی به شعبه‌هایی از دو شرکت ایرانی از طریق حساب‌های بانکی سوئیس پرداخت‌هایی انجام می‌داده است. این شرکت‌ها از بانک‌های نیویورک برای پرداخت استفاده می‌کردند. در واقع بهرام کریمی با استفاده از بانک‌های نیویورک پرداخت‌ها به شرکت‌های ایرانی را مخفی کرده بود.

این پرداخت‌ها در ۱۵ مرحله و در مجموع حدود ۱۱۵ میلیون دلار بوده که بین آوریل ۲۰۱۱ و نوامبر ۲۰۱۳ انجام شده است و مقامات ایالات متحده این روند را نقض آشکار تحریم‌های این کشور علیه ایران ارزیابی کرده‌اند.

از سوی دیگر بهرام کریمی در بازجویی‌هایی که اخیراً توسط اف‌بی‌آی

در رابطه با این پرونده از وی صورت گرفته، گفته تصور می‌کرده تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی، شرکت‌های خصوصی و اشخاص ایرانی را در بر نمی‌گیرد.

اکنون دادگاه بر این مبنا که کریمی کاملاً آگاهانه تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران را دور زده و سپس در این مورد به اف‌بی‌آی دروغ گفته و او را با اتهام سوومی زیر عنوان «اظهارات نادرست» روبرو کرده است.

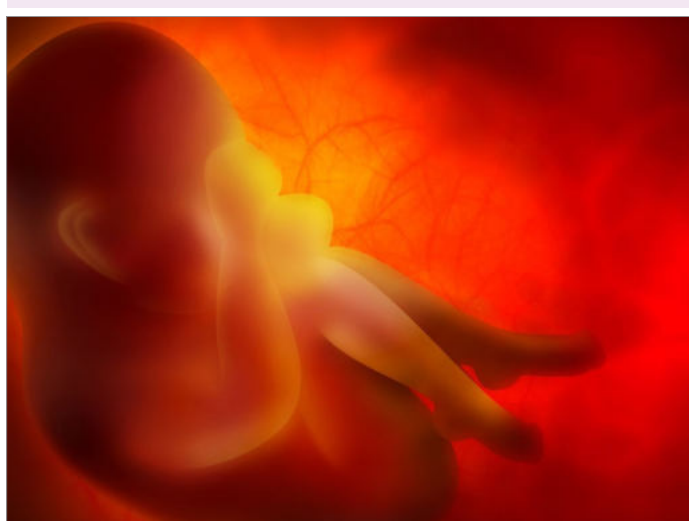
بر اساس قوانین ایالات متحده اشد مجازات برای اتهامات «اقدام به تبانی برای تخلف بانکی» و «تخلف بانکی» ۳۰ سال و برای «اظهارات نادرست» ۵ سال است. در این صورت اگر دادگاه اشد مجازات برای اتهامات بهرام کریمی را در نظر بگیرد او در مجموع به ۳۵ سال حبس محکوم خواهد شد.

پرونده دور زدن تحریم‌ها توسط پروژه ساختمان‌سازی در ونزویلا پیشتر نیز مطرح شده بود. علی صدر هاشمی‌نژاد پسر محمد صدر هاشمی‌نژاد مالک بانک اقتصاد نوین و هولدینگ استراتوس از جمله متهمان این پرونده است و روند بررسی اتهامات او نیز در ایالات متحده در جریان است.

اوایل سال ۱۳۹۷ علی صدر هاشمی‌نژاد رئیس وقت بانک «پیلانوس» در مالت در ویرجینیا آمریکا بازداشت شد. دادستانی فدرال در منهن نیویورک شش اتهام علیه علی صدر هاشمی‌نژاد را در زمینه دور زدن تحریم‌های جمهوری اسلامی و پولشویی مطرح کرد.

بازداشت علی صدر هاشمی‌نژاد جدا از مواردی که نسبت به دور زدن تحریم‌های جمهوری اسلامی توسط لابی گسترده و ثروتمند نظام مطرح کرد، نام دافنه کاروانا گالیسیا روزنامه‌نگار معروف اهل مالت که در سال اکتبر ۲۰۱۷ از طریق بمبگذاری در اتومبیلش جان باخت را برجسته کرد. دافنه کاروانا گالیسیا در مقالاتی بانک خانواده صدر هاشمی‌نژاد را به

نزدیک به نیم میلیون سقط جنین در سال در ایران



سالانه بیش از ۴۵۰ هزار سقط جنین بطور قانونی و غیرقانونی در ایران انجام می‌شود. یکی از دلایل این همه سقط در سال، آسان بودن این عمل در ایران است.

این آمار را محمدباقر لاریجانی مشاور وزیر بهداشت جمهوری اسلامی روز پنجشنبه در هفتمین کنگره اخلاق پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران اعلام کرد. وی گفت: ایران تنها کشور اسلامی در جهان است که این چالش را در چهارچوب نگاه اسلامی به‌خصوص برای سقط جنین بیش از سه ماهگی و جلوگیری از زجر جنین تا حدودی حل کرده است.

عباس مسجدآزادی رئیس سازمان پزشکی قانونی ایران نیز گفت: بر اساس آمار غیررسمی وزارت بهداشت، هر سال حدود ۱۲۵ هزار سقط جنین غیرقانونی در کشور اتفاق می‌افتد. او افزود: سقط جنین طبق قانون در ایران ممنوع است. درواقع زنان از این حق محروم هستند. سقط جنین از مراحل اولیه تولید نطفه قابل مجازات

است و ضوابط آن در مواد ۴۸۷ و ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده اما در قانون فعلی، هیچ تعریفی از سقط جنین وجود ندارد. سقط جنین در ایران، تنها در شرایطی که «سقط درمانی» نامیده می‌شود مجاز است. به گفته فعالان زنان، غیرقانونی بودن سقط جنین، باعث غیرامن بودن عمل برای خانم‌ها شده است.



نام محمد توفیق علاوی از صندوق در آورد؟

محمد توفیق علاوی نام پیشنهادی شیخ محمد کوثرانی، نماینده حسن نصرالله، رهبر حزب الله لبنان، برای عراق است. کوثرانی از دستیاران نزدیک قاسم سلیمانی بود. هدف از معرفی محمد توفیق علاوی خنثی کردن یا غیرفعال ساختن جنبش برای تغییر در عراق بود که گروه‌های شیعی و به ویژه جمهوری اسلامی را مستأصل کرده است. البته حزب الله فردی را معرفی کرد که حمایت مقتدی صدر را نیز داشته باشد. بسیاری شاید خبر ندارند که دو دختر محمد توفیق علاوی با دو برادرزاده مقتدی صدر ازدواج کرده‌اند. یکی از آنها همسر احمد صدر است. مقتدی صدر که فرزند پسر ندارد، برادرزاده اش احمد را برای جانشینی خود انتخاب کرده. احمد صدر قرار است یکی از وزارتخانه‌های مهم در دولت جدید را عهده‌دار باشد. البته مقتدی صدر برادرزاده اش احمد را برای احراز مقام نخست وزیر آماده می‌سازد!

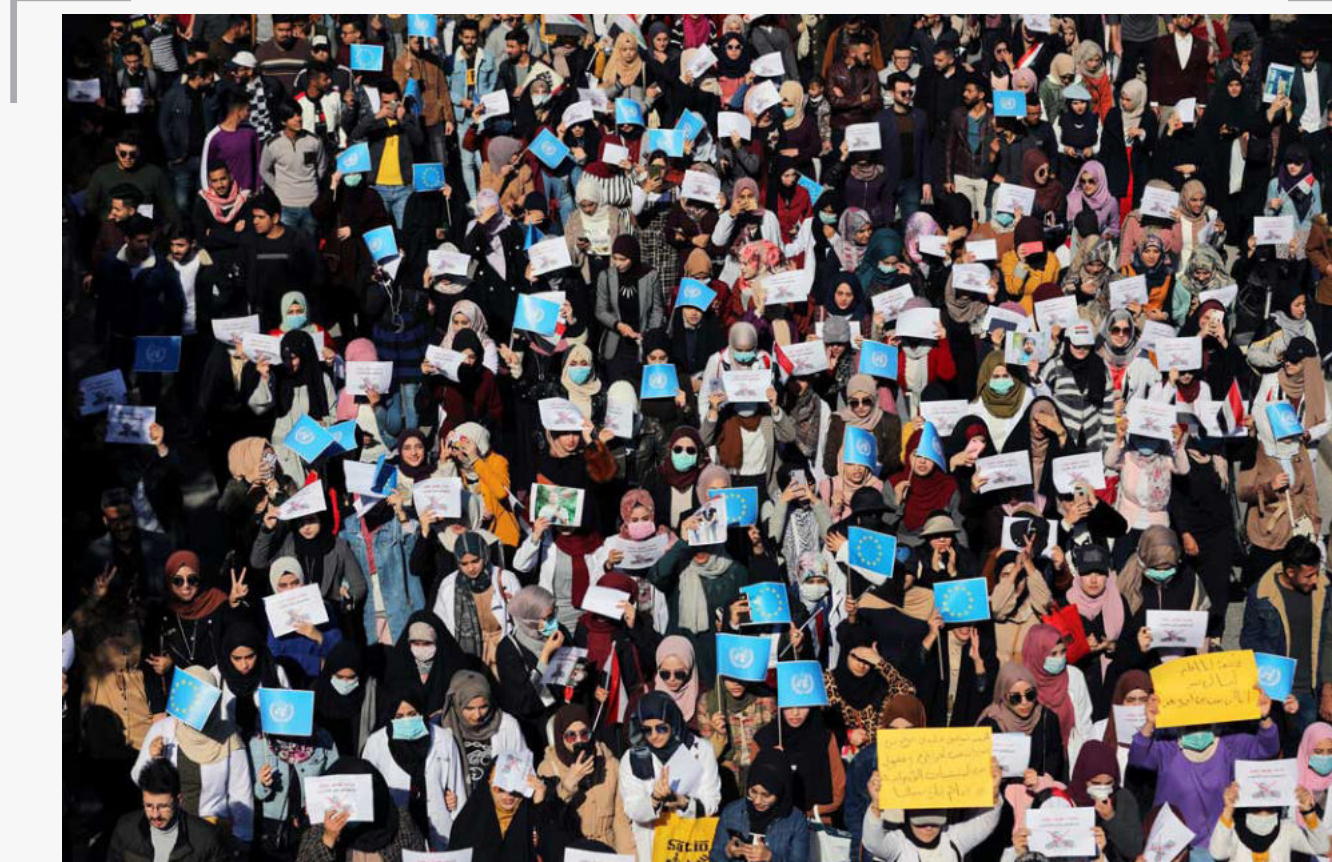
● معترضین عراقی از همان ابتدا با انتخاب محمد توفیق علاوی از سوی برهم صالح، رئیس جمهور کرد عراق، مخالفت کردند. چرا؟ برای اینکه او را چون نخست وزیران قبلی دست نشانده جمهوری اسلامی می‌دانند، یا اینکه خواهان تغییراتی عمیق‌تر از تعیین یک نخست وزیر جدید هستند؟

این تظاهرات برای احیای کرامت از دست رفته است. بارها گفته و تکرار می‌کنم بحران کنونی در عراق تا زمانی که نظام حاکم بر ایران تغییر پیدا نکند و یا به شدت تضعیف نشود، پایان نخواهد یافت. کسانی که بیش از ۵۰۰ عراقی را در ۴ ماه گذشته با استفاده از تک‌تیراندازان و حتا اسلحه نیمه‌سنگین کشته‌اند و همه وابسته به جمهوری اسلامی و یا حزب الله لبنان هستند. ما امروز شاهد سیستم سرکوبی هستیم که همزمان در عراق، لبنان و ایران عمل می‌کند. ما شاهد حضور شبه‌نظامیان عراقی در اهواز برای سرکوب مردم ایران بوده‌ایم. حزب اللهی‌های لبنانی را برای سرکوب معترضین عراقی به کشور ما آوردند. همه آنها اعضای یک ارتش واحد سرکوبگر هستند و ساختار آنها شباهت بسیاری با ساختار داعش دارد که همزمان در چند کشور دست به اقدامات



معترضان در کربلا

تروریستی می‌زند. نیروی قدس و داعش دو روی یک سکه هستند. برای مقابله با این تروریسم ولایی ما نیز باید متحد شویم. اگر مردم ایران پیروز شوند ما هم پیروز شدیم و اگر آنها ببازند ما نیز باختیم. هر کدام از مردم ایران، عراقی یا لبنانی بتوانند جمهوری اسلامی و مزدورانش را شکست دهند، همه ما پیروز شده‌ایم. آنها سرکوب را منطقه‌ای کرده‌اند، ما باید مبارزه علیه آنها را فراموشی نکنیم.



یک تحلیلگر عرب: جمهوری اسلامی سرکوب را منطقه‌ای کرده و تا این نظام در قدرت است، مردم منطقه پیروز نخواهند شد؛

داعش و قدس دو روی سکه‌اند!

یک فرد یک نماد بود. او در ۲۰ سال گذشته مسئولیت فعالیت‌های تروریستی در خاورمیانه و صدور انقلاب به کشورهای منطقه را بر عهده داشت. شخصا حدود یک دهه، تا سال ۲۰۱۵ با گروه‌های شیعی عراقی هوادار جمهوری اسلامی کار کرده و در جلسات آنها حضور داشته‌ام. در این جلسات بحث می‌شد، تصمیماتی گرفته می‌شد ولی در نهایت همه می‌گفتند باید نظر «حاجی» را جویا شد. «حاجی» کسی جز قاسم سلیمانی نبود. او بود که حرف آخر را در تمام تصمیمات گروه‌های شیعی عراقی می‌زد. این وفادار به ولایت فقیه هستند. بسیار مهم است که بدانیم قاسم سلیمانی با بودجه دو یا سه میلیارد دلاری که

بازی در زمین معترضین را ترک کند و رسماً به جبهه سرکوبگران اعتراض‌های مردمی بپیوندد؟ بدون شک مرگ قاسم سلیمانی و خلائی که او و ابومهدی المهندس بجا گذاشته‌اند مهم‌ترین عاملی است که مقتدی صدر را وادار کرد چهره واقعی و وابستگی خود به خامنه‌ای را نشان بدهد و ماسکی را که بر چهره داشت بردارد. اگر چه شخصاً معتقدم که هیچکس نمی‌تواند جای خالی قاسم سلیمانی را در استراتژی



مقتدی صدر و برادرزاده اش احمد که وی را برای نخست‌وزیری عراق آماده می‌کنند!

جمهوری اسلامی برای کشورهای منطقه پر کند، ولی بدون شک مقتدی صدر تلاش دارد به جای او بنشیند. البته حسن نصرالله، رهبر حزب الله لبنان، نیز خود را کاندیدای جانشینی قاسم سلیمانی کرده. ولی هیچکدام از این دو و هیچ نظامی ایرانی دیگری نخواهند توانست چنین موقعیتی را به دست بیاورند. چرا؟ چون قاسم سلیمانی بیش از

حمایت از خواست‌های جمهوری اسلامی برگزار کرد. آیا مواضع او تغییر کرده یا بالاخره مجبور شد چهره واقعی خود را نشان دهد؟ مقتدی صدر از همان ابتدا روی دو میز بازی می‌کرد. او در دولت مستعفی عادل عبدالمهدی ۷ وزیر داشت بنابراین نمی‌تواند مدعی عدم مشارکت در نظامی باشد که کشور را به این روز انداخته و خواهان تغییرات بنیادینی باشد که معترضین خواهان آن هستند. البته همزمان می‌خواهد

خود را در دورانی که مردم از احزاب فاسد شیعی روی برگردانده‌اند، به عنوان یک نیروی مردمی و خواهان اصلاحات جا بزند. او یک دروغگوی بی‌شرم است و با وجود تظاهر به داشتن اختلافاتی با جمهوری اسلامی همیشه در خدمت ملاهای تهران و قم بوده است. بی‌جهت نیست که بسیاری او را در بغداد «مقتدی قمی» خطاب می‌کنند! چه عاملی باعث شد که

و در گذشته با قاسم سلیمانی از نزدیک همکاری داشته است. به گفته کمیساریای سازمان ملل متحد در امور عراق از اول اکتبر تا امروز ۴۷۵ نفر در اعتراضات مردم عراق کشته شده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل صحبت از ۶۰۰ کشته در ۴ ماه گذشته می‌کند.

انتفاض کمال قنبر که در گذشته با برخی از دولت‌های شیعی در سال‌های پس از سقوط رژیم صدام حسین در مقام مشاور امنیت ملی همکاری داشته است، از چند سال پیش به عنوان تحلیلگر با رسانه‌های آمریکایی و عربی همکاری دارد. انتفاض کمال قنبر که مدیریت «بنیاد آینده» در واشنگتن را نیز عهده‌دار است، معتقد است تا زمانی که جمهوری اسلامی در ایران بر سر



در تظاهرات اعتراضی بصره

کار باشد، مشکل است مردم عراق بتوانند به خواست‌هایشان برسند. موقعیت کنونی عراق را در گفتگویی با وی در میان گذاشتیم. ● مقتدی صدر تا چند هفته پیش از اعتراض‌ها پشتیبانی می‌کرد و هوادارانش در خیابان در کنار مردم بودند. با کشته شدن قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، ناگهان تظاهراتی علیه حضور نظامیان آمریکایی و در

● در پیامد حمله مسلحانه هواداران مقتدی صدر موسوم به «کلاه آبی‌ها» به معترضین در شهر نجف، ۸ نفر کشته و بیش از ۲۰ نفر به شدت زخمی شدند.

● از اول اکتبر و آغاز موج جدید اعتراض‌ها تا امروز، به گفته کمیساریای سازمان ملل در امور عراق، دست کم ۴۷۵ نفر از معترضین در حملات شبه نظامی میان حشدالشعبی وابسته به نیروی قدس، بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف عراق جان خود را از دست داده‌اند.

● مقتدی صدر تلاش دارد جای خالی ابومهدی المهندس، رهبر حزب الله عراق، که در حمله پهبادی آمریکا به همراه قاسم سلیمانی کشته شد را به عنوان مرد مورد اطمینان جمهوری اسلامی پر کند.

● در عراق نیز رانت و روابط نسبی و سببی خانوادگی، فساد را در ساختار حکومت و گروه‌های مختلف سیاسی تنیده است.

● «نیروی قدس و داعش دو روی یک سکه هستند. برای مقابله با این تروریسم ولایی ما نیز باید متحد شویم. اگر مردم ایران پیروز شوند ما هم پیروز شدیم و اگر آنها ببازند ما نیز باختیم. هر کدام از مردم ایران، عراقی یا لبنانی بتوانند جمهوری اسلامی و مزدورانش را شکست دهند، همه ما پیروز شده‌ایم. آنها سرکوب را منطقه‌ای کرده‌اند، ما باید مبارزه علیه آنها را فراموشی نکنیم.»

احمد رأفت - چهارشنبه بعد از ظهر «کلاه آبی‌ها»، شبه نظامیان طرفدار مقتدی صدر! به تظاهرات



مردمی در شهر نجف با اسلحه سرد و گرم حمله کردند. در جریان این حمله به کسانی که به حکم نخست وزیر محمد توفیق علاوی اعتراض داشتند، حداقل ۸ نفر کشته شدند. حداقل بیست نفر نیز در جریان این حمله زخمی شدند. تظاهرکنندگان که در نجف علیه جمهوری اسلامی و دخالت‌هایش در عراق شعار می‌دانند، معتقدند که محمد توفیق علاوی کاندیدای مورد نظر مقامات رژیم ایران است